unesco Chair
UNESCO Chair on Cyberspace and Culture: Dual-spacization of the World

همراه اول
mci Mobile Communications of Iran

9th International Conference on Media and Information Literacy

نهمین همایش بین‌المللی سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی

We All Play a Part: People as Actors of Cognitive Warfare in a Contested World

همه نقش داریم: مردم به‌عنوان کنشگران جنگ شناختی در جهان مناقشه‌آمیز

Conference Proceedings

اطلاع‌نامه همایش

2020 02 November

۱۱ آبان ۱۳۹۹



Faculty of World Studies
Cyberspace Policy Research Center
Iranian World Studies Association
Iranian National Commission of UNESCO
Islamic World Science Citation Database

بسم الله الرحمن الرحیم

Conference اطلاع‌نامه
Proceedings همایش



Conference Principal and Chair of the Academic Committee
Dr. Saied Reza Ameli

Academic Committee
Dr. Younes Shokrkhah
Dr. Hassan Fartousi
Dr. Ehsan Shahghasemi
Dr. Zohreh Nosrat Kharazmi
Dr. Behzad Ahmadi
Dr. Shaho Sabbar
Dr. Ebrahim Mohseni Ahooei
Dr. Farnaz Nouri
Seyed Milad Mousavi Haghshenas
Manijeh Akhavan

International Scientific Committee Members
Dr. Piers Robinson, Organization for Propaganda Studies / University of Sheffield
Dr. Ramzy Baroud, The Palestine Chronicle (Editor-in-Chief)
Dr. David Miller, University of Bristol

Chair of the Executive Committee
Dr. Shaho Sabbar

Executive staff
Alireza Kohankhaki, Samaneh Shafiee, Zahra Sheykhaee, Reza Shojaei, Hamid Niroeei Aghmiyouni, Emad Arabshahi, Sadegh Afsharian, Saeid Asadi, Nasrin Jalilvand, Farahnaz Ebrahimi, Feizollah Mahmoudi, Mohammadreza Asadollahi, Davoud Moniri, Arman Karami, Zahra Hassani

Collaborating students
Hossein Eshaghian, Parisa Ehteshamnia, Mina Otadi, Bagher Salehi, Yasin Ghanizadeh Yazdi, Amat uz Zainab Dawoodani, Zeinab Shahabaddini Parizi, Bahar Khazaei, Shahrbanoo Khajavi, Amirhossein Mamizadeh, Maral Amini, Melika Zamanpour

رئیس و دبیر علمی همایش
دکتر سعیدرضا عاملی

کمیته علمی همایش
دکتر یونس شکرخواه
دکتر حسن فرطوسی
دکتر احسان شاه‌قاسمی
دکتر زهره نصرت خوارزمی
دکتر بهزاد احمدی
دکتر شاهو صبار
دکتر ابراهیم محسنی آهویی
دکتر فرناز نوری
سید میلاد موسوی حق‌شناس
منیژه اخوان

اعضای کمیته علمی بین‌المللی
دکتر پیرز رابینسون، سازمان مطالعات تبلیغات سیاسی دانشگاه شفیلد
دکتر رمزی بارود، سردبیر ارشد نشریه پالستاین کرانیکل
دکتر دیوید میلر، دانشگاه بریستول

دبیر اجرایی همایش
دکتر شاهو صبار

کادر اجرایی
علیرضا کهن‌خاکی، سمانه شفیعی، زهرا شیخایی، رضا شجاعی، حمید نیروی آغمیونی، عماد عربشاهی، صادق افشاریان، سعید اسدی، نسرین جلیلوند، فرحناز ابراهیمی، فیض الله محمودی، محمدرضا اسداللهی، داود منیری، آرمان کرمی، زهرا حسنی

دانشجویان همکار
حسین اسحاقیان، پریسا احتشام نیا، مینا اوتادی، باقر صالحی، یاسین غنی‌زاده یزدی، امت الزینب داودانی، زینب شهاب‌الدینی پاریزی، بهار خزائی، شهربانو خواجوی، امیرحسین ممی‌زاده، مارال امینی، ملیکا زمان‌پور

©

اطلاع‌نامه نهمین همایش بین‌المللی سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی

اولین انتشار در تهران، ۱۴۰۵
توسط کرسی یونسکو در فرهنگ و فضای مجازی: دوفضایی شدن جهان و دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران

همه حقوق محفوظ است. بدون مجوز کتبی ناشر نمی‌توان هیچ بخشی از این متن را چاپ یا تولید مجدد کرد یا در هر شکلی یا توسط هر وسیله الکترونیکی، مکانیکی یا دیگر ابزارها که تا اکنون شناخته شده و یا در آینده اختراع خواهد شد، از جمله فتوکپی و ضبط یا برای ذخیره در سیستم‌های اطلاعاتی یا بازیابی مورد استفاده قرار داد.

©

Proceedings of the 9th International Conference on Media and Information Literacy

First published in Tehran in 2026
by UNESCO Chair on Culture and Cyberspace: The Dual-Spacization of the World and Faculty of World Studies, University of Tehran

All rights reserved. No part of this book may be reprinted or reproduced or utilized in any form or by any means electronic, mechanical, or other means, now known or hereinafter invented, including photocopying and recording, or in any information storage or retrieval system, without permission in writing from the publishers.

فهرست مطالب

۵-۸۳
بخش فارسی

۶
تاریخچه و معرفی همایش

۹
برنامه همایش

۲۴
مقاله کلیدی رئیس همایش: جنگ شناختی جدید در پیوند با هوش مصنوعی کوانتومی و مدل دوفضایی سنجش سواد جنگ شناختی

۴۱-۸۳
چکیده‌های فارسی

Table of Contents

84-173
English Section

85
The Conference Brief History and overview

89
Conferenec Programme

104
Keynote Paper by the Conference Chair: The New Cognitive Warfare in Connection with Quantum Artificial Intelligence and the Dual-Spacization Model of Cognitive Warfare Literacy (CWL) Assessment

124-173
English Abstracts

بخش فارسی

Persian Section

تاریخچه و معرفی همایش

کرسی یونسکو در فضای مجازی و فرهنگ: دوفضایی شدن جهان، با هدف توسعه گفتمان علمی، تقویت همکاری‌های بین‌المللی و گسترش پژوهش در حوزه سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی، از سال ۱۳۹۷ برگزاری مجموعه‌ای از همایش‌های علمی را در سطح ملی و بین‌المللی در دستور کار قرار داده است. این رویدادها با تمرکز بر موضوعات روز و مسائل نوظهور در حوزه رسانه، اطلاعات، فناوری‌های دیجیتال و هوش مصنوعی، بستری برای تبادل دانش و ارائه دستاوردهای پژوهشی استادان، پژوهشگران و متخصصان داخلی و بین‌المللی فراهم کرده‌اند.



تصویر ۱. روند هشت‌ساله سمینار و همایش بین‌المللی سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی

نخستین همایش کرسی یونسکو در فضای مجازی و فرهنگ: دوفضایی شدن جهان در سطح ملی در تاریخ ۷ آبان ۱۳۹۷ با موضوع «شهرهای دارای سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی» در یک نشست تخصصی در دانشکده مطالعات جهان برگزار شد. در ادامه این سنت، دومین همایش این کرسی نیز همچنان در سطح ملی در تاریخ ۳۰ مهر ۱۳۹۸ با حضور اساتید برجسته حوزه سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی برگزار شد. موضوع سومین همایش ملی این کرسی، «مقابله با همه‌گیری اطلاعات نادرست: سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی برای همه و به‌دست همه» بود که در آبان ۱۳۹۹ برگزار شد. در ادامه، از سال ۱۴۰۰، با وجود همه‌گیری جهانی ویروس کووید-۱۹، چهارمین همایش این کرسی از سطح ملی به سطح بین‌المللی ارتقاء یافت و به صورت برخط در تاریخ ۸ آبان ۱۴۰۰ با موضوع «سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در خدمت منافع مردم» برگزار شد و در آن سخنرانانی از ایران، اتریش و ایالات متحده حضور داشتند و به ارائه سخنرانی پرداختند. در ادامه این سنت علمی، پنجمین همایش بین‌المللی در تاریخ ۲ آبان ۱۴۰۱ با موضوع «پرورش اعتماد برای سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی» در قالب دو نشست تخصصی با حضور سخنرانانی از ایران و کشور فرانسه برگزار شد. ششمین همایش بین‌المللی نیز در تاریخ ۳ آبان ۱۴۰۲ با موضوع «دستورکار جمعی جهانی» در

دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران برگزار شد. این رویداد، میزبان سخنرانانی از کشورهای ایران، هند، اتریش، ترکیه، پرتغال، روسیه، فیلیپین، مالزی و بریتانیا بود که به مناسبت هفته جهانی سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی به ارائه نتایج پژوهش‌های خود پرداختند. همچنین هفتمین همایش بین‌المللی در تاریخ ۷ آبان ۱۴۰۳ با موضوع «مرزهای دیجیتال نوین اطلاعات» و تمرکز بر موضوع «شناخت و تمایز بین مرز داده‌های ملی و داده‌های جهان» برگزار شد. در این همایش بین‌المللی، بیش از ۱۰۰ چکیده فارسی و انگلیسی از ایران و کشورهای نیوزیلند، استرالیا، امارات متحده عربی، پاکستان، تاجیکستان، روسیه، هند، تایوان، کانادا، آمریکا، استرالیا و چین دریافت شد که بخشی از آنها در چهار نشست تخصصی به زبان فارسی و انگلیسی با مجموع ۲۷ سخنران، شامل ۷ سخنران خارجی و ۲۰ سخنران ایرانی از داخل و خارج از ایران همراه با یک کارگاه آموزشی توسط شرکت ارتباطات سیار ایران، همراه اول ارائه شد. درنهایت، هشتمین همایش بین‌المللی در سال گذشته، در تاریخ ۳ آبان ۱۴۰۴ با موضوع «تفوق اذهان بر هوش مصنوعی- سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در فضاهای دیجیتال: ظرفیت‌ها وچالش‌های هوش مصنوعی برای طبیعت و زندگی طبیعی» با حضور بیش از ۱۱۰ شرکت‌کننده به صورت حضوری و حدود ۲۱۰۰ شرکت‌کننده به صورت برخط در شبکه تلویزیونی دانشگاه تهران، پیام‌رسان روبیکا و سکوی زوم برگزار شد. در این رویداد علمی، ۴۳ چکیده به زبان فارسی و ۴۷ چکیده به زبان انگلیسی از چهار کشور جهان، شامل کشورهای بحرین، ترکیه، ایالات متحده امریکا و اتریش دریافت شد و منتخبی از آنها در ۸ نشست تخصصی با مجموع ۵۳ سخنرانی فارسی و انگلیسی به صورت شفاهی ارائه شد.

مروری بر روند برگزاری هشت همایش ملی و بین‌المللی کرسی یونسکو در فضای مجازی و فرهنگ: دوفضایی شدن جهان طی سالیان گذشته، نشان‌دهنده گسترش تدریجی فعالیت‌های علمی این کرسی از سطح ملی به سطح بین‌المللی، ناظر بر کشورهای شمال و جنوب جهان و توسعه دامنه موضوعی آن از مباحث مرتبط با شهرهای دارای سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی و حکمرانی نوین تا موضوعات نوظهور همچون مرزهای دیجیتال، اعتماد، منافع عمومی و هوش مصنوعی است که با رویکرد بومی ـ جهانی تنظیم شده است. استمرار برگزاری این همایش‌ها طی هشت دوره، زمینه‌ای برای تثبیت جایگاه علمی کرسی، توسعه تعاملات پژوهشی و تقویت گفتگوی ملی و بین‌المللی درباره سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی فراهم کرده است. تداوم این مسیر می‌تواند در جهت گسترش همکاری‌های علمی، ارتقای کیفیت پژوهش‌ها و پاسخگویی به مسائل نوپدید در محیط رسانه‌ای و اطلاعاتی معاصر نقش‌آفرین باشد.

مجموعه چکیده‌های پذیرفته‌شده همایش بین‌المللی امسال که در این مجلد ارائه شده است، با تمرکز بر جنگ شناختی، سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی، ارتباطات راهبردی و تحولات فناوری‌های دیجیتال، تصویری بین‌رشته‌ای از دگرگونی مناسبات قدرت، رسانه و شناخت انسان ارائه می‌کند. بخش فارسی شامل ۴۲ چکیده (۴۶ درصد از کل) و بخش انگلیسی نیز شامل ۴۹ چکیده (۵۴ درصد از کل) است و بنابراین، این مجموعه ۹۱ چکیده را در بر می‌گیرد.

این مجموعه را می‌توان بازتاب شکل‌گیری یک دستور کار پژوهشی چندرشته‌ای دانست که در آن، جنگ شناختی به مسئله‌ای مشترک بین مطالعات رسانه، علوم شناختی، علوم سیاسی، حقوق و سیاست‌گذاری فناوری تبدیل شده است. جهت‌گیری کلان چنین دستور کاری از شناسایی تهدیدها به سوی تبیین سازوکارهای اثرگذاری، تقویت عاملیت انسانی و طراحی راهبردهای تاب‌آورانه حرکت می‌کند.

از نظر موضوعی، حوزه نخست، جنگ روایی، بازنمایی رسانه‌ای و ارتباطات راهبردی، با حدود ۲۶ چکیده، یکی از محورهای اصلی مجموعه است. در این محور، رسانه‌ها

عمدتاً به عنوان بازیگرانی مؤثر در ساخت معنا، تعیین مسئولیت، صورت‌بندی تهدید و مشروعیت‌بخشی به کنش‌های سیاسی در نظر گرفته شده‌اند. بازنمایی جنگ‌های معاصر، رقابت روایت‌های ایران و آمریکا، پوشش رسانه‌ای منازعات، دیپلماسی عمومی و قدرت نرم، نمونه‌هایی از موضوعات پرتکرار این محور هستند. اهمیت این محور در آن است که سطح تحلیل را از محتوای منفرد پیام‌ها به رقابت بر سر چارچوب‌های تفسیر واقعیت گسترش می‌دهد.

حوزه دوم، سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی، واکسیناسیون شناختی و تاب‌آوری، با حدود ۲۰ چکیده، بر توانمندسازی مخاطبان برای مواجهه انتقادی با اطلاعات نادرست و دستکاری‌شده تمرکز دارد. چکیده‌های این حوزه به نقش هوش مصنوعی مولد، الگوریتم‌های توصیه‌گر، دستکاری ادراک، قطبی‌سازی سیاسی، حریم خصوصی، سوگیری الگوریتمی و مخاطرات حقوقی می‌پردازند. وجه مشترک مطالعات پذیرفته شده در این حوزه توجه خاص به این نکته است که معماری سکوها و منطق شخصی‌سازی می‌تواند بر توجه، قضاوت و رفتار کاربران اثر بگذارد.

حوزه سوم، هوش مصنوعی، الگوریتم‌ها و تحولات فناوری دیجیتال، با حدود ۱۵ چکیده، به پیامدهای هوش مصنوعی مولد، الگوریتم‌های توصیه‌گر، سوگیری سامانه‌های هوشمند، دستکاری ادراک و شخصی‌سازی محتوا می‌پردازد. این مطالعات بر پیشگیری، تفکر انتقادی، فراشناخت، تشخیص محتوای مصنوعی و حفظ استقلال داوری مخاطب تأکید دارند. در مقایسه با رویکردهای مبتنی بر شناسایی و اصلاح اطلاعات نادرست پس از انتشار، این حوزه بر توانمندسازی پیشینی کاربران متمرکز است. البته، برخی چکیده‌ها در این حوزه در مرحله طراحی چارچوب یا مرور ادبیات قرار دارند.

حوزه چهارم، شناخت، روان‌شناسی، عاملیت انسانی و حافظه جمعی، با حدود ۱۲ چکیده، بر فرایندهای ذهنی و اجتماعی اثرگذار بر دریافت و تفسیر پیام‌ها متمرکز است. در این حوزه، سوگیری‌های شناختی، هیجان، مسئولیت اخلاقی، آسیب‌پذیری روان‌شناختی، هویت جمعی و عاملیت مخاطب بررسی می‌شوند. این مطالعات نشان می‌دهند که فهم جنگ شناختی بدون توجه به فرایندهای ذهنی و اجتماعیِ دریافت و بازتفسیر پیام‌ها ناقص خواهد بود.

حوزه پنجم، هویت فرهنگی، دین، دیاسپورا و بازنمایی اجتماعی، با حدود ۱۰ چکیده، به حافظه فرهنگی، روایت‌های ملی، فرهنگ عامه، سینما، کودکان و نوجوانان، بازنمایی گروه‌های اجتماعی، سینما، فرهنگ عامه و نقش دین در منازعات شناختی می‌پردازد. و حوزه ششم، حقوق، اخلاق، حکمرانی و اقتصاد داده، با حدود ۸ چکیده، مسائل حقوقی، اخلاق، سیاست‌گذاری، اقتصاد داده، مسئولیت شرکت‌های فناوری، حفاظت از داده‌ها، تنظیم‌گری سامانه‌های هوشمند، نظارت سکویی و محدودیت‌های مداخله فناورانه را بررسی می‌کند. این دو محور نشان می‌دهند که پیامدهای جنگ شناختی به حوزه امنیت محدود نیست و ابعاد فرهنگی، حقوقی و اقتصادی نیز دارد.

در مجموع، مهم‌ترین ویژگی این مجموعه، پیوند بین سه سطح تولید و توزیع پیام، پردازش شناختی و پیامدهای اجتماعی ـ سیاسی است. نقطه قوت این رویکرد، عبور از تبیین‌های تک‌عاملی و توجه به تعامل فناوری، رسانه و مخاطب است. در مقابل، تنوع روش‌شناختی، تفاوت بین پژوهش‌های نظری و تجربی و ناهمگونی زمینه‌های مطالعاتی، مقایسه مستقیم نتایج را دشوار می‌کند.

برنامه همایش

مراسم افتتاحیه

آیین گشایش و سخنرانی‌های افتتاحیه

تالار حنانه — **۸:۰۰ - ۱۰:۰۰**

۸:۰۰	**پذیرش و ثبت نام**
۸:۱۵	**تلاوت آیاتی از قرآن کریم**
۸:۲۵	**سرود ملی جمهوری اسلامی ایران**
۸:۳۰	**سخن آغازین همایش** دکتر شاهو صبار
۸:۴۰	رئیس همایش؛ استاد گروه ارتباطات و مطالعات جهان دانشگاه تهران و رئیس کرسی فضای مجازی و فرهنگ: دوفضایی‌شدن جهان **جنگ شناختی جدید در پیوند با هوش مصنوعی کوانتومی و مدل دوفضایی سنجش سواد جنگ شناختی** دکتر سعیدرضا عاملی
۹:۰۰	**وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی** دکتر سید عباس صالحی
۹:۳۰	**دبیرکل محترم کمیسیون ملی یونسکو در ایران** دکتر حسن فرطوسی
۹:۴۵	**رئیس محترم مؤسسه فرهنگی اکو** دکتر محمد حسن

۱۰:۰۰ – ۱۰:۱۵ | **پذیرایی**

نشست ۱.

هوش مصنوعی، حکمرانی الگوریتمی و عاملیت انسانی در جنگ شناختی

تحولات هوش مصنوعی و گسترش نظام‌های الگوریتمی، مناسبات قدرت، سازوکارهای شکل‌دهی به ادراک و حدود عاملیت انسانی را در منازعات شناختی بازتعریف می‌کنند. بررسی حکمرانی شناختی، معماری ادراک و تعامل انسان و فناوری، ابعاد نوظهور مدیریت و جهت‌دهی به فرایندهای شناختی را آشکار می‌سازد.

نشست # ۱

هوش مصنوعی، حکمرانی الگوریتمی و عاملیت انسانی در جنگ شناختی

رئیس نشست: دکتر بهزاد احمدی

تالار حنانه

۱۰:۱۵ - ۱۲:۰۰

۱۰:۱۵ — **عاملیت انسانی در منازعات ادراکی نوین انسان و ماشین با تأکید بر سواد رسانه‌ای**
ماندانا سجادی | منیژه اخوان

۱۰:۲۸ — **منشور اخلاق هوش مصنوعی روسیه: رویکردی انسان‌محور** [ارائه به انگلیسی]
الهه کریمی ریابی | کسنیا بلیکوا

۱۰:۴۱ — **برخی رویکردها و مخاطراتِ به‌کارگیری شبکه‌های عصبی برای مقابله با محتوای مخرب: دیدگاه یک حقوق‌دان** [ارائه به انگلیسی]
کسنیا بلیکوا

۱۰:۵۴ — **هوش مصنوعی و قطبی‌سازی سیاسی؛ نقش الگوریتم‌های توصیه‌گر در تشدید شکاف‌های اجتماعی**
پرهام پوررمضان

۱۱:۰۷ — **بررسی تأثیر خلاصه‌های تولیدشده به‌وسیله ماشین بر دقت حافظه شاهدان عینی** [ارائه به انگلیسی]
پریسا احتشام‌نیا

۱۱:۲۰ — **نقش رسانه‌ها و الگوهای هوش مصنوعی مولد در جنگ شناختی و مدیریت افکار عمومی با تأکید بر پیامدهای دینی و هنری**
زهرا حاجی احمدی

۱۱:۳۳ — **پیش‌خبری شناختی در عصر هوش مصنوعی مولد: ارائه یک چارچوب سه‌لایه برای تاب‌آوری در برابر اطلاعات نادرست**
مهدی امیرنیا

۱۱:۴۵ – ۱۲:۰۰ — **پرسش و پاسخ**

۱۲:۰۰ – ۱۳:۱۵ — **نماز و ناهار**

نشست ۲.

مهندسی روایت، دیپلماسی عمومی و نبرد ادراکی در جنگ شناختی

مهندسی روایت و دیپلماسی عمومی از سازوکارهای راهبردی اثرگذاری بر برداشت‌ها، نگرش‌ها و تفسیرهای جمعی در محیط‌های منازعه‌آمیز به شمار می‌روند. تحلیل رقابت روایی، راهبردهای ارتباطی و سازوکارهای اقناع، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های کنشگران را در شکل‌دهی به ادراک عمومی و جهت‌دهی به معنا بررسی می‌کند.

نشست # ۲

مهندسی روایت، دیپلماسی عمومی و نبرد ادراکی در جنگ شناختی

رئیس نشست: دکتر فرزاد غلامی

سالن ملل | **۱۰:۱۵ - ۱۲:۰۰**

۱۰:۱۵
جنگ شناختی و دیپلماسی عمومی در جهان چندقطبی: روایت‌های رسانه‌ای از اجلاس ۲۰۲۴ بریکس در کازان [ارائه به انگلیسی]
حسین اسحاقیان

۱۰:۳۰
دیپلماسی نخبگانی در عصر جنگ شناختی؛ عاملیت جامعه دانشگاهی در شکستن ایزولاسیون شناختی از طریق رسانه‌های اجتماعی
محمدمهدی صادقی | سید محمدعلی سید حنایی

۱۰:۴۵
ارتباطات راهبردی و سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در زمان جنگ: مقابله با آشفتگی اطلاعاتی و تقویت پاسخ‌گویی دموکراتیک [ارائه به انگلیسی]
علیرضا صالحی‌نژاد

۱۱:۰۰
برق، ادراک و جنگ شناختی: عملیات اطلاعاتی روسیه پیرامون امنیت برق اروپا
مینا اوتادی

۱۱:۱۵
برساخت تهدید شهری: مهندسی روایت و امنیتی‌سازی رسانه‌ای تهران و ضاحیه در جریان جنگ رمضان [ارائه به انگلیسی]
حانیه قاسمیان

۱۱:۳۰
از میدان نبرد تا میدان ادراک: نقش نبرد روایت‌ها در شکل‌دهی به ادراک عمومی در جنگ شناختی
زهرا غلامی قاینی نصرآبادی

۱۱:۴۵ – ۱۲:۰۰ پرسش و پاسخ

۱۲:۰۰ – ۱۳:۱۵ نماز و ناهار

نشست ۳.

سواد رسانه‌ای، استقلال شناختی و حکمرانی زیست‌بوم‌های اطلاعاتی

پیچیدگی زیست‌بوم‌های اطلاعاتی و تشدید مداخلات شناختی، ضرورت بازاندیشی در سواد رسانه‌ای و الزامات استقلال شناختی را برجسته می‌سازد. بررسی حکمرانی اطلاعات، ارزیابی انتقادی محتوا و ارتقای توان تشخیص و تفسیر پیام‌ها، چارچوبی برای تقویت عاملیت آگاهانه و مواجهه مسئولانه با محیط‌های اطلاعاتی فراهم می‌آورد.

نشست # ۳

سواد رسانه‌ای، استقلال شناختی و حکمرانی زیست‌بوم‌های اطلاعاتی

رئیس نشست: دکتر زهره نصرت خوارزمی

تالار حنانه — **۱۳:۱۵ - ۱۵:۰۰**

۱۳:۱۵	**پایگاه خبری «پالستاین کرونیکل» (سردبیر ارشد)** [ارائه به انگلیسی] رمزی بارود
۱۳:۲۸	**سکوهای اجتماعی؛ دریچه‌های فهم کودکان از جهان: مطالعهٔ الگوهای متناسب‌سازی فضای مجازی برای کودکان با تمرکز بر مرجعیت سکویی** سید میلاد موسوی حق‌شناس
۱۳:۴۱	**حافظه جمعی و عاملیت شناختی در زیست‌بوم اطلاعاتی پلتفرمی: بازخوانی هالبواکس در برابر سازوکارهای الگوریتمی** زهرا سادات روح‌الامین | محمد آقاسی
۱۳:۵۴	**از ابزار تا معنا: چشم‌اندازهای زبان و سواد در عصر قدرت شناختی** [ارائه به انگلیسی] زهرا سادات روزافزای
۱۴:۰۷	**سواد انتقادی رسانه‌ای و روایت‌های دیاسپورا: چارچوب‌بندی جنگ چهل‌روزه برای مخاطبان بین‌المللی** [ارائه به انگلیسی] زینب قاسمی‌طاری
۱۴:۲۰	**ذهن‌های قطبی، خاطره‌های پیوندی و مرزهای نمادین: تبیین شناختی-ارتباطی بازآفرینی حافظه فرهنگی در زیست‌بوم دیاسپورا** محمدرضا وفائی | انسیه (اقلیما) پولادزاده
۱۴:۳۳	**حاکمیت سایبری در عصر اقتصاد دیجیتال: از شکاف شرق و غرب تا همگرایی الگوهای حکمرانی دیجیتال** روح‌اله کهن هوش نژاد
۱۴:۴۶ – ۱۵:۰۰	**پرسش و پاسخ**
۱۵:۰۰ – ۱۵:۱۵	**پذیرایی**

نشست ٤.

آسیب‌پذیری هیجانی، قطبی‌سازی و تاب‌آوری در جنگ شناختی

هیجان‌ها، سوگیری‌های شناختی و سازوکارهای قطبی‌سازی اجتماعی، از عوامل مؤثر بر آسیب‌پذیری افراد و گروه‌ها در برابر مداخلات شناختی هستند. تحلیل پیوند میان برانگیختگی عاطفی، قضاوت در شرایط عدم قطعیت و تشدید شکاف‌های اجتماعی، زمینه‌های نظری و راهبردهای ارتقای تاب‌آوری شناختی را تبیین می‌کند.

نشست # ٤

آسیب‌پذیری هیجانی، قطبی‌سازی و تاب‌آوری در جنگ شناختی

رئیس نشست: دکتر فرناز نوری

سالن ملل

۱۳:۱۵ - ۱۵:۰۰

۱۳:۱۵	**سازمان مطالعات پروپاگاندا / دانشگاه شفیلد** [ارائه به انگلیسی] پیرز رابینسون
۱۳:۲۸	**جنگ شناختی ایران و آمریکا: تحلیل کیفی بصری روایت‌های بدیل دیجیتال رسانه «اکسپلوسیو مدیا»** [ارائه به انگلیسی] ستاره صادقی
۱۳:٤۱	**احساس پیش از اندیشه: عواطف، باورها و آسیب‌پذیری در برابر جنگ شناختی** [ارائه به انگلیسی] شاهو صبار
۱۳:٥٤	**جنگ شناختی در عصر دیجیتال؛ راهبردها، پیامدها و نبرد برای ذهن انسان** محمد هادی واعظ مهدوی | محمدرضا دهشیری
۱٤:۰۷	**سیاست زمان در زیست‌بوم شناختی بحران: گردش اطلاعات و فرصت آگاهی در سیلاب والنسیا** سید محمد حسین میرهاشمی
۱٤:۲۰	**وقتی بحران به هویت تبدیل می‌شود: بازنمایی ایران در پوشش خبری شبکه یوتیوب الجزیره انگلیسی** [ارائه به انگلیسی] عاطفه طغیانی
۱٤:۳۳	**مطالعه تطبیقی اثرات انسجام نهادی و هویتی بر تبعات جنگ‌های شناختی، قطبی‌سازی و بازآرایی اجتماعی در دو کشور ایران و ونزوئلا** الهه نوری غلامی‌زاده | علی آقامحمدی
۱٤:٤٦ – ۱۵:۰۰	**پرسش و پاسخ**
۱۵:۰۰ – ۱۵:۱۵	**پذیرایی**

نشست ۵.

بازنمایی رسانه‌ای جنگ، دستکاری ادراک و سواد انتقادی

بازنمایی رسانه‌ای جنگ در شکل‌دهی به فهم عمومی منازعات، برجسته‌سازی برخی واقعیت‌ها و حاشیه‌رانی روایت‌های رقیب نقشی تعیین‌کننده دارد. واکاوی تصاویر، چارچوب‌بندی‌های خبری و سازوکارهای دستکاری ادراک، اهمیت سواد انتقادی را در تحلیل بازنمایی‌های رسانه‌ای و ارزیابی نسبت میان روایت، قدرت و واقعیت نشان می‌دهد.

نشست # ۵

بازنمایی رسانه‌ای جنگ، دستکاری ادراک و سواد انتقادی

رئیس نشست: دکتر سید میلاد موسوی حق‌شناس

سالن ملل

۱۵:۱۵ - ۱۷:۱۵

۱۵:۱۵ — **خطرات حقوق بنیادین مقابله با جنگ شناختی با استفاده از هوش مصنوعی**
بهادر امینیان جزی

۱۵:۳۰ — **دفاع ملی و عاملیت رسانه‌های محلی در شرایط جنگی و بحرانی**
مسعود زمانی مقدم

۱۵:۴۵ — **مهندسی بدن‌مند و مقاومت جنبشی: جنگ شناختی و بنیان‌های جسمانی دانش** [ارائه به انگلیسی]
محمدباقر شعبان‌پور

۱۶:۰۰ — **فرسایش دموکراسی در آمریکای لاتین: پلتفرم‌های الگوریتمی، شبکه‌های اطلاعات نادرست و ادراکات انتخاباتی در انتخابات نزدیک و رقابتی** [ارائه به انگلیسی]
الهه نوری‌غلامی‌زاده

۱۶:۱۵ — **مهندسی روایت و اتهامات دست‌کاری بازار: گزارش‌های آکسیوس درباره جنگ ایران** [ارائه به انگلیسی]
سید حمیرا احد چورا

۱۶:۳۰ — **اخلاقی‌سازی بصری منازعه در رسانه‌های خبری؛ تحلیل قاب‌بندی چندوجهی جنگ رمضان در بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال**
مائده پورصفائی

۱۶:۴۵ — **جدال روایت‌ها: تحلیل مقایسه‌ای بازنمایی رسانه‌ای «آمریکا از چین» و «چین از خود»**
غزل ایزدی

۱۷:۰۰ – ۱۷:۱۵ — **پرسش و پاسخ**

۱۷:۱۵ – ۱۷:۴۵ — **نماز و استراحت**

نشست ۶.

حافظه، شناخت و مسئولیت اخلاقی در زیست‌بوم‌های دیجیتال

میانجی‌گری فناوری‌های دیجیتال در فرایندهای حافظه، داوری و تصمیم‌گیری، پرسش‌های تازه‌ای درباره اعتبار شناختی و مسئولیت اخلاقی پدید آورده است. بررسی تأثیر محتوای تولیدشده با هوش مصنوعی، میم‌های بصری، واکسیناسیون شناختی و انتخاب اخلاقی، نسبت میان عاملیت انسانی، شکل‌گیری معنا و مسئولیت‌پذیری در فضای دیجیتال را تبیین می‌کند.

نشست # ۶

حافظه، شناخت و مسئولیت اخلاقی در زیست‌بوم‌های دیجیتال

رئیس نشست: دکتر شاهو صبار

تالار حنانه

۱۵:۱۵ - ۱۷:۱۵

۱۵:۱۵
دانشگاه بریستول [ارائه به انگلیسی]
دیوید میلر

۱۵:۳۰
الگوریتم صلح: بازاندیشی در حکمرانی شناختی در عصر توجه، از نظارت بر الگوریتم تا معماری ادراک
مبینا بخشی

۱۵:۴۵
از قدرت نرم تا جنگ شناختی: نقش انیمیشن‌های لگویی و میم‌های بصری در مهندسی روایت و شکل‌دهی به عاملیت شناختی
محمدمهدی صادقی | عبدالحسین کلانتری

۱۶:۰۰
کارتوگرافی میمیک و هالیوودی‌سازی منازعه در کنش‌های دیجیتال دونالد ترامپ: واسازی تصاویر هوش مصنوعی تروث‌سوشال در مهندسی ادراک علیه ایران
باربد طاهرخانی

۱۶:۱۵
تبیین الگوی واکسیناسیون شناختی و عاملیت مردمی در مدیریت بحران‌های ترکیبی: رویکردی مروری-تحلیلی بر نقش سواد رسانه‌ای در مواجهه با جنگ شناختی
مجتبی نوری الموتی

۱۶:۳۰
انتخاب و مسئولیت در جنگ روایی؛ بازاندیشی در تصمیم‌گیری اخلاقی در فضای مجازی
زهرا ایزدبین

۱۶:۴۵ – ۱۷:۱۵ پرسش و پاسخ

۱۷:۱۵ – ۱۷:۴۵ نماز و استراحت

مراسم اختتامیه

سخنرانی‌های اختتامیه

همایش بین‌المللی سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی

تالار حنانه

۱۷:۴۵ - ۱۸:۴۵

۱۷:۴۵

استاد گروه ارتباطات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

مقصر دانستن ماشین: هوش مصنوعی و حمله به مدرسه میناب در شبکه‌های اجتماعی فارسی‌زبان

دکتر احسان شاه قاسمی

۱۸:۰۵

معاون رئیس مؤسسه فرهنگی اکو

رویکردهای نوین شناختی به سواد رسانه‌ای: تجربه مؤسسه فرهنگی اکو

دکتر احمد آکالین

۱۸:۲۵

معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری

دکتر زهرا بهروزآذر

۱۸:۴۵ **عکس یادگاری**

برنامه همایش

مقاله کلیدی رئیس همایش

به نام خدا

مقاله کلیدی رئیس همایش

جنگ شناختی جدید در پیوند با هوش مصنوعی کوانتومی و مدل دوفضایی سنجش سواد جنگ شناختی

سعید رضا عاملی

استاد گروه ارتباطات و مطالعات جهان دانشگاه تهران و رئیس کرسی فضای مجازی و فرهنگ: دوفضایی‌شدن جهان

ssameli@ut.ac.ir

مقدمه

در شرایطی نهمین همایش بین‌المللی سواد اطلاعاتی و رسانه‌ای را برگزار می‌کنیم که ضرورت سواد اطلاعاتی و رسانه‌ای نسبت به تکنیک‌های جنگ شناختی برای همه مردم جهان خصوصاً کسانی که در معرض مستقیم این جنگ هستند، ضرورتی گریزناپذیر است. کرسی فرهنگ و فضای مجازی از فرصت نهمین همایش سواد اطلاعاتی که در سال ۲۰۲۶ یونسکو عنوان سال را به «همه ما نقش داریم: سواد اطلاعاتی و رسانه‌ای برای مردم» اختصاص داده است، بهره می‌برد و عنوان نهمین همایش بین‌المللی کرسی فرهنگ و فضای: دوفضایی‌شدن جهان در سواد اطلاعاتی و رسانه‌ای را به عنوان ذیل اختصاص داده است: «همه نقش داریم: مردم به عنوان کنشگران جنگ شناختی در جهان مناقشه‌آمیز» که در ۱۱ آبان ۱۴۰۵ در دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران برگزار می‌شود.

در پرتو این نشست بین‌المللی علمی، تلاش می‌شود سطح سواد مردم ایران و جهان را نسبت به تکنیک جنگ‌های شناختی در قالب «دروغ‌پردازی»، «تحریف پیام»، «القاء فساد»، «تبعیض»، «شکست» و «برجسته‌سازی‌های منتهی به تحریک مردم برای جنگ داخلی» یا «القاء کمبود در مواد غذایی» و صدها روش دیگر که هدف اصلی خود «فروریختن یک ملت از درون»، «از بین بردن وحدت و انسجام ملی»، «بی اعتمادی به مسئولین نظام» و تقویت «احساس فقر» و «احساس شکست» است.



تصویر ۱. دوفضایی‌شدن جهان در سواد اطلاعاتی و رسانه‌ای

جنگ شناختی ترکیبی از ظرفیت‌های جنگ روانی، دیپلماسی عمومی، نفوذ فرهنگی، جنگ سایبری و البته جنگ خودآگاه شناختی و ناخودآگاه شناختی و جنگ الگوریتمی است که با هدف تغییر در شناخت و رفتار جامعه هدف اعم از کارگزاران نظام حکمرانی، نظامیان و عموم مردم صورت می‌گیرد. جنگ شناختی همچنین شامل استفاده راهبردی از علوم اعصاب، علوم رفتاری و فناوری دیجیتال برای نفوذ در شناخت انسان و اختلال در آن تبدیل شدن به جزء مهمی از کشمکش‌های راهبردی مدرن است که قدرت تخریب و تغییر بزرگ داشته باشد. جنگ شناختی بدون عملیات سخت نظامی و گاه قبل، در حین و بعد از جنگ نظامی برای فروپاشی نظام‌های سیاسی یا ضعیف‌سازی قدرت نظام‌های سیاسی کشورهای رقیب صورت می‌گیرد. در دکترین نظامی چین، جنگ شناختی ترکیبی از جنگ افکار عمومی، عملیات روانی و جنگ حقوقی است که معروف به دکترین سه جنگ است که منجر به غلبه فکری و ذهنی بر مردم و حتی کارگزاران یک کشور می‌شود (هونگ و هونگ ، ۲۰۲۲). جنگ‌شناختی به دلیل پیچیدگی و چندوجهی بودن، یک قلمرو چندرشته‌ای و به نوعی فرارشته‌ای است که رشته‌های مدیریت، سیاستگزاری، علوم جامعه‌شناسی، روانشناسی شناختی، علوم مهندسی داده‌کاوی، علوم کامپیوتر و کوانتوم، مهندسی‌های دفاعی و سایر رشته‌های مرتبط پیوند می‌خورد.

ناتو جنگ شناختی را به منزله یک عرصه جدید نبرد قلمداد می‌کند که در کنار عرصه‌های سنتی زمینی، دریایی، هوایی، فضایی و سایبری قرار می‌گیرد. در تعریف فرماندهی تحول ناتو، جنگ شناختی شامل اقداماتی هماهنگ در ترکیب با سایر ابزارهای قدرت است که با تأثیرگذاری، محافظت یا اخلال در شناخت افراد، گروه‌ها یا جوامع، نگرش‌ها و رفتارهای آن‌ها را هدف می‌گیرد تا بر دشمن برتری یابند (دپ و شال ، ۲۰۲٤).

از سوی دیگر ظهور فناوری‌های جدید، شاکله جنگ‌های شناختی را از جنگ روانی ساده به سمت جنگ روانی پیچیده سوق داده است و به سمت جنگ الگوریتمی، نظام‌مند، جزئی‌تر، پرسرعت‌تر، شبکه‌ای، شخصی‌سازی شده، یکپارچه و قابل مدیریت و قابل کنترل‌تر سوق می‌دهد. جنگ شناختی الگوریتمی با استفاده از کدنویسی‌های پیچیده از قدرت تخریب فیزیکی نیز برخوردار است که نمونه اخیر آن پیجرهای استفاده شده در جنگ رژیم اسرائیل و لبنان بود (ال بیا و گولتیگن ، ۲۰۲۵).

۱) نسبت بین جنگ شناختی و هوش‌مصنوعی و فناوری پردازش‌گرهای کوانتومی

نسبت بین جنگ شناختی و هوش مصنوعی و فناوری‌های کوانتومی، نسبت بین استفاده از روش‌های سنتی و روش‌های پیچیده مبتنی بر استفاده از میلیاردها پارامتر در بستر کدنویسی‌شده با قدرت عملکرد ریزتراش‌های چندصدم میلیاردی در تشخیص، اقدام و اثرگذاری‌های فردی، جمعی و انتخاب شده است.

در اینکه راهبرد جمهوری اسلامی ایران در جنگ شناختی چه باید باشد، در دو سطح اصلی یعنی اولاً، سطح دکترین و راهبرد نظری و ثانیاً، سطح اقدامات نیازمند به تبیین دقیق هستیم. از سوی دیگر در روش و اقدامات نیازمند توجه به محدودیت‌های سلبی مبتنی بر دکترین اندیشه اسلامی در بایدها و نبایدها و نظامات اخلاقی اسلام در حوزه تخریب روحیه، هویت و شخصیت انسان‌ها خصوصاً غیرنظامیان نیز هستیم. آیا می‌توانیم از ابزارهای غیر اخلاقی مثل دروغ‌پردازی، برچسب‌زنی، تحریف شخصیت استفاده کنیم. در سطح دیگر، لازم است هم در سطح آفند و هم در سطح پدافند و هم در سطح بازدارندگی توجه جنگ شناختی را وارد ملاحظات دفاعی کنیم.

۲) چهار سطح راهبردی جنگ شناختی مترتب بر یکدیگر

جنگ شناختی را می‌توان پدیده‌ای چندسطحی دانست که فهم آن مستلزم بررسی هم‌زمان زیرساخت‌های فناورانه، تحولات دکترین نظامی، شیوه‌های عملیاتی و الزامات راهبردی دفاع و بازدارندگی است.

۱) در سطح اول باید خصیصه‌ها و تمایزات فناوری‌های جدید را نسبت به فناوری‌های قدیم با تمرکز بر هوش مصنوعی و پردازش‌گرهای کوانتومی فهم نمود و معماری متمایزکننده فناوری‌های جدید با تکیه بر هوش مصنوعی را متمایز نمود. سطح اول شامل ابعاد زیرساختی، ساختی و فناورانه می‌شود که تمایزات نگرشی، نهادی و فرآیندی بوجود می‌آورد.

۲) در سطح دوم تمرکز بر تغییرات بنیادین در دکترین جنگ و انتقال از جنگ سخت، پرمخاطره و پرهزینه به دکترین جنگ ترکیبی شناختی کم هزینه، کم‌ریسک و اثرگذر و در عین ویران کننده قدرت فرهنگی و اجتماعی حریف مورد توجه است. در این سطح با تغییرات پارادایمی که نظام معناسازی تهاجم و شکست و دفاع و بازدارندگی را تغییر می‌دهد مواجه هستیم. در این نگاه می‌توان تجربه چین و آمریکا را مورد رصد قرار داد. در تدوین دکترین زیرساختی قرآنی مبتنی بر ارزش‌های الهی پایه معرفتی سطح و کیفیت دفاع و تهاجم را تشکیل می‌دهد.

۳) در سطح سوم کاربردهای فناوری‌ها در حوزه جنگ شناختی و تاکتیک‌ها و تکنیک‌های جنگ روانی، جنگ سایبری، جنگ‌های بیولوژیکی و جنگ‌های ترکیبی شناختی مورد توجه قرار می‌گیرد. در این سطح بر روش‌ها و تاکتیک‌های جنگ شناختی علیه جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۵۷ یعنی سال پیروز انقلاب مروری اجمالی صورت خواهد گرفت.

٤) در سطح چهارم، راهبردها و دکترین جمهوری اسلامی ایران در جنگ شناختی دفاعی و تهاجمی با توجه به ظرفیت‌ها و ملاحظات ارزشی مبتنی بر اندیشه الهی مورد توجه قرار گیرد.



تصویر ۲. چهار سطح راهبردی در جنگ شناختی

۲/۱) سطح اول: شناخت معماری فناوری‌های هوش مصنوعی و فناوری‌های کوانتومی

معماری هوش مصنوعی و فناوری‌های کوانتومی تکیه بر خصوصیاتی دارد که بهره‌وری و کارآمدی آن و قابلیت‌های ناشناخته آنرا برجسته و متمایز می‌کند. اساساً فناوری‌های

دیجیتال را می‌توان بر اساس مجموعه‌ای از ویژگی‌های ساختاری و کارکردی تحلیل کرد که آنها را از بسیاری از فناوری‌های سنتی متمایز می‌سازد.

نخست، ماهیت رقومی این فناوری‌ها امکان تبدیل، ذخیره‌سازی، پردازش و انتقال حجم گسترده‌ای از داده‌ها را فراهم می‌کند؛ دوم، ساختار ماژولار و شبکه‌ای آنها زمینه اتصال اجزای مستقل و بازآرایی سامانه‌ها را متناسب با نیازهای گوناگون فراهم می‌آورد؛ سوم، قابلیت الگوریتمی و مهندسی‌پذیری امکان طراحی، آزمون و بهینه‌سازی فرایندهای محاسباتی را افزایش می‌دهد؛ و چهارم، ماهیت سیستمی و یکپارچه‌پذیر این فناوری‌ها امکان تعامل میان داده‌ها، نرم‌افزارها، زیرساخت‌های پردازشی و فرایندهای تصمیم‌گیری را گسترش می‌دهد.

افزون بر این، مدل‌های زبانی بزرگ با برخورداری از معماری‌های چندلایه و تعداد بسیار زیاد پارامترها، قابلیت‌هایی نظیر تولید و تحلیل متن، پاسخ‌گویی به پرسش‌ها، کمک به برنامه‌نویسی و پشتیبانی از برخی وظایف مدیریتی را عرضه می‌کنند. کاربرد این مدل‌ها می‌تواند از خدمات گفت‌وگومحور فراتر رود و با رعایت محدودیت‌های فنی و ملاحظات امنیتی، در تحلیل داده‌های صنعتی، مدیریت شهری، حکمرانی الکترونیک و پژوهش درباره محیط‌های اطلاعاتی و جنگ شناختی بررسی شود. سرانجام، ظرفیت لایه‌پذیری این معماری‌ها امکان تفکیک نسبی لایه‌های داده، مدل، نرم‌افزار و کاربرد را فراهم می‌کند که ضمن برخورداری از کارکردهای متمایز، از طریق رابط‌ها و سازوکارهای ارتباطی با یکدیگر تعامل دارند.

۲٫۲) سطح دوم: انتقال به دکترین جنگ کم‌هزینه، کم‌ریسک و نتیجه‌بخش با تکیه بر تجربه آمریکا و چین

اگر چه جنگ شناختی می‌تواند قبل، در حین و بعد از جنگ فیزیکی صورت بگیرد ولی امروز یک ارزش مستقل پیدا کرده است. در واقع جنگ شناختی بعنوان «جنگ جایگزین» مطرح است که می‌تواند هدف را که شکست دشمن است بدون جنگ سخت تأمین کند.

ایالات متحده ضمن اذعان به اهمیت جنگ شناختی، رویکردی ترکیبی از دفاع و حمله محدود را در پیش گرفته است (برنال و دیگران، ۲۰۲۰). این کشور سرمایه‌گذاری زیادی روی فناوری‌های نو و بطور خاص هوش مصنوعی و کوانتوم انجام داده است که هدف راهبردی آن پیشران بودن در این عرصه است (کوسال و پاتنی ، ۲۰۲۳). آمریکا سال‌هاست که از جنگ شناختی در قالب عملیات روانی و اطلاعاتی سنتی استفاده می‌کند و اقدام به ساماندهی گروه چهارم عملیات روانی ارتش آمریکا نموده است که مأموریت آن اثرگذاری بر مردم و افکار عمومی و حتی کارگزاران نظامی در سطوح مختلف است (کینگ ، ۲۰۱۱). با ظهور فضای مجازی و شکل‌گیری جنگ‌های سایبری هم در رسانه‌های اجتماعی و هم در ارتباطات ایمیلی و هم در سطح تبلیغات تجاری و هم با استفاده از حقه‌های عمیق تلاش بر فروریختن حریف می‌کند.

آمریکائی‌ها سرمایه‌گذاری‌های بزرگی روی هوش مصنوعی، شبکه‌های روایتی ، فناوری‌های پیشرفته کوانتومی و طراحی نرم‌افزارهای رصد و شناسائی چهره‌ها و دنبال کردن مسیر کار آنها کرده‌اند (مجتهدی و شپونار ، ۲۰۲۲). دکترین آمریکائی بهره‌گیری فراگیر از هوش مصنوعی در استفاده محاسباتی با دقت بالا در جنگ‌های شناختی است. در عین حال بر خودکارسازی و هوشمندی همه روندها اعم از شناسائی، طراحی و اقدام تأکید می‌کنند (پروباسکو و جانگ ، ۲۰۲۵).

در مقابل در دکترین چینی، هوش مصنوعی حکم سلاح اتمی دنیای شناختی را دارد که قدرت فهم، پیش‌بینی و هدایت رفتار و کنش انسانی را دارد. در این نگاه تعامل انسان و هوش، منجر به امتدادهای انسانی ـ ماشینی و ماشینی ـ انسانی

می‌شود. چین بر مبنای ظرفیت‌های واقعیت گسترده و واقعیت مجازی که تبدیل به واقعیت واقعی شده است معتقد است که مرز بین انسان و هوش مصنوعی و رباط‌های انسان‌نما بسیار کم‌رنگ می‌شود (هانگ و هانگ، ۲۰۲۲).

چینی‌ها در دو عرصه شناخت آشکار و شناخت پنهان در بهره‌گیری از هوش مصنوعی با شناخت استفاده می‌کنند. در شناخت آشکار، آنها در سه قلمرو از فناورهای شناختی استفاده می‌کنند: ۱) پایش شناختی که شامل دریافت داده‌های مرتبط با سیگنال‌های مغز و نشانگرهای فیزیولوژیک مرتبط با فعالیت‌های ذهنی می‌شود. در این رویکرد به‌دنبال تجمیع داده‌های مرتبط با شناخت دیگران می‌شود. در اینجا دسترسی به مشخصه فردی و شخصیتی جبهه دشمن در شرایط خاص مثل عملیات‌های فیزیکی می‌تواند ظرفیت تأثیر نظامی را تقویت کند. ۲) فناوری‌های اخلال شناختی که از تکنیک‌های متنوعی استفاده می‌کند تا کارکردهای مغز حریف را مختل کند. برای مثال سلاح‌های مایکروویو پرتوان قادرند از فاصله دور احساس گیجی، تهوع یا درد در افراد ایجاد کنند. آمریکایی‌ها بر این باورند که بیماری دیپلمات‌های آمریکایی در هاوانا، نتیجه به کارگیری توعی سلاح انرژی هدایت‌شوند بود که موجب بیماری دیپلمات‌های آمریکایی شد و مظنون درجه اول در این امر چینی‌ها هستند. چین روی فناوری‌های اثرگذار روی مغز از راه دور، پژوهش و آزمایش انجام داده‌اند (کوسال و پاتنی، ۲۰۲۳).

۲٫۳) سطح سوم: روش‌ها، تاکتیک و تکنیک‌های جنگ شناختی با تمرکز بر اقدامات علیه انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران با رویکرد ویرانگری و تخریب

تنوعی از تاکتیک‌های کنش‌گر و واکنش‌گر و ظرفیت‌های رصد و خوانش داده‌های پنهان و همچنین استفاده از امکانات ماهواره‌ای برای «پایش کوانتومی» و تأمین واکنش‌های خودکار به «پدیده‌های حساس‌شده» و امتداد بخشیدن به ابزارهای اتصالی اینترنت اشیاء و اینترنت همه پدیده‌ها، بستر مهندسی شناختی جدید امور را فراهم کرده است.

به‌طور خلاصه، جنگ شناختی آمریکا علیه ایران یک پازل پیچیده است که قطعات بسیاری دارد. هر رویداد یا اقدامی ـ از یک توییت تا یک فیلم هالیوودی، از یک تحریم تا یک پیام تبریک ـ بخشی از تصویر کلان تقابل نرم را تشکیل می‌دهد. آنها در سال ۱۳۵۷ و کمی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، رادیو صدای آمریکای فارسی را تأسیس کردند و در سال ۱۹۹٤ نیز تلویزیون صدای آمریکا شروع به کار کرد و در سال ۲۰۰۲ صدای آمریکا تبدیل به یک برنامه ۲٤ ساعته شد (اصغری‌راد، ۲۰۱۲) و با رشد اینترنت در سال ۱۹۹۸ و شکل‌گیری گوگل و ظهور رسانه‌های اجتماعی در سال ۲۰۰۲ فضای جنگ نرم و جنگ شناختی گستره بیشتری پیدا کرده است.

آمریکا از همان آغاز انقلاب اسلامی، جنگ روانی علیه انقلاب را آغاز کردند. تهدید نظام و عملیات نظامی طبس در ۱۹۸۰ و به‌دنبال آن، جنگ غیر مستقیم از طریق عراق را محقق کردند. شروع ورود فیلم و ویدئوها و موسیقی‌های غربی از یک طرف و از طرف دیگر شروع محدودیت‌ها و تحریم‌ها بخشی از این جنگ روانی بود.

دیپلماسی متفاوت اوباما در سال ۲۰۰۹ و لحن صلح‌طلبانه و تأسیس سفارتخانه مجازی همه پیوستاری از سیاست جذب و سیاست فشار همزمان است تا افکار عمومی را نسبت به عدم عقلانیت نظام تجهیز کند. شدت بخشیدن به تحریم‌ها در حد فلج‌کننده و شروع مذاکرات برجام ۲۰۱۲ و منتهی شدن آن به توافق برجام در ۲۰۱۵ از یک سو و حمایت مستقیم از جنبش سبز و کمک به ارتباطات توییتری از سال ۲۰۰۹ از سوی دیگر، منعکس کننده سیاست فشار و کشش با هدف ضعیف‌کردن انقلاب اسلامی بود. پاره‌کردن برجام توسط ترامپ در سال ۲۰۱۸ و خروج از برجام و

ترور دانشمندان هسته‌ای بخش دیگری از تکمیل سیاست‌های فشار و تهدید و ترور آمریکا بود. حمایت از اعتراضات زن، زندگی و آزادی در ۲۰۲۲ توسط بایدن، مقابله‌های فراگیری سایبری و بسترسازی‌های رسانه‌ای گسترده برای دو قطبی کردن جامعه ایران نیز در ادامه همین فرایند موضوعیت می‌یابد.

۲٫٤) سطح چهارم: راهبردها و دکترین جمهوری اسلامی ایران در جنگ شناختی دفاعی و تهاجمی

سئوال اساسی این است که جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر دکترین اسلامی، چه وجهی از جنگ شناختی را می‌تواند دنبال کند. در اینجا چند پرسش اساسی وجود دارد که پاسخ به آنها راهبرد جمهوری اسلامی ایران را در جنگ تهاجمی شناختی مشخص می‌کند.

۱) چه تکنیک‌ها و راهبردهایی را برای خنثی‌کردن جنگ شناختی دشمن نسبت به افکار عمومی مردم ایران و جریانات پیرامونی باید اتخاذ نمود؟

۲) آیا می‌توان عملیات تهاجمی نسبت به غیر نظامی‌ها داشت؟

۳) نسبت به نیروی نظامی مهاجم در قبل، حین و بعد از تهاجم چه راهبرد بازدارنده، دفاعی و تهاجمی می‌توان اتخاذ نمود؟

٤) آیا تفاوتی بین تهاجم شناختی سخت که منجر به آسیب مغزی و جسمی می‌شود با تهاجم نرم که منجر به تبیین و اقناع می‌شود وجود دارد؟

پاسخ به این چهار پرسش در واقع تبیین‌کننده راهبردهای کلان جمهوری اسلامی ایران در جنگ شناختی و جنگ‌های ترکیبی است که هدف آن هم خنثی کردن جنگ‌های شناختی در عرصه مردم و کارگزاران نظام است و هم در بعد تهاجمی هدف قرار دادن افکار عمومی منحرف شده جبهه پیرامون و جبهه اصلی دشمن است.

۳) مدل دوفضایی سنجش سواد جنگ شناختی: بعد، شاخص‌ها و مقیاس‌ها

برای سنجش علمی «سواد جنگ شناختی» پیشنهاد می‌کنم مدل بر سه اصل استوار باشد: استقلال شناختی فرد، توانایی تشخیص دست‌کاری اطلاعات و ادراک و فهم تأثیر متقابل جهان مجازی و جهان فیزیکی. در این مدل، ۵۰ شاخص در ۱۰ بُعد قرار می‌گیرند. وزن‌ها بر اساس اهمیت مفهومی و نقش هر بُعد در تشخیص و مقابله با دست‌کاری شناختی پیشنهاد شده‌اند؛ بنابراین در مرحله فعلی، وزن‌های کارشناسی اولیه و نه ضرایب حاصل از اعتبارسنجی آماری هستند.

۳٫۱) وزن‌دهی ابعاد ده‌گانه

نمودار فوق نشان می‌دهد که همه مؤلفه‌ها در محاسبه امتیاز نهایی سهم یکسانی ندارند. در این الگو، سواد شناختی و ادراکی با وزن ۱۵ درصد در جایگاه نخست قرار دارد؛ پس از آن سواد اطلاعاتی و راستی‌آزمایی با ۱۴ درصد دیده می‌شود. سواد دوفضایی و ترکیبی و سواد الگوریتمی و هوش مصنوعی هرکدام ۱۳ درصد وزن دارند. این چهار بُعد در مجموع ۵۵ درصد امتیاز را تشکیل می‌دهند؛ بنابراین، بیش از نیمی از سنجش به توانایی فرد در فهم فرایندهای ادراک، ارزیابی اطلاعات، شناخت پیوند فضای مجازی و جهان فیزیکی و درک نقش سامانه‌های الگوریتمی اختصاص یافته است.

در سطح بعد، سواد روایت‌شناختی و گفتمانی ۱۰ درصد وزن دارد و سواد اجتماعی و سرمایه اجتماعی و نیز سواد عاطفی و روان‌شناختی هرکدام ۹ درصد را به خود اختصاص می‌دهند. این توزیع بر اهمیت روایت‌ها، روابط اجتماعی و واکنش‌های هیجانی در مواجهه با پیام‌های اثرگذار تأکید می‌کند. تاب‌آوری اجتماعی و کنشگری شناختی با ۷ درصد و سواد سیاسی و ژئوپلیتیکی با ۶ درصد، ابعاد دیگری از چارچوب‌اند که به توانایی

کنش سنجیده و فهم زمینه‌های کلان مربوط می‌شوند. کمترین وزن، یعنی ۴ درصد، به سواد اخلاقی و حقوقی اختصاص دارد؛ بااین‌حال، وزن کمتر لزوماً به معنای کم‌اهمیت بودن اخلاق و حقوق نیست، بلکه فقط جایگاه آن را در این مدل عددی نشان می‌دهد.



تصویر ۳. سهم هر بُعد از امتیاز کل سواد جنگ شناختی

مجموع وزن‌ها دقیقاً ۱۰۰ درصد است و ازاین‌رو می‌توان امتیازهای ابعاد را در یک شاخص کلی ترکیب کرد. بااین‌حال، نمودار باید به‌عنوان طرحی پیشنهادی و نه معیار قطعی و نهایی خوانده شود. وزن‌ها نیازمند تأیید خبرگان و اعتبارسنجی تجربی‌اند. برای کاربرد معتبر، باید تعریف عملیاتی هر بُعد، روش امتیازدهی، کیفیت پرسش‌ها و تناسب شاخص‌ها با گروه‌های مختلف بررسی شود. همچنین لازم است روشن باشد که امتیاز کل چگونه از امتیازهای جزئی به دست می‌آید و آیا وزن‌ها در موقعیت‌های متفاوت ثابت می‌مانند یا خیر. ارزش اصلی نمودار در فراهم‌کردن نقطه شروعی شفاف برای گفت‌وگو، آزمون و اصلاح یک ابزار سنجش چندبعدی است.



تصویر ٤. مدل دوفضایی سواد جنگ شناختی ده‌بُعدی و پنجاه‌شاخصی

در مرکز نمودار، مفهوم سواد جنگ شناختی قرار دارد و ده بخش پیرامونی، جنبه‌های متفاوت توانایی تشخیص، تحلیل و مواجهه با اثرگذاری شناختی را بازنمایی

می‌کنند. طراحی دایره‌ای بر ارتباط میان ابعاد تأکید دارد: هیچ بُعدی به‌تنهایی تمام ظرفیت لازم را توضیح نمی‌دهد و ارزیابی جامع باید رابطه میان شناخت، اطلاعات، فناوری، هیجان، روایت، جامعه، سیاست و اخلاق را در نظر بگیرد.

همچنین، در مرکز این نمودار، مفهوم سواد جنگ شناختی قرار دارد و ده بخش پیرامونی، جنبه‌های متفاوت توانایی تشخیص، تحلیل و مواجهه با اثرگذاری شناختی را بازنمایی می‌کنند. طراحی دایره‌ای بر ارتباط میان ابعاد تأکید دارد. هیچ بُعدی به‌تنهایی تمام ظرفیت لازم را توضیح نمی‌دهد و ارزیابی جامع باید رابطه میان شناخت، اطلاعات، فناوری، هیجان، روایت، جامعه، سیاست و اخلاق را در نظر بگیرد.

تصویر، جهان مجازی و جهان فیزیکی را در دو سوی یک منظره مشترک قرار می‌دهد. در بخش مجازی، شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌ها، داده‌ها و سامانه‌های هوشمند برجسته شده‌اند؛ در سوی فیزیکی، رویدادها، جامعه و کنش‌های جمعی دیده می‌شوند. این تقابل تصویری یادآوری می‌کند که پیام‌های دیجیتال صرفاً در محیط برخط باقی نمی‌مانند. برداشت‌ها و روایت‌های منتشرشده می‌توانند با تجربه‌های روزمره و رفتارهای اجتماعی پیوند بخورند، درحالی‌که رویدادهای واقعی نیز بر گفت‌وگوهای برخط اثر می‌گذارند. از این منظر، بُعد دوفضایی به توانایی دنبال‌کردن رفت‌وبرگشت میان این دو محیط اشاره دارد.

چهار بُعد شناختی، اطلاعاتی، الگوریتمی و دوفضایی در مجموع ۵۵ درصد وزن دارند؛ زیرا مستقیماً توانایی تشخیص سازوکارهای جنگ شناختی را می‌سنجند.

۲٫۳) پنجاه شاخص عملیاتی و وزن هر شاخص

در جدول‌های زیر، وزن هر شاخص بر حسب امتیاز از ۱۰۰ تعیین شده است. برای هر شاخص، یک روش سنجش نیز پیشنهاد می‌شود.

بُعد اول: سواد شناختی و ادراکی ـ ۱۵ امتیاز

اهمیت این بُعد از آنجا ناشی می‌شود که مواجهه با اطلاعات، پیش از آنکه به داوری و تصمیم‌گیری منجر شود، از فرایندهای ذهنی و سازوکارهای تفسیر فرد عبور می‌کند. بنابراین، ارزیابی سواد جنگ شناختی بدون توجه به چگونگی شکل‌گیری باورها و بازنگری در قضاوت‌ها ناقص خواهد بود. این بُعد، بنیان شناختی مدل را تشکیل می‌دهد و امکان بررسی این موضوع را فراهم می‌سازد که فرد تا چه اندازه می‌تواند بین برداشت اولیه و داوری مستند تمایز بگذارد و در مواجهه با شواهد جدید، استقلال فکری خود را حفظ کند.

ردیف	شاخص اندازه‌گیری	وزن (%)
۱	تشخیص سوگیری تأییدی در پذیرش اطلاعات	٪۳
۲	تفکیک واقعیت، تفسیر، قضاوت و تبلیغات	٪۳
۳	تشخیص القای پیروزی دشمن و شکست ملی	٪۳
٤	تشخیص دستکاری ادراک از طریق تکرار و برجسته‌سازی	٪۳
٥	توانایی اصلاح قضاوت پس از دریافت شواهد معتبر	٪۳

شاخص سوم باید توانایی ارزیابی مستند ادعاهای پیروزی و شکست و نه پذیرش پیشینی روایت مطلوب یک طرف را بسنجد.

بُعد دوم: سواد اطلاعاتی و راستی‌آزمایی ـ ۱۴ امتیاز

این بُعد به دلیل وابستگی داوری شناختی به کیفیت محیط اطلاعاتی اهمیت دارد. در شرایطی که اطلاعات با سرعت بالا و از مجاری متعدد منتشر می‌شود، دسترسی به

محتوا لزوماً به معنای برخورداری از شناخت معتبر نیست. ازاین‌رو، مدل باید ظرفیت فرد را برای ارزیابی پشتوانه اطلاعاتی قضاوت‌های خود بررسی کند. این بُعد، پیوند میان فهم ذهنی و شواهد بیرونی را برقرار می‌سازد و کمک می‌کند مشخص شود آیا داوری فرد بر پایه اطلاعات قابل اتکا شکل گرفته است یا از محدودیت‌های محیط انتشار اطلاعات تأثیر پذیرفته است.

ردیف	شاخص اندازه‌گیری	وزن (%)
٦	تشخیص اعتبار و استقلال منابع خبری	٪۲٫۸
۷	توانایی راستی‌آزمایی تصاویر و ویدئوها	٪۲٫۸
۸	تشخیص اخبار جعلی و اطلاعات گمراه‌کننده	٪۲٫۸
۹	توانایی مقایسه چند منبع مستقل	٪۲٫۸
۱۰	تشخیص آمار گزینشی و داده‌های خارج از زمینه	٪۲٫۸

بُعد سوم: سواد الگوریتمی و هوش مصنوعی ـ ۱۳ امتیاز

ضرورت این بُعد از نقش فزاینده سامانه‌های محاسباتی در سازمان‌دهی محیط اطلاعاتی ناشی می‌شود. تجربه دیجیتال افراد صرفاً حاصل انتخاب مستقیم آنان نیست، بلکه می‌تواند از طراحی سکوها، سازوکارهای خودکار و الگوهای پردازش داده نیز تأثیر بپذیرد. در نتیجه، سنجش سواد جنگ شناختی باید فراتر از فهم محتوای پیام، به درک سازوکارهای فناورانه شکل‌دهنده مواجهه با اطلاعات توجه کند. این بُعد مشخص می‌سازد که فرد تا چه اندازه می‌تواند نقش میانجی فناوری را در شکل‌گیری تجربه اطلاعاتی خود درک کند، بی‌آنکه هر اثر الگوریتمی را الزاماً مصداق دست‌کاری عمدی بداند.

ردیف	شاخص اندازه‌گیری	وزن (%)
۱۱	شناخت عملکرد الگوریتم‌های توصیه‌گر	٪۲٫٦
۱۲	تشخیص حباب فیلتر و اتاق پژواک	٪۲٫٦
۱۳	تشخیص ربات‌ها و فعالیت هماهنگ غیرواقعی	٪۲٫٦
١٤	تشخیص محتوای تولیدشده یا دست‌کاری‌شده با هوش مصنوعی	٪۲٫٦
۱۵	شناخت شخصی‌سازی تبلیغات و تأثیرگذاری رفتاری	٪۲٫٦

بُعد چهارم: سواد عاطفی و روان‌شناختی ـ ۹ امتیاز

شناخت و داوری انسان از واکنش‌های عاطفی او جدا نیست و وضعیت هیجانی می‌تواند بر توجه، ارزیابی شواهد و تصمیم‌گیری اثر بگذارد. ازاین‌رو، بررسی این بُعد برای فهم تفاوت میان دریافت اطلاعات و واکنش به آن ضروری است. در مدل پیشنهادی، این حوزه نشان می‌دهد که ارزیابی سواد شناختی نباید صرفاً بر توانایی‌های تحلیلی و استدلالی متمرکز باشد، بلکه باید نقش تنظیم هیجان و خودآگاهی روان‌شناختی را نیز در نظر بگیرد. چنین رویکردی امکان بررسی آمادگی فرد برای مواجهه سنجیده با پیام‌های تنش‌زا را فراهم می‌کند، بدون آنکه هیجان را به‌خودی‌خود نشانه ضعف شناختی تلقی کند.

ردیف	شاخص اندازه‌گیری	وزن (%)
١٦	تشخیص تحریک هدفمند ترس و اضطراب	٪۱٫۸
۱۷	تشخیص تحریک خشم و نفرت جمعی	٪۱٫۸
۱۸	تشخیص القای ناامیدی و درماندگی	٪۱٫۸
۱۹	توانایی کنترل واکنش هیجانی پیش از بازنشر	٪۱٫۸
۲۰	شناخت سرایت هیجانی در شبکه‌های اجتماعی	٪۱٫۸

بُعد پنجم: سواد روایت‌شناختی و گفتمانی ـ ۱۰ امتیاز

رویدادهـای اجتماعـی و سیاسـی معمـولاً مسـتقل از چارچوب‌هـای تفسـیری درک نمی‌شـوند؛ روایت‌هـا بـه افـراد کمـک می‌کننـد بیـن رخدادهـا ارتبـاط برقـرار کننـد، بـه آنهـا معنـا بدهنـد و دربـاره اهمیتشـان داوری کننـد. همیـن ویژگـی، تحلیـل روایـت را بـه یکـی از اجـزای ضـروری مـدل سـواد جنـگ شـناختی تبدیـل می‌کنـد. اهمیـت ایـن بُعـد در توجـه بـه چگونگـی سـازمان‌یافتن معنـا و شـکل‌گیری برداشـت‌های جمعـی اسـت، نـه در فـرض اینکـه هـر روایـت منسـجم یـا تکرارشـونده الزامـاً فریبکارانـه اسـت. گنجانـدن ایـن حـوزه کمـک می‌کنـد توانایـی افـراد در بررسـی زمینه‌هـای تفسـیری پیام‌هـا ارزیابـی شـود و امـکان تمایـز میـان روایـت مسـتند، تفسـیر قابـل دفـاع و بازنمایـی گمراه‌کننـده فراهـم آیـد. در واقـع، ایـن بعـد بیـش از سـایر ابعـاد بـه زمینه‌هـا یـا دلالت‌هـای پنهـان درون متـن رسـانه‌ای توجـه نشـان می‌دهـد و لـذا رمزگشـایی از آن نیـز قابلیـت تحلیلـی و انتقـادی منحصـر بـه فـردی را طلـب می‌کنـد.

ردیف	شاخص اندازه‌گیری	وزن (%)
۲۱	تشخیص چارچوب‌بندی و جهت‌دهی روایت	٪۲
۲۲	تشخیص روایت‌سازی دروغین از رخدادهای واقعی	٪۲
۲۳	تشخیص حذف گزینشی زمینه و اطلاعات	٪۲
۲٤	شناخت برچسب‌زنی، کلیشه‌سازی و دشمن‌سازی	٪۲
۲۵	تشخیص هماهنگی و تکرار سازمان‌یافته روایت‌ها	٪۲

بُعد ششم: سواد دوفضایی و ترکیبی ـ ۱۳ امتیاز

ایـن بُعـد محـور متمایزکننـده مـدل پیشـنهادی اسـت؛ زیـرا تجربـه معاصـر انسـان در مـرز ثابتـی میـان محیـط دیجیتـال و جهـان فیزیکـی باقـی نمی‌مانـد. اطلاعـات منتشرشـده در فضـای مجـازی می‌توانـد بـر روابـط اجتماعـی، اعتمـاد عمومـی و کنش‌هـای بیرونـی اثـر بگـذارد و رویدادهـای واقعـی نیـز ممکـن اسـت از طریـق بازنمایـی دیجیتـال معنایـی متفـاوت پیـدا کننـد. بنابرایـن، بررسـی هـر یـک از ایـن فضاهـا به‌صـورت مسـتقل، بـرای فهـم کامـل فراینـدهای شـناختی کافـی نیسـت. ایـن بُعـد امـکان تحلیـل ارتبـاط متقابـل دو محیـط را فراهـم می‌سـازد و بـه سـنجش توانایـی فـرد در درک پیامدهـای اجتماعـی و رفتاری ایـن تعامـل کمـک می‌کنـد، بـدون آنکـه رابطـه میـان فضـای مجـازی و فیزیکـی را یک‌سـویه یـا اجتناب‌ناپذیـر فـرض کنـد.

ردیف	شاخص اندازه‌گیری	وزن (%)
۲٦	شناخت تأثیر الگوریتم‌های مجازی بر ادراک و رفتار فیزیکی	٪۲٫٦
۲۷	شناخت تبدیل رویداد فیزیکی به بازنمایی دیجیتال	٪۲٫٦
۲۸	تشخیص بهره‌برداری از رخدادهای واقعی برای روایت‌سازی گمراه‌کننده	٪۲٫٦
۲۹	تشخیص چرخه بازخورد جهان مجازی و فیزیکی	٪۲٫٦
۳۰	ارزیابی پیامدهای رفتار دیجیتال بر اعتماد و کنش اجتماعی	٪۲٫٦

بُعد هفتم: سواد سیاسی و ژئوپلیتیکی ـ ۶ امتیاز

تفسـیر جریان‌هـای اطلاعاتـی در منازعـات سیاسـی و بین‌المللـی مسـتلزم توجـه بـه زمینـه‌ای اسـت کـه در آن اطلاعـات تولیـد و منتشـر می‌شـوند. منافـع بازیگـران، روابـط قـدرت و رقابت‌هـای منطقـه‌ای و جهانـی می‌تواننـد بـر انتخـاب موضوعـات، نحـوه بازنمایـی رویدادهـا و برداشـت مخاطبـان اثـر بگذارنـد. ازایـن‌رو، ایـن بُعـد بـرای پیونـد دادن تحلیـل شـناختی بـا شـرایط واقعـی منازعـه اهمیـت دارد. حضـور آن در مـدل کمـک می‌کنـد توانایـی افـراد در فهـم زمینـه سیاسـی ادعاهـا بررسـی شـود، بی‌آنکـه اعتبـار یـک پیـام صرفـاً بـر اسـاس هویـت گوینـده یـا وابسـتگی سیاسـی او تعییـن شـود. بدین‌ترتیب،

تحلیل زمینه‌ای در کنار ارزیابی مستقل شواهد قرار می‌گیرد. این سواد، فراتر از دانش فنی یا تحلیلی نسبت به متن رسانه، به دانش زمینه‌ای و نوعی از آگاهی عمومی وابسته است.

ردیف	شاخص اندازه‌گیری	وزن (%)
۳۱	شناخت منافع و اهداف بازیگران منازعه	٪۱/۲
۳۲	ارزیابی مستقل ادعاهای پیروزی و شکست نظامی و سیاسی	٪۱/۲
۳۳	تشخیص عملیات نفوذ اطلاعاتی و تبلیغاتی	٪۱/۲
۳٤	تفکیک نقد سیاسی مستند از ادعای فریبنده	٪۱/۲
۳۵	شناخت نقش رقابت‌های ژئوپلیتیکی در جریان اطلاعات	٪۱/۲

بُعد هشتم: سواد اجتماعی و سرمایه اجتماعی ـ ۹ امتیاز

جنگ شناختی، در صورت اثرگذاری بر روابط جمعی، می‌تواند فراتر از باورهای فردی رفته و بر اعتماد، همکاری و کیفیت تعاملات اجتماعی تأثیر بگذارد. به همین دلیل، سنجش سواد شناختی نیازمند توجه به ظرفیت‌های اجتماعی افراد و شیوه مواجهه آنان با اختلاف نظر است. این بُعد، سطح فردی تحلیل را به سطح روابط میان افراد و گروه‌ها پیوند می‌دهد و امکان بررسی نقش گفت‌وگو، اعتماد متقابل و مسئولیت اجتماعی را فراهم می‌کند. اهمیت آن در این است که جامعه مقاوم در برابر اطلاعات گمراه‌کننده، صرفاً مجموعه‌ای از افراد آگاه نیست؛ بلکه به روابطی نیاز دارد که امکان بررسی انتقادی اختلاف‌ها را بدون تشدید بی‌دلیل تعارض فراهم سازند. این بعد، کیفیتی کلان دارد و شبیه به یک چتر، حوزه‌های متعدد اجتماعی و از جمله سواد جنگ شناختی را پوشش می‌دهد.

ردیف	شاخص اندازه‌گیری	وزن (%)
۳٦	تشخیص تلاش برای ایجاد دوقطبی اجتماعی	٪۱/۸
۳۷	تشخیص تخریب اعتماد اجتماعی با اطلاعات گمراه‌کننده	٪۱/۸
۳۸	توانایی گفت‌وگوی مستدل با دیدگاه مخالف	٪۱/۸
۳۹	تشخیص شایعات تحریک‌کننده تعارض اجتماعی	٪۱/۸
٤۰	توانایی تفکیک اعتراض مشروع از تحریک فریبنده به خشونت	٪۱/۸

بُعد نهم: سواد اخلاقی و حقوقی ـ ۴ امتیاز

ارزیابی سواد جنگ شناختی نباید به تشخیص فنی اطلاعات محدود شود؛ زیرا نحوه استفاده از دانش و انتشار محتوا نیز پیامدهای اخلاقی و حقوقی دارد. حتی فردی که از توانایی بالای تحلیل اطلاعات برخوردار است، ممکن است در صورت نادیده گرفتن حقوق دیگران یا مسئولیت‌های ارتباطی، به گسترش آسیب‌های اطلاعاتی کمک کند. این بُعد، چارچوب هنجاری مدل را تشکیل می‌دهد و میان توانایی شناختی و استفاده مسئولانه از آن ارتباط برقرار می‌کند. در نتیجه، سنجش این حوزه کمک می‌کند مشخص شود تصمیم‌گیری اطلاعاتی تا چه اندازه با ملاحظات مربوط به کرامت انسانی، حقوق فردی و مسئولیت در برابر پیامدهای انتشار اطلاعات سازگار است.

ردیف	شاخص اندازه‌گیری	وزن (%)
٤۱	رعایت اصل صداقت و امانت اطلاعاتی	٪۰/۸
٤۲	رعایت کرامت انسانی در مواجهه با مخالفان	٪۰/۸
٤۳	شناخت مرز آزادی بیان و تحریک به خشونت	٪۰/۸
٤٤	شناخت حقوق حریم خصوصی و داده‌های شخصی	٪۰/۸
٤۵	مسئولیت‌پذیری در اصلاح و بازنشر اطلاعات	٪۰/۸

بعد دهم: تاب‌آوری اجتماعی و کنشگری شناختی ـ ۷ امتیاز

تـاب‌آوری بـه توانایـی حفـظ کیفیـت داوری و سـازگاری مسـئولانه در شـرایط فشـار، ابهـام و تغییـر اطلاعـات مربـوط می‌شـود. اهمیـت ایـن بُعـد در آن اسـت کـه دانـش و مهارت‌هـای شـناختی، زمانـی ارزش عملـی پیـدا می‌کننـد کـه فـرد بتوانـد آنهـا را در موقعیت‌هـای واقعـی و نامطمئـن بـه کار گیـرد. از ایـن منظـر، مـدل بایـد عـلاوه بـر سـنجش ظرفیت‌هـای تحلیلی، توانایـی تبدیـل آن ظرفیت‌هـا بـه تصمیـم و رفتـار سـنجیده را نیـز بررسـی کنـد. ایـن بُعـد، جنبـه کاربـردی مـدل را تکمیـل می‌کنـد و نشـان می‌دهـد کـه مواجهـه مؤثـر بـا محیط‌هـای اطلاعاتـی پیچیـده مسـتلزم انعطاف‌پذیـری فکـری، تحمـل ابهـام و آمادگـی بـرای بازنگـری در تصمیم‌هـا و نـه صرفـاً پافشـاری بـر باورهـای پیشـین اسـت.

ردیف	شاخص اندازه‌گیری	وزن (%)
٤٦	توانایی مقاومت در برابر فشار اجتماعی برای پذیرش روایت	٪۱٫٤
٤٧	توانایی تصمیم‌گیری در شرایط ابهام اطلاعاتی	٪۱٫٤
٤٨	توانایی مدیریت مواجهه با حجم بالای اطلاعات متعارض	٪۱٫٤
٤٩	توانایی اصلاح باور و رفتار پس از راستی‌آزمایی	٪۱٫٤
٥٠	مشارکت مسئولانه در اصلاح اطلاعات نادرست	٪۱٫٤

۳٫۳) نظام امتیازدهی و محاسبه شاخص کل

بـرای هـر شـاخص، نمـره خـام صفـر تـا چهـار پیشـنهاد می‌شـود. نظـام امتیازدهـی پیشـنهادی بـرای آن طراحـی شـده اسـت کـه ارزیابـی سـواد جنـگ شـناختی از توصیف‌هـای کلـی و قضاوت‌هـای سـلیقه‌ای فاصلـه بگیـرد و بـه فراینـدی قابـل مقایسـه و تکرارپذیـر نزدیـک شـود. اهمیـت ایـن بخـش در ایجـاد چارچوبـی مشـترک بـرای تفسـیر عملکـرد افـراد در ابعـاد مختلـف مـدل اسـت؛ به‌گونـه‌ای کـه تفـاوت میـان آشـنایی ابتدایـی بـا یـک موضـوع و توانایـی تحلیـل مسـتقل آن قابـل بررسـی باشـد.

ردیف	معیار	سطح عملکرد
۱	پاسخ نادرست یا ناتوانی در انجام تکلیف	فاقد توانایی
۲	تشخیص محدود با خطاهای اساسی	ضعیف
۳	تشخیص بخشی از مسئله با استدلال ناقص	متوسط
٤	تشخیص عمدتاً صحیح با شواهد معتبر	خوب
٥	تشخیص دقیق، استدلال مستقل و ارزیابی شواهد متعارض	عالی

اسـتفاده از سـطوح عملکـردی می‌توانـد بـه شناسـایی نقـاط قـوت و نیازهـای آموزشـی کمـک کنـد، مشـروط بـر آنکـه معیارهـای هـر سـطح به‌صـورت روشـن تعریـف و در موقعیت‌هـای مشـابه به‌طـور یکسـان اجـرا شـوند. همچنیـن، اعتبـار شـاخص کل بـه نحـوه تجمیـع امتیازهـا، توجیـه وزن‌هـای اختصاص‌یافتـه و آزمـون پایایـی و روایـی ابـزار وابسـته اسـت؛ بنابرایـن، وزن‌هـای پیشـنهادی بایـد تـا زمـان ارزیابـی تجربـی، مقادیـر اولیـه مـدل تلقـی شـوند. بـرای تفسـیر اولیـه امتیازهـا می‌تـوان پنـج سـطح زیـر را در نظـر گرفـت:

امتیاز	سطح سواد جنگ شناختی
۰ تا کمتر از ۲۰	بسیار ضعیف
۲۰ تا کمتر از ۴۰	ضعیف
۴۰ تا کمتر از ۶۰	متوسط
۶۰ تا کمتر از ۸۰	خوب
۸۰ تا ۱۰۰	پیشرفته

تصویر ۵. سطوح و امتیازات سواد جنگ شناختی

٤/۳) روش تثبیت وزن‌ها

برای تبدیل این الگو به یک ابزار پژوهشی معتبر، پیشنهاد می‌کنم چهار مرحله زیر اجرا شود:

۱) دلفی خبرگان: شامل مشارکت متخصصان علوم شناختی، ارتباطات، علوم اجتماعی، هوش مصنوعی، روان‌شناسی اجتماعی، حقوق و مطالعات امنیتی برای اصلاح شاخص‌ها.

۲) وزن‌دهی با روش فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی یا بهترین ـ بدترین : تعیین اهمیت نسبی ابعاد و مقایسه وزن‌های تجربی با وزن‌های اولیه.

۳) آزمون مقدماتی: اجرای پرسش‌نامه و آزمون‌های عملکردی بر نمونه‌ای حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر، با توجه به ساختار ابزار و نیازهای تحلیل.

٤) اعتبارسنجی نهایی: بررسی روایی محتوا، ساختار عاملی، پایایی، اعتبار ملاکی و عملکرد شاخص‌ها در گروه‌های جمعیتی مختلف.

بهتر است آزمون عملکردی، به‌ویژه در شاخص‌های ۳، ۱۳، ۲۲، ۲۷، ۲۸، ۳۲ و ۴۰، سهم بیشتری از پرسش‌نامه خوداظهاری داشته باشد؛ زیرا افراد ممکن است توانایی خود در تشخیص دستکاری شناختی را بیش از واقع برآورد کنند.

٤) پرسشنامه‌های اندازه‌گیری سواد جنگ شناختی و میزان تاب‌آوری اجتماعی

ضمن تدوین پرسشنامه سواد جنگ شناختی، دو پرسشنامه دیگر برای اندازه‌گیری توانائی شناختی و ارزیابی شاخص سواد جنگ شناختی ناظر بر توانایی افراد در شناسایی، تحلیل و مقابله با دستکاری شناختی تنظیم شده است.

همچنین شاخص تاب‌آوری اجتماعی در برابر جنگ شناختی ظرفیت جمعی جامعه برای حفظ اعتماد مستدل، گفت‌وگو، انسجام اجتماعی و کنشگری مسئولانه در شرایط فشار اطلاعاتی نیز که نمره تاب‌آوری افراد و جامعه را مشخص می‌کند (کولینز ، ۲۰۲۵) تنظیم شده است.

این تفکیک اهمیت زیادی دارد؛ زیرا سطح بالای سواد شناختی افراد لزوماً به معنای بالا بودن اعتماد و سرمایه اجتماعی نیست. همچنین کاهش اعتماد به یک نهاد، به‌خودی‌خود نشانه موفقیت جنگ شناختی محسوب نمی‌شود. اعتماد باید متناسب با شواهد و عملکرد واقعی نهادها ارزیابی شود.

مزیت نظری اصلی مدل حاضر در این است که پیوند دادن سواد شناختی با فرایندهای دوفضایی؛ یعنی سنجش هم‌زمان توانایی شناخت تأثیر جهان مجازی بر جهان فیزیکی و تأثیر رویدادهای جهان فیزیکی بر تولید و بازتولید روایت‌های دیجیتال را در نظر می‌گیرد. این ساختار می‌تواند مبنای طراحی «پیمایش ملی سواد جنگ شناختی» و مقایسه نتایج بر حسب شاخص‌های جمعیتی مرتبط مثل سن، تحصیلات، جنسیت، شغل و میزان استفاده از رسانه‌های اجتماعی و گروه‌های مختلف جمعیتی قرار گیرد.

البته نتایج حاصل از این دو پرسشنامه نباید به‌عنوان تصویری قطعی از رفتار همه مردم در نظر گرفته شود. پاسخ‌های افراد ممکن است تحت تأثیر تجربه‌های شخصی، شرایط اجتماعی و برداشت آنها از پرسش‌ها قرار گیرد. ازاین‌رو، استفاده از نتایج در برنامه‌ریزی‌های عمومی باید با احتیاط انجام شود و در صورت امکان، اطلاعات به‌دست‌آمده با روش‌های دیگر بررسی نیز همراه گردد. به این ترتیب، می‌توان از نتایج برای شناخت بهتر شرایط موجود استفاده کرد، بدون آنکه تفاوت‌های میان افراد و گروه‌های اجتماعی نادیده گرفته شود.

۵) سنجه‌های اندازه‌گیری میزان اثرگذاری جنگ شناختی و تاب‌آوری ادراکی جامعه در مقابل جنگ شناختی

سنجش اثرگذاری جنگ شناختی مستلزم تفکیک بین سواد جنگ شناختی، تاب‌آوری اجتماعی در برابر عملیات شناختی و تغییراتی است که در نتیجه مواجهه با این عملیات در شناخت، ادراک، نگرش و رفتار افراد و گروه‌های اجتماعی پدید می‌آید. این سه مفهوم با یکدیگر ارتباط دارند، اما معادل یکدیگر نیستند و نباید با یک شاخص واحد سنجیده شوند. سواد جنگ شناختی به توانایی افراد در شناسایی، تحلیل و ارزیابی انتقادی سازوکارهای دستکاری اشاره دارد. تاب‌آوری اجتماعی بیانگر ظرفیت جامعه برای حفظ انسجام، مدیریت اختلاف‌ها، مقاومت در برابر تحریک و بازسازی اعتماد و همکاری در شرایط فشار است و اثرگذاری جنگ شناختی به میزان تغییراتی مربوط می‌شود که مواجهه با عملیات علیه باورها، ارزیابی‌ها، ادراک‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای فردی و جمعی ایجاد می‌کند. بنابراین، ارزیابی جنگ شناختی باید این سه سطح را از یکدیگر متمایز کند و در عین حال، روابط بین آنها را در نظر بگیرد.

برای سنجش سواد جنگ شناختی، می‌توان از پرسشنامه ۵۰ گویه‌ای سواد جنگ شناختی استفاده کرد که پیش از این معرفی شد. این ابزار ده بُعد شناختی و ادراکی، اطلاعاتی و راستی‌آزمایی، الگوریتمی و هوش مصنوعی، عاطفی و روان‌شناختی، روایی و گفتمانی، فضای دوگانه و ترکیبی، سیاسی و ژئوپلیتیکی، اجتماعی و سرمایه اجتماعی، اخلاقی و حقوقی و تاب‌آوری اجتماعی و عاملیت را پوشش می‌دهد. در محاسبه امتیاز هر بُعد، ابتدا میانگین پاسخ‌های مربوط به گویه‌های آن بُعد تعیین می‌شود و سپس امتیاز حاصل، با توجه به مقیاس پنج‌درجه‌ای پاسخگویی، به مقیاسی از صفر تا صد تبدیل می‌شود. در ادامه، امتیاز استانداردشده هر بُعد بر اساس وزن پیشنهادی آن در امتیاز کلی سواد جنگ شناختی مشارکت می‌کند. این وزن‌ها اهمیت نسبی ابعاد مختلف را بازتاب می‌دهند.

از سوی دیگر، برای سنجش تاب‌آوری اجتماعی در برابر جنگ شناختی، می‌توان از پرسشنامه ۳۰ گویه‌ای تاب‌آوری اجتماعی در برابر جنگ شناختی بهره گرفت. این پرسشنامه شش بُعد اعتماد اجتماعی و نهادی مبتنی بر شواهد، انسجام اجتماعی و مدیریت تعارض، مقاومت در برابر تحریک و قطبی‌سازی، تاب‌آوری در فضای دوگانه در شرایط بحران، مشارکت مدنی و مسئولیت اجتماعی و امید واقع‌بینانه و کارآمدی جمعی را در بر می‌گیرد. امتیازدهی این ابزار نیز بر مبنای میانگین پاسخ‌های هر بُعد و تبدیل آن به مقیاسی استاندارد از صفر تا ۱۰۰ انجام می‌شود. سپس امتیاز ابعاد با توجه به وزن‌هایی متناسب در محاسبه امتیاز کلی تاب‌آوری اجتماعی لحاظ می‌شود.

البته ممکن است جامعه‌ای از سطح نسبتاً بالایی از سواد جنگ شناختی برخوردار باشد، اما در شرایط بحران با کاهش اعتماد، تشدید قطبی‌سازی یا اختلال در همکاری اجتماعی مواجه شود. برعکس، پایین بودن اعتماد به یک نهاد یا افزایش انتقاد از سیاست‌های رسمی، به‌خودی‌خود نشان‌دهنده موفقیت عملیات شناختی نیست زیرا این وضعیت ممکن است از تجربه‌های واقعی از ناکارآمدی نهادهای حاکمیتی، شرایط اقتصادی و اجتماعی غیرقابل تحمل یا عوامل واقعی دیگری ناشی شده باشد که الزاماً با تلاش دشمن مرتبط نیست. بنابراین، برای ارزیابی اثرگذاری جنگ شناختی بایستی بتوان این عوامل را از محدوده ارزیابی خارج کرد.

یکی دیگر از ملاحظات اساسی در این سنجه‌ها، توجه همزمان به فضای مجازی و محیط واقعی است. عملیات شناختی ممکن است در بستر شبکه‌های اجتماعی و سامانه‌های الگوریتمی آغاز شود، اما پیامدهای آن در روابط بین‌فردی، اعتماد به نهادها، مشارکت اجتماعی، تصمیم‌گیری‌های جمعی و رفتارهای اجتماعی آشکار شود.

پرسشنامه سواد جنگ شناختی توانایی فرد در شناسایی و تحلیل دستکاری شناختی را ارزیابی می‌کند و پرسشنامه تاب‌آوری اجتماعی ظرفیت جامعه برای حفظ انسجام و کنش

جمعی در شرایط فشار را می‌سنجد. هیچ‌یک از این سنجه‌ها به‌تنهایی برای قضاوت قطعی درباره موفقیت یا شکست دفاع یا بازدارندگی در برابر جنگ شناختی کافی نیست. تفسیر نتایج باید بر اساس اعتبار ابزارها، ویژگی‌های جامعه مورد مطالعه، شرایط مواجهه و شواهد مستقل انجام شود. همچنین، تا پیش از اعتبارسنجی تجربی، تعیین آستانه‌های قطعی برای طبقه‌بندی نتایج به سطوح پایین، متوسط یا بالا موجه نیست. چنین رویکردی امکان می‌دهد که ارزیابی جنگ شناختی از داوری‌های کلی و غیرقابل‌آزمون فاصله بگیرد و به فرایندی روشمند، قابل سنجش و مبتنی بر شواهد تبدیل شود.

جمع‌بندی

در شرایطی که مرز بین خبر، روایت، تجربه و تصمیم‌گیری روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شود، ذهن انسان به یکی از کانون‌های اصلی رقابت تبدیل می‌شود. اهمیت این تحول در آن است که پیامدهای یک منازعه لزوماً به میدان نبرد یا نتیجه رویارویی نظامی محدود نمی‌ماند، بلکه می‌تواند در برداشت مردم از واقعیت، اعتماد اجتماعی، ارزیابی آینده و توانایی جامعه برای تصمیم‌گیری مستقل نیز آشکار شود. از این منظر، مسئله اصلی حفظ ظرفیت جامعه برای فهم واقعیت در شرایطی است که واقعیت، پیوسته از مسیر روایت‌های گوناگون ارائه می‌شود.

ورود هوش مصنوعی، سامانه‌های الگوریتمی و فناوری‌های پردازش پیشرفته، این وضعیت را وارد مرحله‌ای تازه کرده است. هنگامی که تولید، گزینش و توزیع پیام‌ها با سرعت و مقیاسی گسترده انجام می‌شود، امکان اثرگذاری بر محیط اطلاعاتی نیز شکل پیچیده‌تری پیدا می‌کند. بااین‌حال، نباید قدرت فناوری را با توانایی مطلق در کنترل ذهن انسان یکسان دانست. فناوری می‌تواند زمینه اثرگذاری را فراهم کند، اما نتیجه آن به عوامل متعددی از جمله تجربه‌های فردی، شرایط اجتماعی، اعتماد عمومی، ساختارهای ارتباطی و کیفیت اطلاعات در دسترس وابسته است. بنابراین، فهم جنگ شناختی بدون توجه به قابلیت‌های فناورانه و پیچیدگی رفتار انسانی، تصویری ناقص از مسئله به دست می‌دهد.

در چنین بستری، پارادایم دوفضایی‌شدن جهان اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. فضای مجازی صرفاً محیطی جدا از زندگی واقعی نیست. روایت‌های منتشرشده در آن می‌توانند بر تصمیم‌ها، روابط اجتماعی و برداشت افراد از رویدادهای عینی اثر بگذارند. در مقابل، رویدادهای واقعی نیز از طریق انتخاب تصاویر، حذف زمینه‌ها و بازتولید روایت‌ها، معناهای متفاوتی پیدا می‌کنند. این رفت‌وبرگشت بین تجربه بی‌واسطه و باواسطه، ضرورت توجه و تمرکز بر جنگ شناختی را آشکار می‌سازد.

برای جمهوری اسلامی ایران، این مسئله افزون بر اهمیت فناورانه و ارتباطی، با پرسش‌هایی درباره امنیت، اعتماد عمومی و مسئولیت اخلاقی نیز پیوند دارد. هر راهبردی برای مواجهه با جنگ شناختی، اگر صرفاً بر خنثی‌سازی تلاش‌های رقیب متمرکز باشد، ممکن است از اهمیت اعتمادپذیری اطلاعات، شفافیت عملکرد و حق مردم برای ارزیابی مستقل غافل بماند. لذا جنگ شناختی را نمی‌توان صرفاً با افزایش حجم پیام‌های متقابل یا تشدید رقابت روایی محقق کرد. اعتبار پیام، تناسب آن با شواهد، احترام به کرامت انسان و امکان نقد و اصلاح، عواملی هستند که باید در ارزیابی هر راهبرد ارتباطی جدی گرفته شوند. همچنین، هرگونه تمایز بین دفاع، بازدارندگی و اقدام تهاجمی باید با توجه به پیامدهای انسانی و حدود اخلاقی آن صورت گیرد. این موضوع به‌ویژه از آن رو اهمیت دارد که در جنگ شناختی شهروندان و غیرنظامیان در معرض اثرگذاری قرار می‌گیرند.

از همین رو، سنجش سواد جنگ شناختی و تاب‌آوری اجتماعی زمانی ارزشمند خواهد بود که به ابزاری برای شناخت ظرفیت‌ها و آسیب‌پذیری‌های واقعی

جامعه تبدیل شود. سنجش توانایی افراد در مواجهه با اطلاعات باید در کنار بررسی شرایطی قرار گیرد که امکان دسترسی به اطلاعات معتبر، گفت‌وگوی عمومی و اعتماد مبتنی بر عملکرد را فراهم می‌کنند. همچنین، نتایج چنین سنجشی باید با شواهد تجربی ارزیابی شوند و محدودیت‌های ابزارهای خودگزارشی در تفسیر آنها مورد توجه قرار گیرد.

در نهایت، اهمیت سواد اطلاعاتی و رسانه‌ای در جهان مناقشه‌آمیز امروز را باید در پیوند بین کوشش‌های فردی و مسئولیت جمعی جست‌وجو کرد. هیچ جامعه‌ای صرفاً با اتکا به فناوری یا با فرض مصونیت همیشگی شهروندان از فریب اطلاعاتی مصون نمی‌ماند. آنچه اهمیت دارد، ایجاد شرایطی است که در آن پرسشگری، امکان بررسی شواهد، پذیرش خطا، گفت‌وگوی مسئولانه و همکاری اجتماعی بتوانند در کنار یکدیگر رشد کنند. در چنین مدل و نگاهی، مردم مخاطبان منفعل در برابر جریان اطلاعات نیستند، بلکه کنشگرانی هستند که کیفیت انتخاب‌ها و تعاملاتشان در شکل‌گیری آینده جامعه نقش دارد. این نگاه، سواد جنگ شناختی را از سطح یک مهارت فراتر می‌برد و آن را به بخشی از ظرفیت عمومی جامعه برای مواجهه سنجیده، اخلاقی و مسئولانه با منازعات معاصر تبدیل می‌کند.

کتابنامه منابع

Asgharirad, J. (2012). *U.S. public diplomacy towards Iran during the George W. Bush era* [Doctoral dissertation, Freie Universität Berlin]. Refubium. https://doi.org/10.17169/refubium-11288

Collins, J. J. (2025). Winning without fighting: Irregular warfare and strategic competition in the 21st century. *Joint Force Quarterly, 117*(2), 92-93.

Deppe, C., & Schaal, S. (2024). Cognitive warfare: A conceptual analysis of the NATO ACT cognitive warfare exploratory concept. *Frontiers in Big Data, 7*, Article 1452129. https://doi.org/10.3389/fdata.2024.1452129

El-Bayaa, N., & Gultekin, O. (2025). The supply chain vulnerabilities of weaponizing daily consumer technologies used in Middle-East conflicts: A case study of Israel pager and walkie-talkie operation attacks in Lebanon from non-technical perspective. *Journal of Cultural Analysis and Social Change, 10*(2), 2287–2294. https://doi.org/10.64753/jcasc.v10i2.1925

Hung, T.-W., & Hung, T.-W. (2022). How China's cognitive warfare works: A frontline perspective of Taiwan's anti-disinformation wars. *Journal of Global Security Studies, 7*(4), Article ogac016. https://doi.org/10.1093/jogss/ogac016

King, C. (2011). Military social influence in the global information environment: A civilian primer. *Analyses of Social Issues and Public Policy, 11*(1), 1–26. https://doi.org/10.1111/j.1530-2415.2010.01214.x

Kosal, M., & Putney, J. (2023). Neurotechnology and international security: Predicting commercial and military adoption of brain-computer interfaces (BCIs) in the United States and China. *Politics and the Life Sciences, 42*(1), 81–103. https://doi.org/10.1017/pls.2022.2

Modjtahedi, G., & Szpunar, P. M. (2022). Soft news in soft war: Maximum pressure, Voice of America, and outrage media in Iran. *International Communication Gazette, 84*(7–8). https://doi.org/10.1177/17480485221088395

Probasco, E. & Jang, M. (2025). *Military AI: Angel of our Better Nature or Tool of Control?* https://warontherocks.com/2025/05/military-ai-angel-of-our-better-nature-or-tool-of-control/

چکیده‌های فارسی

پیش‌خبری شناختی در عصر هوش مصنوعی مولد: ارائه یک چارچوب سه‌لایه برای تاب‌آوری در برابر اطلاعات نادرست

مهدی امیرنیا
دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت رسانه دانشگاه تهران
mahdi.amirnia@ut.ac.ir

هوش مصنوعی مولد با کاهش چشمگیر هزینه و زمان تولید محتوای متقاعدکننده، چندرسانه‌ای و شخصی‌سازی‌شده، بحران معرفتی تازه‌ای پدید آورده است: شهروندان نه‌تنها با ادعاهای نادرست، بلکه با تضعیف ظرفیت تشخیص منشأ، اصالت و درجه اطمینان اطلاعات مواجه‌اند. اتکای صرف به «افشاگری پس از انتشار» به‌سبب سرعت تکثیر، مقیاس‌پذیری و چندوجهی‌بودن محتوای سینتتیک کفایت نمی‌کند. این مقاله با روش مرور روایی و سنتز مفهومی، اسناد سیاستی و پژوهش‌های منتشرشده در سال‌های ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۶، یک چارچوب نظری سه‌لایه برای پیش‌خبری در بستر جنگ شناختی پیشنهاد می‌کند که سواد الگوریتمی، واکسیناسیون روانی و کالیبراسیون اعتماد را در یک چرخه بازگشتی یکپارچه می‌سازد. لایه نخست، سازوکارهای تولید، توزیع و تقویت الگوریتمی محتوای مصنوعی را قابل‌فهم می‌سازد. لایه دوم، با هشدار پیشینی و مواجهه کنترل‌شده با فنون اقناعی، مقاومت روان‌شناختی در برابر دستکاری را تقویت می‌کند. لایه سوم، مخاطب را از الگوی داوری دوگانه «واقعی/جعلی» به داوری درجه‌بندی‌شده درباره منشأ، شواهد، انگیزه و سطح اطمینان منتقل می‌سازد. نوآوری مقاله در بازتعریف پیش‌خبری به‌مثابه زیرساخت سواد رسانه‌ای-اطلاعاتی برای تاب‌آوری شناختی و در ترکیب هم‌زمان سه سطح الگوریتمی، روانی و معرفتی در یک چارچوب بازگشتی است.

واژگان کلیدی
#پیش‌خبری شناختی #واکسیناسیون روانی #هوش مصنوعی مولد #سواد الگوریتمی #دیپ‌فیک #کالیبراسیون اعتماد #انکارپذیری مصنوعی #تاب‌آوری شناختی

خطرات حقوق بنیادین مقابله با جنگ شناختی با استفاده از هوش مصنوعی

بهادر امینیان جزی
دانشیار دانشکده روابط بین الملل وزارت امورخارجه
bahaminian@hotmail.com

این پژوهش ایده‌های استفاده از سیستم‌های پشتیبانی‌شده با هوش مصنوعی برای مقابله با «جنگ شناختی» را تحلیل می‌کند و پیامدهای چنین سیستم‌هایی را برای حقوق و ارزش‌های بنیادین به طور انتقادی مورد بررسی قرار می‌دهد. مسئله این است که با ظهور ابزارهای هوش مصنوعی مولد که انتظار می‌رود مشکلات فعالیت‌های دشمنانه علیه اکوسیستم‌های اطلاعاتی آنلاین جوامع دموکراتیک را تشدید کنند، محققان و سیاست‌گذاران پیشنهاد کرده‌اند که از هوش مصنوعی برای طراحی اقدامات متقابل استفاده شود. هدف پژوهش بررسی بحران‌های ناشی از مداخله این اقدامات (از سیستم‌های هشدار اولیه مبتنی بر هوش مصنوعی گرفته تا ابزارهای تعدیل محتوای دولتی) در حقوق و ارزش‌های بنیادینی مانند حریم خصوصی، حقوق ارتباطات و خوداتکایی است. سوال اصلی پژوهش این است که استفاده از سیستم‌های هوش مصنوعی برای مقابله با جنگ شناختی چه پیامدهایی برای حقوق بنیادین و ارزش‌های جوامع دموکراتیک به همراه دارد. فرضیه پژوهش بیان می‌کند که پیشنهادهای مبتنی بر هوش مصنوعی به اندازه کافی پیچیدگی‌های اکوسیستم‌های اطلاعاتی آنلاین معاصر، به‌ویژه دشواری ذاتی در تعیین علیت و اسناد را در نظر نمی‌گیرند و تکیه بر اصل احتیاط ممکن است توجیهی برای این اقدامات فراهم کند، اما هرگونه مداخله دولتی باید قانونی و کاملاً متناسب باشد. چارچوب نظری پژوهش بر پایه مفهوم جنگ شناختی در گفتمان امنیت عمومی معاصر، ارزش‌ها و حقوق بنیادین، اصل احتیاط و ارزیابی تناسب مداخلات دولتی استوار است. روش پژوهش تحلیل محتوای کیفی است که با تشریح مفهوم جنگ شناختی و ظهور هوش مصنوعی مولد انجام شده است. یافته‌ها و نتایج نشان می‌دهد که استفاده از سیستم‌های هوش مصنوعی برای مقابله با جنگ شناختی با حقوق بنیادین مانند حریم خصوصی، حقوق ارتباطات و خوددگرآیینی تداخل دارد و اتکا به اصل احتیاط در غیاب شواهد تجربی قطعی آسیب، نیازمند پایبندی شدید به قانون و اصل تناسب است.

واژگان کلیدی
#جنگ شناختی #هوش مصنوعی #حقوق بنیادین #اکوسیستم‌های اطلاعاتی آنلاین #تعدیل محتوا #حریم خصوصی #اصل احتیاط

برق، ادراک و جنگ شناختی: عملیات اطلاعاتی روسیه پیرامون امنیت برق اروپا

مینا اوتادی
دانشجوی دکتری مطالعات روسیه، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران .mina
otaadi@ut.ac.ir

در ادبیات جنگ شناختی، زیرساخت‌های حیاتی نه‌فقط اهداف فیزیکی، بلکه موضوع ادراک عمومی از توانایی دولت در تأمین امنیت هستند. ثبات برق، نماد کارآمدی و مشروعیت دولت است و شکاف میان وضعیت عینی عرضه و ادراک شهروندان از آن، ظرفیتی برای بهره‌برداری شناختی ایجاد می‌کند. روسیه شبکه‌ی برق اوکراین را مستمر هدف حمله‌ی فیزیکی قرار داده و در اروپا نیز روایت‌هایی درباره‌ی ناپایداری عرضه و گرانی انرژی ترویج کرده است. کارزارهای پیرامون خروج بالتیک از شبکه‌ی BRELL در فوریه‌ی ۲۰۲۵ نمونه‌ی روشن آن است. با این همه، پژوهش‌های امنیت انرژی و جنگ شناختی کمتر به هم پیوند خورده‌اند و سازوکار اتصال اقتصاد سیاسی برق به روایت‌سازی هنوز نظریه‌پردازی نشده است. پرسش اصلی در پژوهش حاضر آن است که، روسیه چگونه از نااطمینانی در عرضه و قیمت برق برای شکل‌دادن به ادراک عمومی و دوقطبی‌سازی جوامع اروپایی بهره می‌گیرد؟ فرضیه‌ای که نگارنده در پاسخ به سوال اصلی مطرح می‌کند آن است که، روسیه نااطمینانی‌های واقعی بازار و زیرساخت برق را به رویدادی روایی تبدیل می‌کند و احساس بحران را پیش از وقوع آن تقویت می‌کند. روش پژوهش، تحلیل محتوای کیفی اسناد راهبردی اتحادیه‌ی اروپا درباره‌ی انرژی و جنگ شناختی است، همراه با مطالعه‌ی موردی کارزارهای اطلاعاتی پیرامون خروج بالتیک از BRELL و مقایسه‌ی آن با روایت‌های مرتبط با حملات به شبکه‌ی برق اوکراین. داده‌ها در سه سطح زیرساختی - اقتصادی، روایی - رسانه‌ای و ادراکی - شناختی کدگذاری می‌شوند. برای بررسی فرضیه عنوان شده مباحث در چهار بخش ارائه می‌شود: مفاهیم کلیدی شامل جنگ شناختی و امنیت برق؛ چارچوب نظری پیوند اقتصاد سیاسی برق با آسیب‌پذیری شناختی؛ تحلیل موردی بالتیک و اوکراین؛ یافته‌ها بر پایه‌ی کدگذاری سه‌سطحی؛ و نتیجه‌گیری همراه با چارچوب سواد رسانه‌ای - اطلاعاتی انرژی‌محور.

واژگان کلیدی
#جنگ شناختی #اقتصاد سیاسی برق #روسیه #سواد رسانه‌ای #امنیت انرژی اروپا

انتخاب و مسئولیت در جنگ روایی؛ بازاندیشی در تصمیم‌گیری اخلاقی در فضای مجازی

زهرا ایزدبین
دانشجوی دکتری مطالعات صلح و حل منازعه، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران
zahraizadbin@ut.ac.ir

جنگ موقعیتی است که در آن تصمیم‌گیری در شرایطی از عدم‌تعین، محدودیت شناخت و ناتوانی از پیش‌بینی کامل پیامدها شکل می‌گیرد. در این وضعیت، تصمیم‌گیرنده ناگزیر است درباره مسائلی انتخاب کند که نه امکان دسترسی کامل به واقعیت آنها وجود دارد و نه می‌توان نتایج انتخاب را به‌طور قطعی محاسبه کرد. گسترش فضای مجازی این وضعیت را پیچیده‌تر کرده است؛ زیرا جنگ فقط در میدان فیزیکی رخ نمی‌دهد، بلکه در عرصه تولید، گردش و مناقشه بر سر روایت‌ها، تصاویر و بازنمایی‌ها نیز جریان دارد. فضای مجازی با تکثیر روایت‌های متعارض، ادراک از تهدید، دیگری و حتی معنای جنگ را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تصمیم‌گیری را در میان مجموعه‌ای از معناهای رقیب قرار می‌دهد. مسئله اصلی این پژوهش آن است که در شرایطی که هیچ معیار نهایی، روایت مسلط یا مجموعه‌ای از اطلاعات نمی‌تواند انتخاب را به‌طور کامل تعیین کند، تصمیم فردی چگونه می‌تواند همچنان موضوع مسئولیت اخلاقی باقی بماند. هدف پژوهش، بررسی نسبت میان انتخاب و مسئولیت در وضعیت جنگی متأثر از فضای مجازی و تبیین این پرسش است که چگونه می‌توان از تصمیم اخلاقی در شرایطی سخن گفت که امکان دستیابی به قطعیت وجود ندارد. چارچوب نظری پژوهش بر مفاهیم تصمیم، عدم‌تعین، آپوریا و مسئولیت اخلاقی دریدا استوار است. بر اساس این رویکرد، تصمیم واقعی زمانی شکل می‌گیرد که قواعد، دانش موجود و محاسبه پیامدها قادر به تعیین کامل انتخاب نباشند. اگر نتیجه از پیش توسط یک قاعده مشخص شده باشد، عمل صرفاً اجرای یک دستورالعمل خواهد بود، نه یک تصمیم اخلاقی. به این ترتیب مسئولیت از لحظه‌ای آغاز می‌شود که تصمیم‌گیرنده در مواجهه با امکان خطا، فقدان تضمین و پیامدهای پیش‌بینی‌نشده، ناگزیر به انتخاب است. این پژوهش با استفاده از روش تحلیل مفهومی و خوانش انتقادی متون نظری مرتبط با تصمیم و مسئولیت اخلاقی، نسبت میان تصمیم‌گیری، جنگ و فضای متکثر اطلاعاتی را بررسی می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فضای مجازی با افزایش دسترسی به اطلاعات، لزوماً به افزایش قطعیت در تصمیم‌گیری منجر نمی‌شود، بلکه از طریق تکثیر روایت‌ها و بازنمایی‌های متعارض، پیچیدگی انتخاب اخلاقی را افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی، تصمیم اخلاقی صرفاً انتخاب گزینه‌ای که از پیش درست تلقی می‌شود، نیست. بلکه پذیرش مسئولیت در برابر انتخابی است که همواره امکان بازاندیشی، خطا و پیامدهای پیش‌بینی‌نشده را با خود دارد. بنابراین، مسئولیت اخلاقی نه به نتیجه نهایی، بلکه به نحوه مواجهه تصمیم‌گیرنده با وضعیت عدم‌تعین و تعهد او نسبت به انتخاب خود وابسته است.

واژگان کلیدی
#مسئولیت اخلاقی #عدم‌تعین #آپوریا #تعویق #فضای مجازی #تصمیم‌گیری در بحران

جدال روایت‌ها: تحلیل مقایسه‌ای بازنمایی رسانه‌ای «آمریکا از چین» و «چین از خود»

غزل ایزدی
کارشناسی ارشد دانشکده مطالعات جهان
izadi.ghazal7878@gmail.com

در عصر تحولات ژئوپلیتیک نوین، رسانه‌های جمعی تنها ابزار انتقال اطلاعات نیستند، بلکه سازندگان اصلی تصاویر ذهنی و روایت‌های راهبردی در عرصه بین‌الملل به شمار می‌روند. با صعود چین به عنوان یک ابرقدرت اقتصادی و تکنولوژیک، تقابل روایی میان واشنگتن و پکن به یکی از حساس‌ترین جبهه‌های جنگ نرم تبدیل شده است. از یک سو، رسانه‌های غربی و به‌ویژه آمریکایی اغلب چین را از طریق لنز «تهدید جدید»، «دولت تمامیت‌خواه» و «چالش‌گر نظم بین‌الملل» بازنمایی می‌کنند و بر موضوعاتی چون حقوق بشر، جاسوسی سایبری و توسعه‌طلبی نظامی تمرکز دارند. از سوی دیگر، دستگاه رسانه‌ای چین با اتخاذ استراتژی «روایت درست داستان چین»، تصویری مبتنی بر «توسعه صلح‌آمیز»، «مدرنیزاسیون بومی» و «رهبری مسئولانه جهانی» از خود ارائه می‌دهد. در این راستا، مسئله و سوال اصلی این پژوهش آن است که چه تفاوت‌ها و تناقض‌های ساختاری و گفتمانی میان «بازنمایی رسانه‌ای آمریکا از چین» و «خودبازنمایی رسانه‌ای چین» وجود دارد و این تمایزها چگونه ابعاد جنگ روایی دو ابرقدرت را بازابراز می‌کنند؟ جهت شکافتن ابعاد موضوع، سوالات فرعی دیگری نیز مطرح می‌شود؛ از جمله اینکه رسانه‌های آمریکایی از چه قاب‌بندی‌ها و کلیدواژه‌های اصلی برای ساخت تصویر «چین به عنوان تهدید» استفاده می‌کنند؟ رسانه‌های رسمی چین برای بازنمایی تصویر خود بر چه مؤلفه‌ها و ارزش‌هایی تأکید دارند؟ و نقش دیپلماسی رسانه‌ای دیجیتال در تقویت یا تضعیف این دو روایت متقابل چیست؟ فرضیه این پژوهش بر این اصل استوار است که بازنمایی رسانه‌ای آمریکا از چین عمدتاً بر «قاب‌بندی امنیتی-ایدئولوژیک» جهت ایجاد بازدارندگی بین‌المللی تمرکز دارد، در حالی که خودبازنمایی چین بر «قاب‌بندی توسعه‌ای-تمدنی» متکی است تا مشروعیت بین‌المللی خود را افزایش داده و نظم تک‌قطبی به رهبری غرب را به چالش بکشد. در نتیجه‌گیری این بررسی می‌توان اذعان داشت که تقابل رسانه‌ای دو کشور، بازتابی از یک رقابت عمیق ژئوپلیتیک برای بازتعریف نظم جهانی است. نبردی روایتی که به قطبی‌شدن افکار عمومی جهان منجر شده و در حالی که در غرب تصویر چین تهدیدآمیز بازنمایی می‌شود، در کشورهای جنوب جهانی روایت توسعه‌ای پکن نفوذ بیشتری می‌یابد؛ شکافی که در نهایت امکان همکاری‌های فراملی بر سر چالش‌های مشترک بشری را با محدودیت‌های جدی مواجه می‌سازد.

واژگان کلیدی
#بازنمایی رسانه‌ای #جنگ روایی #جنگ نرم #رقابت ژئوپلیتیک آمریکا و چین

الگوریتم صلح: بازاندیشی در حکمرانی شناختی در عصر توجه، از نظارت بر الگوریتم تا معماری ادراک

مبینا بخشی
کارشناس ارشد ادبیات انگلیسی، دانشکدهٔ زبان و ادبیات خارجی، دانشگاه تبریز
bakhshim636@gmail.com

حکمرانی الگوریتمی در ادبیات معاصر عمدتاً در قالب سازوکاری نظارتی صورت‌بندی شده است؛ سازوکاری متشکل از قواعد و رویه‌هایی برای افزایش شفافیت، پاسخگویی و کنترل سوگیری در نظام‌های تصمیم‌گیری الگوریتمی. این رویکرد، با وجود اهمیت آن، کمتر به ظرفیت الگوریتم‌ها برای ایفای نقشی فعال در شکل‌دهی به ادراک، جهت‌دهی به توجه و کاهش فرایندهای شناختیِ مؤثر بر قطبی‌شدن پرداخته است. همزمان، حکمرانی شناختی نیز در بخش عمده‌ای از پژوهش‌های موجود، بیشتر در حوزهٔ آموزش و در نسبت با «یادگیرنده» مفهوم‌پردازی شده و جایگاه «شهروند» در مواجههٔ روزمره با الگوریتم‌های پیشنهاد محتوا کمتر مورد توجه قرار گرفته است. حاصل این دو کاستی، شکل‌گیری خلأیی نظری در پیوند میان علوم شناختی، طراحی الگوریتمی و صلح است؛ به‌ویژه در زمینه تبدیل اصول شناختی به مؤلفه‌های قابل‌کاربست در معماری پلتفرم‌ها. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که الگوی مطلوب حکمرانی شناختی در طراحی نظام‌های پیشنهاد محتوا چه مؤلفه‌هایی دارد و در چه وجوهی با منطق غالب پلتفرم‌هایی تفاوت می‌یابد که افزایش تعامل و زمان حضور کاربر را در مرکز سازوکارهای پیشنهاد خود قرار می‌دهند. برای بررسی این مسئله، پژوهش در سه سطح انجام می‌شود. نخست، روایت‌های قطبی‌ساز در پلتفرم‌های فراملی و منطقه‌ای با بهره‌گیری از تحلیل گفتمان انتقادی بررسی می‌شوند. دوم، معماری توجه در نمونه‌ای از پلتفرم‌های منتخب تحلیل می‌شود تا منطق حاکم بر پیشنهاد محتوا و سازوکارهای شکل‌دهنده به ادراک و واکنش کاربر آشکار شود. سوم، اسناد و چارچوب‌های سیاست‌گذاری رسانه‌ای بررسی می‌شوند تا ظرفیت‌ها و خلأهای مقرراتی موجود در زمینه حکمرانی الگوریتمی و شناختی شناسایی شوند. یافته‌های اولیه نشان می‌دهد که مسئله را نمی‌توان صرفاً به کیفیت یا مطلوبیت محتوای عرضه‌شده فروکاست؛ بلکه نحوه سازمان‌دهی توجه و ترتیب مواجههٔ کاربر با محتوا نیز بخشی اساسی از مسئله است. پلتفرم‌هایی که سازوکارهای پیشنهاد محتوا در آنها بر تعامل سریع و برانگیختگی هیجانی استوار است، می‌توانند حتی محتوای نسبتاً متعادل را در معماری‌ای عرضه کنند که واکنش‌های فوری و دوگانه‌ساز را تقویت می‌کند. از این منظر، صلح شناختی نه تنها به اصلاح محتوای گردش‌یافته، بلکه به بازاندیشی در معماری توجه و منطق حاکم بر پیشنهاد محتوا نیاز دارد. بر مبنای این یافته‌ها، پژوهش چارچوبی سه‌لایه برای حکمرانی شناختی پیشنهاد می‌کند: نخست، گسترش مفهوم حکمرانی شناختی از سطح مؤسسه‌محور به سطح پلتفرم‌محور؛ دوم، تدوین اصولی برای طراحی نظام‌های پیشنهاد محتوا که در کنار شاخص‌های تعامل، کیفیت مواجهه و ادراک کاربر را نیز لحاظ کنند؛ و سوم، بازتعریف سواد رسانه‌ای به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های زیرساختی حکمرانی شناختی، نه صرفاً مجموعه‌ای از مهارت‌های فردی. نوآوری پژوهش در انتقال کانون بحث از «نظارت بر الگوریتم» به «طراحی الگوریتم با ملاحظهٔ صلح» و در پیوند دادن حکمرانی شناختی با معماری پلتفرم و سیاست‌گذاری رسانه‌ای است.

واژگان کلیدی
#الگوریتم صلح #حکمرانی شناختی #حکمرانی الگوریتمی #معماری توجه #معماری ادراک

جنگ شناختی و دین؛ تسلیحاتی کردن بعد شناختی انسان

مصطفی بروجردی
استادیار دانشکده روابط بین الملل دانشکده وزارت امورخارجه
mostafa.boroujerdi@gmail.com

این پژوهش جنگ شناختی را به عنوان یک حوزه حیاتی در منازعات مدرن بررسی می‌کند که ذهن انسان را از طریق تاکتیک‌ها، روش‌ها و رویه‌های پیچیده روان‌شناختی، اطلاعاتی و عصبی هدف قرار می‌دهد. مسئله این است که دولت‌ها و نهادهای غیردولتی با سوءاستفاده از پیشرفت‌های هوش مصنوعی، نوروفناوری و تحلیل داده، ادراک، تصمیم‌گیری و رفتار انسان را برای دستیابی به اهداف راهبردی دستکاری می‌کنند که این امر استقلال فردی و ثبات اجتماعی را به خطر می‌اندازد. هدف پژوهش بررسی نحوه این دستکاری‌ها، تحلیل مکانیزم‌های عملیاتی جنگ شناختی و بررسی پیامدهای آن برای استقلال فردی و ثبات اجتماعی است، و در عین حال راهکار دفاعی مبتنی بر انسان‌شناسی الهیأتی مسیحی را پیشنهاد می‌کند. سوال اصلی پژوهش این است که مکانیزم‌های عملیاتی جنگ شناختی چگونه به کار گرفته می‌شوند و چگونه می‌توان با استفاده از فضایل اخلاقی و انسان‌شناسی الهیأتی برای حفاظت از یکپارچگی شناختی دفاع کرد. فرضیه پژوهش بیان می‌کند که یک دفاع مؤثر در برابر مکانیسم مستندساز و عملیاتی جنگ شناختی مستلزم تقویت تمایل طبیعی عقل و اراده انسان به جستجوی حقیقت و نیل به خیر از طریق تمرین فضایل اخلاقی است. چارچوب نظری این پژوهش بر پایه ترکیب مفاهیم جنگ شناختی، فناوری‌های نوین (هوش مصنوعی و نوروفناوری)، استقلال فردی، ثبات اجتماعی و انسان‌شناسی الهیأتی مسیحی استوار است. روش پژوهش تحلیل محتوای کیفی است که با تکیه بر پژوهش‌های میان‌رشته‌ای اخیر برای تعریف جنگ شناختی، تشریح مکانیسم‌های آن و ارزیابی راه‌کارهای دفاعی انجام شده است. یافته‌ها و نتایج نشان می‌دهد که یکپارچه‌سازی اطلاعات نادرست مبتنی بر هوش مصنوعی و ابزارهای نوروفناورانه تأثیر جنگ شناختی را تشدید می‌کند و چالش‌های اخلاقی و امنیتی ایجاد می‌نماید، و برای دفاع مؤثر در برابر آن باید با تمرین فضایل اخلاقی، تمایل طبیعی عقل و اراده انسان به حقیقت و خیر را تقویت کرد.

واژگان کلیدی
#جنگ شناختی #دین #تسلیحاتی کردن ذهن #هوش مصنوعی #نوروفناوری
#انسان‌شناسی الهیأتی #فضایل اخلاقی #یکپارچگی شناختی

روایت‌های راهبردی به عنوان ابزاری در جنگ

سمیه پاشایی
دانشجو دکترا مطالعات ایران دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران
somayeh.pashaee@ut.ac.ir

این پژوهش تقاطع میان مفاهیم روایت‌های راهبردی و جنگ تصویر را بررسی می‌کند و استدلال می‌کند که هر دو به عنوان ابزارهای حیاتی برای بازیگران سیاسی به منظور کسب مشروعیت، همدلی و حمایت در عرصه بین‌المللی عمل می‌کنند. مسئله این است که در منازعات معاصر، نبردها نه تنها در میدان، بلکه در حوزه ادراک‌ها نیز جریان دارند و بازیگران سیاسی برای مدیریت این فضا با چالش‌های شهرت و اعتبار روبه‌رو هستند. هدف پژوهش بررسی تقاطع روایت‌های راهبردی و جنگ تصویر و نحوه استفاده بازیگران سیاسی از این ابزارها برای ساخت معنا، توجیه اقدامات و تأثیرگذاری بر مخاطبان جهانی در زمان جنگ است. سوال اصلی پژوهش این است که بازیگران سیاسی چگونه از روایت‌های راهبردی به عنوان ابزاری در جنگ تصویر برای کسب مشروعیت و تأثیرگذاری بر مخاطبان جهانی در طول منازعات استفاده می‌کنند. فرضیه پژوهش بیان می‌کند که با تبدیل شدن مبارزه بر سر ادراک‌ها به ویژگی تعیین‌کننده جنگ مدرن در عصر دیجیتال، بازیگران سیاسی برای مقابله با چالش‌های شهرت و مدیریت ادراک‌ها به توسعه ابزارهای جدید و یکپارچه‌سازی چارچوب‌های مفهومی نیاز خواهند داشت. چارچوب نظری این پژوهش بر پایه ادغام مفاهیم روایت‌های راهبردی، جنگ تصویر، کسب مشروعیت در عرصه بین‌المللی و مدیریت ادراک استوار است. روش پژوهش از نوع مطالعه موردی است که با استفاده از نمونه‌های عینی شامل روایت اوکراین در طول تهاجم روسیه در سال ۲۰۲۲ و روایت اسرائیل در جنگ ۲۰۲۳–۲۰۲۵ با حماس انجام شده است. یافته‌ها و نتایج نشان می‌دهد که بازیگران سیاسی با ادغام این دو چارچوب مفهومی می‌توانند در زمان جنگ به ساخت معنا بپردازند، اقدامات خود را توجیه کنند و با توجه به اینکه مبارزه بر سر ادراک به ویژگی جنگ مدرن تبدیل شده، ابزارهای لازم را برای مواجهه با چالش‌های شهرت توسعه دهند.

واژگان کلیدی
#روایت‌های راهبردی #جنگ تصویر #ادراک #منازعات معاصر #مشروعیت بین‌المللی #جنگ مدرن

جامعه‌شناسی ابعاد ارتباطی توسعه هوش مصنوعی در ایران

الناز پاک‌نیا
دانشجوی دکتری علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه سوره تهران
pakniaelnz@gmail.com

توسعه هوش مصنوعی در ایران تنها یک تحول فناورانه نیست، بلکه پدیده‌ای جامعه‌شناختی است که ساختارهای ارتباطی و توزیع قدرت نمادین را بازتعریف می‌کند. هدف این مقاله، مطالعه ابعاد ارتباطی توسعه این فناوری در زیست‌بوم ایران با بهره‌گیری از نظریات «جامعه شبکه‌ای» مانوئل کاستلز و «تمایز و سرمایه فرهنگی» پیر بوردیو است. این نوشتار با روش کیفی و تحلیلی-توصیفی به بررسی این پرسش می‌پردازد که توسعه هوش مصنوعی چگونه بر «خود-ارتباطی توده‌ای»، «اعتماد اجتماعی» و «قطب‌بندی فضاهای مجازی» در ایران تاثیر می‌گذارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که توسعه هوش مصنوعی در ایران به دلیل شکاف‌های زیرساختی و اقتصادی، منجر به شکل‌گیری نوعی نابرابری الگوریتمی شده که بازتولیدکننده تمایزهای طبقاتی پیشین است. همچنین، پدیده حباب فیلتر ناشی از الگوریتم‌های هوشمند، با تضعیف حوزه‌ی عمومی، به قطب‌بندی اجتماعی دامن زده است. در نهایت، مقاله با رویکرد جامعه شناختی، مدل حکمرانی اخلاقی-ارتباطی را برای تعدیل پیامدهای منفی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های توسعه‌ای هوش مصنوعی در ایران پیشنهاد می‌دهد.

واژگان کلیدی
#جامعه‌شناسی ارتباطات #هوش مصنوعی #تعامل انسان-الگوریتم

هوش مصنوعی و قطبی‌سازی سیاسی ؛نقش الگوریتم‌های توصیه‌گر در تشدید شکاف‌های اجتماعی

پرهام پوررمضان
دانش آموخته دکتری علوم سیاسی از دانشگاه تهران
parhampourramezan@ut.ac.ir

گسترش هوش مصنوعی و ادغام فزاینده الگوریتم‌های توصیه‌گر در شبکه‌های اجتماعی، شیوه مواجهه افراد با اطلاعات سیاسی، شکل‌گیری نگرش‌های جمعی و بازتولید تعارضات اجتماعی را دستخوش تغییرات کرده است. الگوریتم‌های توصیه‌گر با تحلیل داده‌های رفتاری و پیش‌بینی علایق کاربران، محتوایی را در معرض دید آنان قرار می‌دهند که احتمال تعامل با آن بیشتر است. با این حال، همین سازوکار می‌تواند به تقویت محتوای هیجانی، مناقشه برانگیز و هویت محور منجر شود و در نتیجه، مرزهای میان گروه‌های سیاسی رابر جسته سازد . مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که چگونه الگوریتم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، از طریق شخصی سازی محیط اطلاعاتی و تقویت محتوای دارای بار هیجانی، می‌توانند به تشدید قطبی‌سازی سیاسی و شکاف‌های اجتماعی کمک کنند. هدف پژوهش، تبیین سازوکارهای روان شناختی و اجتماعی موثر بر رابطه میان الگوریتم‌های توصیه‌گر و قطبی‌شدن سیاسی است. سوال اصلی پژوهش این است که الگوریتم‌های توصیه‌گر هوش مصنوعی از چه طریق و تحت چه شرایطی می‌توانند قطبی‌سازی سیاسی و فاصله اجتماعی میان گروه‌های مختلف را تشدید کنند؟ همچنین فرض بر آن است که ؛هر چه الگوریتم‌های توصیه‌گر بیشتر بر افزایش تعامل کاربران از طریق تقویت محتوای هیجانی، تأیید کننده هویت گروهی و تعارض محور تمرکز کنند، احتمال شکل‌گیری حباب‌های اطلاعاتی، تقویت سوءگیری تأییدی و افزایش فاصله عاطفی میان گروه‌های سیاسی بیشتر خواهد شد. این پژوهش با بهره‌گیری از رویکردی میان‌رشته‌ای، پیوند میان هوش مصنوعی، روان‌شناسی سیاسی و مطالعات ارتباطات را بررسی می‌کند و بر مفاهیمی همچون سوءگیری تأییدی، هویت اجتماعی، قطبی‌شدن عاطفی و حباب‌های فیلتر تمرکز دارد. یافته‌های مورد انتظار نشان می‌دهد که مسئله اصلی صرفا «وجود الگوریتم‌ها» نیست، بلکه معماری و منطق بهینه‌سازی آنهاست که محیط اطلاعاتی افراد را به سمت تشدید تعارض سوق دهد. در نتیجه مقابله با قطبی‌سازی الگوریتمی نیازمند بازاندیشی در طراحی و حکمرانی سامانه‌های توصیه‌گر، تقویت سواد رسانه‌ای و شناختی و حفظ عاملیت کابران در یست بوم‌های اطلاعاتی هوشمند است.

واژگان کلیدی
#روانشناسی سیاسی #هوش مصنوعی #الگورتیم #قطبی‌سازی #جمهوری اسلامی ایران

اخلاقی‌سازی بصری منازعه در رسانه‌های خبری؛ تحلیل قاب‌بندی چندوجهی جنگ رمضان در بی‌بی‌سی فارسی و ایران اینترنشنال

مائده پورصفائی
دانشجوی دکتری مطالعات صلح و حل منازعه، دانشکدهٔ مطالعات جهان، دانشگاه تهران
maeesafaee@gmail.com

جنگ‌های معاصر، علاوه بر میدانِ نظامی و سیاسی، در میدان رسانه‌ای نیز بازنمایی و معناگذاری شده و در فرایندِ بازنماییِ رسانه‌ای، به پدیده‌ای اجتماعی و اخلاقی تبدیل می‌شود. رسانه‌های خبری این امکان را دارند تا از طریقِ انتخاب و برجسته‌سازیِ عناصرِ متنی و بصری، برداشتِ مخاطبان از مفاهیمی چون قربانی، عامل خشونت، تهدید، امنیت، عدالت و مسئولیتِ اخلاقی را شکل بدهند. بر این اساس، مسألهٔ پژوهشِ حاضر چگونگیِ شکل‌گیری و بازنماییِ قاب‌های اخلاقی در پوششِ رسانه‌ایِ جنگِ رمضان است. هدفِ پژوهش شناسایی و تحلیلِ الگوهایِ اخلاقی‌سازیِ منازعه در محتوایِ خبریِ دو رسانهٔ بی‌بی‌سی فارسی و ایران اینترنشنال در طولِ جنگ اخیر و همچنین، تبیینِ نحوهٔ بازنمایی ارزش‌ها و داوری‌های اخلاقی از طریق عناصرِ چندوجهیِ خبر است. سؤال اصلی این است که رسانه‌های خبری نام‌برده چگونه از طریق قاب‌بندی چندوجهی و نشانه‌های اخلاقی، جنگ رمضان را بازنمایی و اخلاقی‌سازی کرده‌اند؟ چارچوب نظری پژوهش با بهره‌گیری از نظریهٔ مبانی اخلاقی، نظریهٔ قاب‌بندی و همچنین، رویکرد ارتباطات بصری و چندوجهی شکل گرفته است. بر اساس این چارچوب، شش بنیاد اخلاقی شامل مراقبت/آسیب، انصاف/تقلب، وفاداری/خیانت، اقتدار/براندازی، تقدس/تخریب و آزادی/سرکوب در کنار دو بُعد امنیت/ناامنی و انسانی‌سازی/انسانیت‌زدایی بررسی می‌شوند. روش پژوهش ما تحلیلِ محتوای کمّیِ چندوجهی است. این پژوهش می‌کوشد تا نشان دهد رسانه‌های خبری چگونه از طریق پیوندِ متن و تصویر، برخی ابعادِ اخلاقیِ جنگ را امنیتی کرده یا مسئولیت و نسبت «خودی» و «دیگری» را در جنگ ایجاد می‌کنند. از این منظر، مطالعهٔ حاضر ضمنِ بسطِ چارچوب «اخلاقی‌سازی بصری منازعه» در زمینهٔ جنگ رمضان، می‌تواند به فهمِ نقشِ قاب‌بندیِ چندوجهی در شکل‌دهی به معنایِ اخلاقیِ جنگ در رسانه‌های خبری کمک کند.

واژگان کلیدی
#منازعه #رسانه #بازنمایی #اخلاقی‌سازی بصری #قاب‌بندی #جنگ رمضان

تماشای جنگ و سیاست اخلاقی رنج: تحلیل بازنمایی تصویری جنگ چهل‌روزه آمریکا و اسرائیل با ایران و واکنش‌های مخاطبان در اینستاگرام

معصومه تقی‌زادگان
هیأت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران
taghizadegan.km@gmail.com

جنگ‌های معاصر به رویدادهایی رسانه‌ای تبدیل شده‌اند که تصاویر و ویدئوهای دیجیتال در آنها نقش محوری را دارند. گردش شبانه‌روزی محتوای تصویری در شبکه‌های اجتماعی، همراه با گسترش تصاویر پهبادی و محتوای تولیدشده یا دست‌کاری‌شده با فناوری‌های دیجیتال و هوش مصنوعی، موقعیت مخاطب را در مواجهه با خشونت جنگی پیچیده کرده است. مخاطب در این وضعیت، برخلاف شاهد حاضر در صحنه، از طریق بازنمایی‌های رسانه‌ای با جنگ مواجه می‌شود؛ مواجهه‌ای که می‌تواند امکان آگاهی از رنج دوردست و مطالبه پاسخ‌گویی را فراهم کند، اما هم‌زمان ظرفیت تبدیل خشونت به منظره‌ای تماشایی، عادی‌سازی رنج و فاصله‌گیری اخلاقی از قربانیان را نیز در خود دارد. مطالعه پیش رو با نظر به جنگ چهل روزه آمریکا و اسرائیل با ایران، این پرسش را مطرح می‌کند که مواجهه با تصاویر جنگ به داوری اخلاقی و مطالبه پاسخگویی منجر شده است یا با زیبایی‌شناختی کردن رنج، خشونت عادی‌سازی شده است؟ پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه میان بازنمایی بصری جنگ، واکنش‌های مخاطبان و سیاست اخلاقی مشاهده رنج، از نظریه رنج دوردست لوک بولتانسکی بهره می‌گیرد که سه مقوله نکوهش، احساس‌مندی و زیبایی‌شناختی‌کردن رنج را برای تحلیل ارائه می‌کند. روش پژوهش کیفی است و از تحلیل نشانه‌شناختی محتواهای تصویری و تحلیل مضمون کامنت‌های کاربران اینستاگرام استفاده خواهد شد. نمونه‌های مطالعه از پست‌های عمومی مرتبط با جنگ چهل‌روزه آمریکا و اسرائیل علیه ایران و کامنت‌های آنها انتخاب شده است، این انتخاب به صورت هدفمند بر اساس معیارهایی از جمله ارتباط مستقیم با موضوع جنگ، قابلیت دسترسی و وجود محتوای تصویری و واکنش‌های متنی قابل تحلیل انجام شده است. در مرحله نهایی، یافته‌های دو سطح تحلیل با یکدیگر مقایسه خواهند شد تا نسبت میان شیوه‌های بازنمایی رنج و صورت‌های بیان‌شده واکنش اخلاقی و سیاسی مخاطبان بررسی شود. این پژوهش می‌کوشد نشان دهد که تصاویر جنگ و واکنش‌های کاربران در چه شرایطی می‌توانند رنج دوردست را به موضوعی برای داوری اخلاقی و مطالبه پاسخ‌گویی تبدیل کنند و در چه شرایطی ظرفیت بازتولید نگاه تماشاگرانه و عادی‌سازی خشونت را دارند. اهمیت مطالعه در پیوند دادن جامعه‌شناسی اخلاقی رنج دوردست با فرهنگ بصری شبکه‌های اجتماعی و تحلیل هم‌زمان بازنمایی رسانه‌ای و واکنش‌های مخاطبان است؛ پیوندی که امکان فهم دقیق‌تری از موقعیت تماشاگر جنگ را در محیط رسانه‌ای دیجیتال فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی
#نمایش جنگ #تماشاگر جنگ #رنج دوردست #اینستاگرام #زیبایی‌شناختی‌کردن رنج #بی‌حس‌سازی خشونت

نقش رسانه‌ها و الگوهای هوش مصنوعی مولد در جنگ شناختی و مدیریت افکار عمومی با تأکید بر پیامدهای دینی و هنری

زهرا حاجی‌احمدی
کارشناس نمایش، کارشناسی‌ارشد سردبیری و تهیه‌کنندگی رادیو و دکترا مدیریت رسانه
دانشگاه تهران، تهران، ایران
zahrahajiahmadi@ut.ac.ir

در دنیای معاصر، جنگ شناختی به عنوان یکی از پیشرفته‌ترین اشکال نبرد در عصر دیجیتال، برای مدیریت افکار عمومی، با بهره‌گیری از رسانه‌های نوین و الگوهای هوش مصنوعی مولد، مستقیماً ذهن انسان را هدف قرار می‌دهد تا افکار عمومی را مدیریت کرده و شکل دهد و به ابزاری قدرتمند برای تأثیرگذاری بر ادراکات، باورها، تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای اجتماعی تبدیل کند. این پژوهش با تمرکز بر نقش رسانه‌های دیجیتال و سیستم‌های هوش مصنوعی در شکل‌دهی به افکار عمومی و عملیات شناختی، به بررسی و تحلیل پیامدهای آن در دو حوزه کلیدی دینی و هنری می‌پردازد. اهداف اصلی تحقیق شامل شناسایی ابزارهای جنگ شناختی مبتنی بر هوش مصنوعی، تحلیل و ارزیابی تأثیر آن بر باورهای دینی- مذهبی (مانند تحریف روایات دینی از طریق دیپ‌فیک‌ها) و خلاقیت هنری(مانند تولید آثار ماشینی که اصالت را زیر سؤال می‌برد) و پیشنهاد و ارائه راهکارهای مقاومتی برای مقابله با این پدیده است. روش پژوهش ترکیبی است که از تحلیل محتوای مقالات علمی، بر اساس داده‌ها و مطالعات موردی، گزارش‌های بین‌المللی (مانند گزارش‌های ناتو ۲۰۲۶-۲۰۲۵) و نظرسنجی‌های جهانی استفاده می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که هوش مصنوعی با تولید محتوای شخصی‌سازی‌شده و تولید دیس‌اینفورمیشن می‌تواند باورهای دینی را تحریف و تضعیف کرده و خلاقیت هنری را به سمت تجاری‌سازی سوق دهد، در حالی که رسانه‌ها نقش واسطه‌ای کلیدی در انتشار این محتواها ایفا می‌کنند. نتایج حاکی از آن است که افزایش سواد رسانه‌ای، تقویت ارزش‌های دینی و هنری می‌تواند به عنوان سپری در برابر این تهدیدات عمل کند. این مقاله بر لزوم سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و توسعه ابزارهای دفاعی هوش مصنوعی، رویکردهای چندرشته‌ای برای حفظ هویت دینی و هنری در برابر جنگ شناختی تأکید دارد تا اثرات منفی را کاهش دهد و جوامع بتوانند بدون اینکه هویت فرهنگی و دینی‌شان آسیب ببیند، از مزایای فناوری بهره ببرند.

واژگان کلیدی
#جنگ شناختی #هوش مصنوعی مولد #رسانه‌های دیجیتال #مدیریت افکار عمومی #سواد رسانه‌ای #دیپ‌فیک #دیس‌اینفورمیشن

سواد هوش مصنوعی برای نسل آلفا: بازاندیشی سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در عصر هوش مصنوعی

حسین حسنی
استادیار مطالعات فضای مجازی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
hassani@ricac.ac.ir

گسترش سریع هوش مصنوعی مولد، رابطه انسان با اطلاعات، رسانه و دانش را دستخوش تغییر کرده و ضرورت بازاندیشی در مفهوم سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی را افزایش داده است. این تحول برای نسل آلفا اهمیت ویژه‌ای دارد. نسل آلفا به نسلی گفته می‌شود که تقریباً از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۵ متولد شده‌اند و نخستین نسلی هستند که از سال‌های ابتدایی زندگی در محیطی کاملاً دیجیتال و در حال ظهورِ هوش مصنوعی رشد می‌کنند. برخلاف نسل‌های پیشین که فناوری دیجیتال را در طول زندگی خود تجربه و فرا گرفتند، برای نسل آلفا فناوری‌هایی مانند تلفن هوشمند، شبکه‌های اجتماعی، پلتفرم‌های دیجیتال و دستیارهای هوشمند بخشی عادی از محیط زندگی و یادگیری محسوب می‌شوند. این نسل در محیطی رشد می‌کند که هوش مصنوعی به‌تدریج از یک فناوری تخصصی به بخشی از زندگی روزمره، آموزش، رسانه و ارتباطات تبدیل می‌شود. نسل آلفا نسلی است که تجربه رشد و یادگیری آن با حضور مستمر هوش مصنوعی همراه خواهد بود و در کنار فرصت‌هایی همچون آموزش شخصی‌سازی‌شده و گسترش خلاقیت، با چالش‌هایی نظیر سوگیری الگوریتمی، حریم خصوصی و وابستگی به فناوری مواجه است. این مقاله با رویکردی مفهومی - تحلیلی، به بازتعریف «سواد هوش مصنوعی» برای نسل آلفا می‌پردازد و استدلال می‌کند که سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در عصر هوش مصنوعی نمی‌تواند صرفاً به توانایی دسترسی، ارزیابی و تولید اطلاعات محدود باشد. در این شرایط، افراد باید علاوه بر مهارت‌های سنتی سواد رسانه‌ای، توانایی شناخت سازوکار و محدودیت‌های هوش مصنوعی، ارزیابی انتقادی خروجی‌های آن، تشخیص سوگیری و محتوای مصنوعی، حفاظت از داده‌های شخصی، درک رابطه میان داده، الگوریتم و خروجی و حفظ استقلال فکری و قضاوت انسانی را نیز کسب کنند. تأکید بر گذار از آموزش حافظه‌محور به سوی تفکر انتقادی، خلاقیت، حل مسئله و استدلال اخلاقی، اهمیت این تحول را برای نسل آلفا دوچندان می‌کند. در نهایت، مقاله پیشنهاد می‌کند سواد هوش مصنوعی به‌عنوان مؤلفه‌ای جدید و ضروری از سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در نظر گرفته شود؛ سوادی که هدف آن صرفاً توانایی استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی نیست، بلکه پرورش توانایی تعامل آگاهانه، انتقادی، مسئولانه و خلاقانه با این فناوری و حفظ عاملیت انسانی در محیط‌های هوشمند است.

واژگان کلیدی
#سواد هوش مصنوعی #نسل آلفا #سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی #هوش مصنوعی مولد

کنشگری شناختی مردم در مواجهه با محتوای تولیدشده با هوش مصنوعی: خوانشی دوفضایی از بازتولید روایت در جنگ شناختی

لیلا حسین‌پور
پژوهشگر مستقل، تهران، ایران
leyli.hosseinpoor123@gmail.com

در بستر دوفضایی‌شدن جهان، کنشگری شناختی مردم در مواجهه با محتوای تولیدشده با هوش مصنوعی، به یکی از متغیرهای بنیادین در پویایی میدان‌های نوظهور جنگ شناختی بدل شده است. دوفضایی‌شدن بر هم‌زیستی هم‌زمان سوژه در دو قلمرو فیزیکی و دیجیتال تأکید دارد؛ وضعیتی که سازوکارهای ادراک و شکل‌گیری باورها را تحت تأثیر تعاملات میان‌فضایی قرار می‌دهد. در چنین ساختاری، محتوای هوش مصنوعی نه صرفاً یک «شیء اطلاعاتی»، بلکه یک «کنشگر روایتی» است که در چرخه‌های روایت‌سازی مداخله می‌کند. این پژوهش با بهره‌گیری از چارچوب‌های مطالعات شناختی، تحلیل روایت و سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی، الگوهای کنشگری مردم را واکاوی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد کنشگری شناختی کاربران تابع سه سازوکار است: هم‌ترازی شناختی، سوگیری‌های شناختی تقویت‌شده توسط الگوریتم‌ها، و سواد شناختی به‌عنوان لایه‌ای تکمیلی از سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی. تحلیل‌ها نشان می‌دهد محتوای هوش مصنوعی با تولید روایت‌های هم‌ریخت با الگوهای ذهنی کاربران، چرخه‌های بازتولید روایت را در میدان‌های مناقشه‌آمیز تسریع می‌کند. این مطالعه پیشنهاد می‌کند چارچوب‌های سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی باید به سمت توسعه «سواد شناختی» حرکت کنند.

واژگان کلیدی
#جنگ شناختی #دوفضایی‌شدن #سواد شناختی #سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی #هوش مصنوعی #روایت‌سازی

واکسیناسیون شناختی در برابر اطلاعات نادرست: مرور دامنه‌ای مکانیسم‌ها، راهبردهای مداخله‌ای و عوامل مؤثر بر مقاومت شناختی

یوسف خدابنده‌لو
دکتری روانشناسی
y.khodabande@gmail.com

گسترش اطلاعات نادرست در محیط‌های دیجیتال، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی، تهدیدی جدی برای تصمیم‌گیری آگاهانه و سلامت شناختی افراد محسوب می‌شود. در سال‌های اخیر، «واکسیناسیون شناختی» یا مایه‌کوبی روان‌شناختی به‌عنوان رویکردی پیشگیرانه برای افزایش مقاومت افراد در برابر اطلاعات نادرست مورد توجه قرار گرفته است. با وجود افزایش مطالعات در این حوزه، تنوع قابل توجهی در مبانی نظری، شیوه اجرای مداخلات، مکانیسم‌های اثرگذاری و پیامدهای ارزیابی‌شده وجود دارد. هدف مطالعه حاضر، ترسیم دامنه شواهد موجود درباره مکانیسم‌ها، راهبردهای مداخله‌ای و عوامل مؤثر بر اثربخشی واکسیناسیون شناختی در برابر اطلاعات نادرست است. این پژوهش به روش مرور دامنه‌ای انجام خواهد شد. مطالعات مرتبط با مداخلات مبتنی بر نظریه مایه‌کوبی برای افزایش مقاومت در برابر اطلاعات نادرست، در گروه‌های سنی مختلف و در زمینه‌های گوناگون، با تمرکز بر محیط‌های دیجیتال، جست‌وجو و بررسی خواهند شد. داده‌ها بر اساس ویژگی‌های نمونه، نوع اطلاعات نادرست، قالب و محتوای مداخله، مؤلفه‌های نظری مایه‌کوبی، مکانیسم‌های روان‌شناختی، پیامدهای مورد سنجش و عوامل تعدیل‌کننده استخراج و طبقه‌بندی خواهند شد. با توجه به ماهیت مرور دامنه‌ای، یافته‌ها بر شناسایی و طبقه‌بندی الگوهای موجود در ادبیات متمرکز خواهند بود. به‌طور ویژه، نقش مؤلفه‌هایی همچون هشدار قبلی، مواجهه با استدلال‌های تضعیف‌شده، آموزش تکنیک‌های دستکاری، استدلال مغایر و پردازش انتقادی بررسی خواهد شد. همچنین مداخلات منفعل و فعال، از جمله آموزش‌های ویدئویی، مداخلات تعاملی و بازی‌محور، مقایسه و شکاف‌های موجود در شواهد شناسایی خواهند شد. این مرور با فراتر رفتن از بررسی صرف اثربخشی واکسیناسیون شناختی، به دنبال تبیین این موضوع است که چه مؤلفه‌هایی، از طریق چه مکانیسم‌هایی و تحت چه شرایطی، موجب ایجاد مقاومت در برابر اطلاعات نادرست می‌شوند. نتایج می‌تواند به تدوین یک چارچوب جامع برای طراحی مداخلات واکسیناسیون شناختی مبتنی بر شواهد و توسعه برنامه‌های ارتقای سواد رسانه‌ای و تاب‌آوری شناختی در محیط‌های دیجیتال کمک کند.

واژگان کلیدی
#واکسیناسیون شناختی #نظریه مایه‌کوبی #اطلاعات نادرست #مقاومت شناختی #پیش‌خنثی‌سازی #سواد رسانه‌ای #تاب‌آوری شناختی #رسانه‌های دیجیتال

از اقناع الگوریتمی تا عاملیت شناختی: چارچوبی انسان‌محور برای تعامل انسان و هوش مصنوعی مولد

نویده خدائی (نویسنده مسئول)
کارشناسی ارشد مهندسی فناوری اطلاعات و مدیریت، دانشگاه صنعتی امیرکبیر
navideh.kh@gmail.com

سید محمد حسن الهی
کارشناسی ارشد مهندسی کامپیوتر- معماری کامپیوتر، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز
mohammad.ela@gmail.com

ظهور هوش مصنوعی مولد، تعامل انسان و ماشین را از یک رابطه صرفاً فناورانه به تعاملی پویا و دوسویه تبدیل کرده است. سامانه‌های هوشمند با قابلیت تولید محتوای شخصی‌سازی‌شده و پاسخ‌های اقناع‌کننده، می‌توانند بر توجه، ادراک، قضاوت و تصمیم‌گیری انسان اثرگذار باشند. ازاین‌رو، در کنار فرصت‌های ناشی از همکاری انسان و هوش مصنوعی، مسئله حفظ عاملیت شناختی و استقلال تصمیم‌گیری انسان در برابر اقناع الگوریتمی اهمیت فزاینده‌ای یافته است. پژوهش حاضر با هدف ارائه چارچوبی انسان‌محور برای تبیین و حکمرانی رابطه میان اقناع مبتنی بر هوش مصنوعی، تعامل انسان-هوش مصنوعی و عاملیت شناختی انسان انجام شده است. این پژوهش با رویکرد مفهومی و با بهره‌گیری از تحلیل ادبیات و تلفیق مفاهیم مرتبط با اقناع، تعامل انسان-ماشین، عاملیت انسانی، حکمرانی الگوریتمی و زیست‌بوم‌های اطلاعاتی، به طراحی یک چارچوب مفهومی می‌پردازد. چارچوب پیشنهادی، زیست‌بوم تعامل انسان-هوش مصنوعی را در چند سطح شامل قابلیت‌های هوش مصنوعی مولد، تعامل و اقناع الگوریتمی، فرایندهای شناختی انسان و عاملیت شناختی در نظر می‌گیرد. در این چارچوب، انسان کاربر منفعل فناوری نیست، بلکه کنشگری فعال و تصمیم‌گیر است که از طریق تفکر نقاد، فراشناخت و ارزیابی آگاهانه خروجی‌های هوش مصنوعی، نقش خود را در فرایند تصمیم‌گیری حفظ می‌کند. همچنین، حکمرانی داده، شفافیت الگوریتمی، قابلیت توضیح‌پذیری و سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی به‌عنوان سازوکارهای پشتیبان عاملیت انسانی در نظر گرفته می‌شوند. چارچوب پیشنهادی بر طراحی تعاملاتی تأکید دارد که قابلیت اقناعی هوش مصنوعی را در راستای تقویت توانمندی شناختی انسان، نه جایگزینی قضاوت او، به کار می‌گیرند. حفظ عاملیت شناختی در عصر هوش مصنوعی مولد مستلزم رویکردی فراتر از کنترل محتوا و مقابله با اطلاعات نادرست است. معماری یک زیست‌بوم انسان‌محور که در آن قابلیت‌های هوش مصنوعی، سازوکارهای حکمرانی و ظرفیت‌های شناختی انسان به‌صورت یکپارچه در نظر گرفته شوند، می‌تواند مبنایی برای شکل‌دهی به تعاملات مسئولانه و تاب‌آور انسان- ماشین در زیست‌بوم‌های شناختی آینده فراهم کند.

واژگان کلیدی
#هوش مصنوعی مولد #اقناع الگوریتمی #عاملیت شناختی #تعامل انسان-هوش مصنوعی #حکمرانی الگوریتمی #زیست‌بوم اطلاعاتی انسان‌محور

مبانی نظری روش‌های مقابله با اشکال مدرن جنگ اطلاعاتی

محمدرضا دهشیری
استاد تمام دانشکده روابط بین الملل وزارت امورخارجه
mohammadreza_dehshiri@yahoo.com

این پژوهش به بررسی تحلیل جامع اشکال مدرن جنگ اطلاعاتی در بستر دیجیتال شدن و به‌هم‌پیوستگی جهانی اختصاص دارد. هدف این پژوهش بررسی بنیان‌های نظری، ابزارهای کلیدی نفوذ و روش‌های فنی شناسایی و خنثی‌سازی تهدیدات اطلاعاتی است. مسئله این است که در عصر دیجیتال، چالش‌های ناشی از جنگ اطلاعاتی نیازمند شناخت دقیق و همه‌جانبه ابزارهای آن است. سوال اصلی پژوهش این است که مبانی نظری، ابزارهای کلیدی نفوذ اطلاعاتی و روش‌های فنی شناسایی و خنثی‌سازی تهدیدات اطلاعاتی کدامند. بر اساس این مسئله، فرضیه پژوهش بیان می‌کند که استفاده از روش‌های پیشرفته پردازش سیگنال دیجیتال، هوش مصنوعی و تحلیل سیستماتیک اسناد می‌تواند به توسعه فناوری‌های نظارت و ارتقای استراتژی‌های امنیت سایبری ملی کمک کند. چارچوب نظری این پژوهش بر پایه بنیادهای نظری شامل خطاهای شناختی، مدل‌های ارتباط جمعی، نظریه‌های شبکه‌ای و مفاهیم کد فرهنگی بنا شده است. روش پژوهش به صورت سیستماتیک و تحلیلی است که مبتنی بر تحلیل ۵۹۲ مقاله منتخب از پایگاه‌های بین‌المللی اسکوپوس، وب آو ساینس و گوگل اسکالر (متمرکز بر پژوهش‌های سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵) و همچنین اسناد حقوقی و قانونی انجام شده است. نتایج و یافته‌ها نشان می‌دهد که ابزارهای نفوذ شامل اطلاعات نادرست، بات‌نت‌ها، دیپ‌فیک‌ها و راهبردهای میم‌وار هستند و روش‌های فنی شناسایی شامل کانولوشن‌های دیجیتال جزئی، تبدیل‌های فوریه-گالوا، سیستم‌های اعداد باقی‌مانده و محاسبات در ساختارهای جبری متناهی است که می‌توان از آنها در توسعه فناوری‌های مانیتورینگ و استراتژی‌های امنیت سایبری استفاده کرد.

واژگان کلیدی
#جنگ اطلاعاتی #اطلاعات نادرست #سوگیری‌های شناختی #پردازش سیگنال دیجیتال

گونه‌شناسی روایت‌های «بی‌اف‌ام‌تی‌وی» (BFMTV) در جنگ ۱۲ روزه (ژوئن ۲۰۲۵)

ساره رستمی (نویسنده مسئول)
دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات فرانسه دانشکده مطالعات جهان،دانشگاه تهران، تهران، ایران
sarehrostami14@gmail.com

هادی دولت‌آبادی
هیئت علمی گروه مطالعات فرانسه دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران
hadi.dolatabadi@ut.ac.Ir

زهرا داورپناه
استاد مدعو گروه مطالعات فرانسه دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران
davarpanah.zahra@yahoo.com

در عصر اطلاعات و ارتباطات دیجیتال، «جنگ روایت‌ها» به موازات جنگ‌های نظامی، به عرصه‌ای تعیین‌کننده برای کسب مشروعیت و شکل‌دهی به افکار عمومی تبدیل شده است. در میان شبکه های فرانسوی زبان، شبکه «BFMTV » به‌عنوان پربیننده‌ترین شبکه خبری تلویزیونی فرانسه، نقشی بی‌بدیل در بازنمایی مناقشات بین‌المللی ایفا می‌کند. این پژوهش با هدف گونه‌شناسی روایت‌های این شبکه از پوشش خبری جنگ ۱۲ روزه (۲۵-۱۳ ژوئن ۲۰۲۵) انجام شده است. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با بهره‌گیری از تحلیل روایت و کدگذاری موضوعی به بررسی ۱۵ گزارش تصویری و متون خبری جنگ ۱۲ روزه در وب‌سایت رسمی این شبکه پرداخته است. تحلیل داده‌ها به شناسایی چهار گونه‌ی روایی مسلط در این شبکه منجر شد: روایت خشونت‌محور درون‌نگر با تمرکز بر قربانیان اسرائیلی و بازنمایی اسرائیل به‌عنوان «قهرمان مظلوم»؛ روایت سیاسی-دیپلماتیک برون‌نگر با تأکید بر تهدید ایران برای نظم جهانی و پیشنهاد تحریم‌ها؛ روایت تهدید وجودی با معرفی ایران به‌عنوان «تهدید تمدنی» و پیشنهاد اقدام نظامی پیش‌دستانه؛ روایت نگاه شاهد با لحنی به‌ظاهر بی‌طرفانه اما با تأکید بر تلفات اسرائیلی و نادیده‌گرفتن تلفات ایرانی/فلسطینی. یافته‌ها نشان می‌دهد که راهکار اخلاقی پیشنهادی در گونه‌های خشونت‌محور، عمدتاً «دفاع مشروع اسرائیل» و در گونه‌های سیاسی-دیپلماتیک، «تحریم و فشار سیاسی» بوده است. برخلاف ادعای بی‌طرفی، بی اف ام تی وی از چارچوب روایی «خود-دیگری متضاد» پیروی می‌کند که در آن، اسرائیل به‌عنوان «مدافع تمدن غرب» و ایران به‌عنوان «تهدیدکننده‌ی نظم جهانی» بازنمایی می‌شوند. این الگو در هر چهار گونه‌ی روایی، به‌صورت متفاوت اما با ساختاری ثابت، تکرار می‌شود.

واژگان کلیدی
#جنگ روایت‌ها# BFMTV# جنگ ۱۲ روزه #گونه‌شناسی روایت‌ها

حافظه جمعی و عاملیت شناختی در ز یست‌بوم اطلاعاتی پلتفرمی: بازخوانی هالبواکس در برابر سازِکارهای الگوریتمی

زهرا سادات روح‌الامین
دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران
zahrasadatr90@gmail.com

محمد آقاسی
دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی
mohammad.aghasi61@gmail.com

حافظه جمعی، به تعبیر کلاس یک هالبواکس، محصول چارچوب‌های اجتماعی است که از طریق آنها گروه‌ها گذشته مشترك خود را بازسازی، تفسیر و بازتولید می‌کنند. ارچوب‌هایی که به‌طور سنتی بر نهادهای اجتماعی همانند خانواده، د ین، طبقه و تعامل مستقیم میان اعضای گروه استوار بوده‌اند. این مقاله استدلال می‌کند که گسترش زیست بوم اطلاعاتی پلتفرمی، این چارچوب‌های اجتماعیِ حافظه را با یک لایه میانجی تازه یعنی سازِکارهای الگوریتمی، مواجه کرده است. سازِکارهایی که از طر یق توصیه، برجسته‌سازی، و رؤیت‌پذیری منتخب، در تعیین اینکه چه بخشی از گذشته یا رویداد جاری به عنوان امر مشترك و به خاطرماندنی شناخته شود، نقشی فعال و پیشتر ناشناخته ایفا می‌کنند. مقاله، به جای اتکا به مفاهیم رسانه‌ای پرتکرار و فاقد ریشه علمی روشن، نظیر آنچه در ادبیات سیاستگذاری ایرانی به عنوان مرجعیت رسانه‌ای رواج یافته، بی‌آنکه معادل دقیقی در ادبیات علمی بین‌المللی داشته باشد، مساله را از منظر عاملیت شناختی بازخوانی می‌کند. پرسش اصلی این است که در غیاب یک مرجع واحد و در حضور چندگانگی بازیگران الگوریتمی، عاملیت شناختی کنشگران، توانایی آنها در تفسیر مستقل، گزینش و معنابخشی به گذشته و اکنون، چگونه بازآرایی می‌شود. با تلفیق چارچوب هالبواکسی حافظه جمعی و ادبیات معاصر مطالعات پلتفرمی، این مقاله دو گزاره را صورت‌بندی خواهد کرد. نخست، الگوریتم‌ها جایگزین کارکردی نهادهای کلاس یک حافظه جمعی نشده‌اند، بلکه منطق شکل‌گیری آنها را بازتعریف کرده‌اند. دوم، این بازتعریف، عاملیت شناختی کنشگران را نه لزوماً تضعیف، بلکه در برابر صورت‌های تازه‌ای از وابستگی و جهت‌دهی نامرئی قرار می‌دهد. مقاله با ارائه پیشنهادهایی برای بازتعریف سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی، نه در سطح ارزیابی فردی محتوا، بلکه در سطح فهم سازِکارهای جمعی شکل‌گیری شناخت، به پایان می رسد.

واژگان کلیدی
#حافظه جمعی #عاملیت شناختی #زیست‌بوم اطلاعاتی پلتفرمی #سازِکارهای الگوریتمی #سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی

نبرد روایت‌ها بر سر تعریف مسئله فرزندآوری در ایران: تحلیل روایت‌های رقیب درباره زن، خانواده و مسئولیت سیاست‌گذار

انسیه روستایی
کارشناس ارشد مدیریت و برنامه‌ریزی شهری
rusta.ensieh@gmail.com

سیاستگذاری جمعیتی در ایران طی دهه اخیر از سطح توجه به روندهای جمعیت شناختی به سطحی گسترده‌تر از سیاستگذاری اجتماعی، فرهنگی و نهادی ارتقا یافته است. در این فرایند، کاهش باروری صرفاً به عنوان یک تغییر آماری مطرح نبوده، بلکه در قالب روایتی سیاستی درباره آینده جمعیت، خانواده، زنان و مسئولیت‌های دولت بازتعریف شده است. پژوهش حاضر با هدف تحلیل چگونگی صورت‌بندی و تحول این روایت‌های سیاستی و بررسی فرایند رقابت، غلبه و نهادینه‌شدن آنها، به این پرسش پاسخ می‌دهد که روایت‌های سیاستی درباره کاهش باروری در ایران چگونه صورت‌بندی شده‌اند و در مسیر تبدیل مسئله جمعیتی به سیاست، قانون و اجرا، چگونه تحول یافته‌اند؟ پژوهش با رویکرد کیفی و روش مطالعه موردی طولی، اسناد سیاستی، قانونی، اجرایی و ارزیابی مرتبط با سیاست جمعیتی ایران در فاصله سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۲ را با استفاده از چارچوب روایت سیاستی (مکبث و جونز، ۲۰۱۰) تحلیل کرده است. مفهوم «مهندسی روایت» نیز به عنوان مفهوم تحلیلی مکمل، برای توضیح فرایندی به کار رفته است که طی آن تعریف مسئله، روابط علّی، بازیگران، مسئولیت‌ها و راه‌حل‌های سیاستی در یک صورت‌بندی منسجم به یکدیگر متصل و در ساختار سیاست رسمی تثبیت می‌شوند. یافته‌ها نشان می‌دهد نخست، کاهش باروری از یک روند جمعیت‌شناختی به مسئله‌ای مرتبط با آینده جمعیت و توان ملی بازتعریف شده است؛ دوم، روایت‌های علّی رقیبی درباره نقش عوامل اقتصادی ـ ساختاری، فرهنگی ـ ارزشی و نحوه مداخله سیاستی شکل گرفته‌اند؛ سوم، روایت غالب از سطح سیاست‌های کلی به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت انتقال یافته و نهادینه شده است؛ چهارم، با ورود سیاست به مرحله اجرا، میدان نبرد روایت‌ها از تعر یف مسئله و راه‌حل به ارزیابی عملکرد، انتساب مسئولیت و شکاف میان سیاست و اجرا تغییر کرده است؛ و پنجم، زنان در مرکز موضوعی سیاست جمعیتی قرار گرفته‌اند، اما این مرکزیت الزاماً به معنای حضور آنان به عنوان فاعلان مستقل در تولید و صورت‌بندی روایت سیاستی نبوده است. بر این اساس، پژوهش سیاست جمعیتی ایران را نه به عنوان فرایندی خطی، بلکه به مثابه چرخه‌ای روایی از صورتبندی مسئله، رقابت روایت‌ها، نهادینه‌شدن، اجرا و بازروایت تبیین می‌کند. این یافته، اهمیت عاملیت اجتماعی در فرایندهای روایی سیاستگذاری را برجسته می‌سازد و نشان می‌دهد که در سیاست عمومی، «درباره مردم سیاستگذاری کردن« لزوماً به معنای «با مردم سیاستگذاری کردن» نیست.

واژگان کلید ی
#نبرد روایت‌ها #مهندسی روایت #چارچوب روایت سیاستی #سیاست جمعیتی
#کاهش باروری #سیاستگذاری اجتماعی #عاملیت زنان

دفاع ملّی و عاملیت رسانه‌های محلی در شرایط جنگی و بحرانی

مسعود زمانی مقدم
دکتری جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه لرستان
zamanimoghadam.ms@lu.ac.ir

در زمانه‌ای که جنگ رسانه‌ای و شناختی بیش‌ازپیش بروز و ظهور یافته است، این امکان برای گفتمان‌هان بیگانهٔ متخاصم و ایران‌ستیز فراهم می‌شود تا با بهره‌گیری از شکاف و بی‌اعتمادی ایجادشده میان نهادهای رسانه‌ای رسمی (به‌ویژه صداوسیما) و جامعهٔ مدنی، درصدد انجام عملیات رسانه‌ای در جهت تضعیف هویت ایرانی و اسلامی و ایجاد چالش‌های امنیتی شوند. در این جستار استدلال می‌شود که رسانه‌های محلی که عمدتاً ماهیتی غیررسمی دارند و در پلتفرم‌های گوناگون اعم از شبکه‌های اجتماعی و وب‌سایت‌های خبری و فرهنگی فعالیت می‌کنند، به‌دلیل پیوند عمیق با زیست‌جهان عینی و ملموس مخاطبان، این ظرفیت را دارند که کنشگرانی مهم برای تقویت ارگانیک پایداری اجتماعی و واکسیناسیون شناختی جامعه در مواقع بحرانی باشند. در واقع، برخلاف رسانه‌های متمرکز که با رویکردهای دستوری با بحران مواجه می‌شوند، رسانه‌های محلی به‌واسطهٔ اعتماد ریشه‌دار و درک بومی از واقعیت‌ها، می‌توانند پایداری اجتماعی را نه با مهندسی صرف افکار عمومی، بلکه از طریق تسهیل گفتگو و مشارکت‌جویی همدلانه تقویت کنند. در جنگ‌های دوازده‌روزه و چهل‌روزه تا حدی شاهد نقش‌آفرینی رسانه‌های محلی در دفاع ملّی بودیم، اگرچه قطعی و فیلترینگ اینترنت موانعی در این زمینه ایجاد کرد. به هر حال، به‌لحاظ سیاست‌گذاری، ضمن تأکید بر لزوم حفظ استقلال نسبی رسانه‌های محلی به‌عنوان شرط بقای سرمایهٔ اجتماعی این رسانه‌ها، پیشنهاد می‌شود که دولت به جای مدیریت آمرانه، نقش پشتیبان ساختاری را در قبال این رسانه‌ها ایفا کند. از این منظر، تخصیص حمایت‌های مالی مستمر و شفاف دولت به رسانه‌های محلی، نه به‌معنای وابستگی سیاسی آن‌ها، بلکه به‌عنوان سرمایه‌گذاری راهبردی برای حفظ یکپارچگی ملّی و تقویت ساختارهای دفاع شناختی در مواقع بحرانی از جمله در زمان جنگ و اعتراضات و شورش‌های خیابانی است. به‌عبارتی‌دیگر، پیشنهاد می‌شود دولت به جای نادیده‌گرفتن رسانه‌های محلی، آنها را در فضایی آزادانه بر اساس منافع و هویت ملّی سازماندهی و مدیریت کند. در نهایت، می‌توان الگوی ائتلاف غیرمتمرکز شناختی را صورت‌بندی کرد که در آن رسانه‌های محلی، با تکیه بر استقلال عملکردی و حمایت‌های ساختاری، در شرایط بحرانی به سنگرهای شناختی در دفاع از هویت ایرانی و اسلامی و ثبات ارگانیک جامعه تبدیل می‌شوند.

واژگان کلیدی
#جنگ شناختی #رسانه‌های محلی #پدافند شناختی #استقلال رسانه‌ای #هویت ملّی

سینما به‌مثابه رسانه‌ای برای مهندسی روایت و بازنمایی نبرد روایت‌ها (مطالعه موردی فیلم‌های نمایش ترومن و راشومون)

پیام زین‌العابدینی
استادیار گروه موسیقی، پردیس هنرهای نمایشی و زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران
payam.zinalabedin@ut.ac.ir

سینما به عنوان یکی از قدرتمندترین ابزارهای میانجی‌گر، همواره نقشی محوری در برساخت واقعیت و مدیریت ادراک مخاطب ایفا کرده است. مفهوم «مهندسی روایت» به معنایِ فرآیندِ طراحیِ سازمان‌یافتهء حقیقت توسط ساختارهای قدرت یا رسانه، و «نبرد روایت‌ها» به معنایِ تقابلِ چشم‌اندازهای متکثر و اغلب متعارض بر سرِ یک رخداد واحد است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و رویکردی تطبیقی، به واکاوی مکانیسم‌هایِ تولیدِ معنا در سینما با تمرکز بر دو فیلم نمایش ترومن (پیتر ویر) و راشومون (آکیرا کوروساوا) می‌پردازد. نمایش ترومن به عنوان نمونه‌ای از «مهندسی روایتِ سیستماتیک» واکاوی می‌شود؛ جایی که دستگاه رسانه‌ای با سیطره بر محیط و زیست‌جهانِ سوژه، واقعیت را از پیش طراحی و کنترل می‌کند. در مقابل، راشومون به عنوان الگویی از «نبرد روایت‌ها» و شکافِ هستی‌شناختی میان حقیقتِ عینی و تفسیرِ سوژه‌محور بررسی می‌گردد؛ جایی‌که حقیقت در میانِ منافع و انگیزه‌های شخصی راویان، متکثر و مخدوش می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در حالی‌که فیلمِ ویر بر قدرتِ تامِ «ماشینِ روایی» در تحمیلِ حقیقت به مخاطبِ منفعل تأکید دارد، فیلمِ کوروساوا بر ناتوانیِ مدیوم در تثبیتِ حقیقتی یگانه و سیالیتِ دائمِ روایت‌های متقاطع دلالت می‌کند. در نهایت، این مقاله استدلال می‌کند که سینما هم‌زمان ابزاری برای فریبِ ساختارمند و رسانه‌ای برای افشاگریِ نسبیت‌گراییِ بنیادین در جهانِ مدرن است.

واژگان کلیدی
#سینمای رسانه‌ای #مهندسی روایت #نبرد روایت‌ها #برساخت واقعیت #نمایش ترومن #راشومون

عاملیت انسانی در منازعات ادراکی نوین انسان و ماشین با تأکید بر سواد رسانه‌ای

ماندانا سجادی
عضو هیأت علمی گروه مطالعات جهانی و فرامنطقه‌ای، دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، تهران، ایران
sajjadi.m@ut.ac.ir

منیژه اخوان
پژوهشگر مرکز پژوهشی سیاست‌های فضای مجازی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
m_akhavan@ut.ac.ir

امروزه بیش از هر زمانی در پیشینه بشر، شاهد این هستیم که شناخت و ادراک انسانی به عرصه منازعات قدرت تبدیل شده است. رسانه‌های دیجیتال نوین که بر اساس قواعد دستور زبانی دیجیتال، ازجمله سادگی بصری، قاب‌بندی آماری هیجانی، شخصی‌سازی محاسباتی و دوگانه‌سازی ترکیبی تعاملی کار می‌کنند، جریان داده‌ها را به شکل متفاوتی از رسانه‌های کلاسیک کنترل و بازتوزیع می‌کنند و با نحو خاصی از صورتبندی داده‌ها از خلال الگوریتم‌ها، اهداف مالکان آنها را در قامتِ پاسخ‌های منطبق با سازوکار شناختی انسان و به شکل گزاره‌های عقل سلیم تأمین می‌نماید. انسان گرفتار در کانون این پیکربندی‌ها گویی بی‌دفاع‌تر از گذشته است. محتواهای دارای بار اطلاعاتی اندک و هنجارسازی‌های الگوریتمی و در عین حال، توانایی تحریک هیجانی بالا، سازوکارهای عصب‌شناختی پیشاشناختی و عمدتاً عاطفی انسان (سیستم پردازش سریع) را هدف قرار داده و با محصور کردن کاربر در الزمات اجتماعی همنوایی شناختی، سوژه را به انقیاد الگوریتم در می‌آورد. در چنین فضایی، سواد رسانه‌ای که منتج به خنثی‌سازی شگردهای جنگ شناختی شود، بیش از پیش اهمیت یافته است. بنابراین پرسش اصلی این پژوهش این است که قواعد الگوریتمی رسانه‌های دیجیتال در پیوند با آسیب‌پذیری‌های عصب‌شناختی انسان، چگونه منجر به فرسایش عاملیت و انقیاد سوژه می‌شوند و چطور می‌تواند یک الگوی سواد رسانه‌ای جایگزین برای محافظت از سامانه‌های ادراکی انسان در برابر این شرایط طراحی کرد؟ استدلال اصلی مقاله این است که این الگوی سواد رسانه ای نوین باید مبتنی بر کنترل هیجانی مبتنی بر مختصات عصب‌شناختی انسان و در نظر گرفتن قواعد الگوریتمی طراحی شود که بتواند عاملیت را به سوژه بازگرداند. به منظور نشان دادن صحت این ادعا از ترکیبی از روش‌های تحلیل انتقادی رسانه و حکمرانی شناختی در کنار تحلیل مضمون انتقادی اسناد بالادستی مرتبط با سواد رسانه‌ای استفاده می‌شود. درمجموع به‌عنوان نتیجه‌گیری به نظر می‌رسد که یک دفاع شناختی کارآمد مستلزم یک مدل چهارسطحی است که بتواند همزمان سادگی بصری را از طریق قضاوت تأخیری؛ قاب‌بندی هیجانی را از طریق بازتنظیم‌گری کنترل هیجانی؛ شخصی‌سازی محاسباتی و حباب فیلتر را از طریق ارتقا آگاهی انتقادی و آموزش رفتار الگوریتم‌شکن؛ و سرانجام دوگانگی ترکیبی تعاملی را با ارتقای سوژگی انسانی در نقطه تلاقی کنشگری مجازی و فیزیکی تنظیم و تعدیل کند. این الگو می‌تواند زمینه‌ساز طراحی یک دفاع شناختی در برابر جنگ‌های شناختی پیش رو باشد.

واژگان کلیدی
#سواد الگوریتمی #دفاع شناختی #دستور زبان دیجیتال #جنگ شناختی

واکسیناسیون شناختی در محیط ارتباطی دیجیتال: طراحی الگوی چندسطحی پیش‌افشاگری برای افزایش مقاومت مخاطبان در برابر پیام‌های دستکاری‌شده

محمدحسین شعاعی
استادیار گروه ارتباطات و رسانه، دانشکده فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران
mhshoaee1392@gmail.com

تحول محیط ارتباطی دیجیتال و گسترش هوش مصنوعی مولد، امکان تولید و انتشار پیام‌های دستکاری‌شده را از نظر سرعت، مقیاس، جذابیت و قابلیت هدف‌گیری مخاطب به‌طور چشمگیری افزایش داده است. در این شرایط، راهبردهای متعارف مقابله با اطلاعات گمراه‌کننده که عمدتاً بر شناسایی، تکذیب و اصلاح پیام پس از انتشار استوارند، با محدودیت مواجه‌اند. پژوهش حاضر با تمرکز بر دانش ارتباطات، به دنبال تبیین «واکسیناسیون شناختی» به‌عنوان یک راهبرد ارتباطی پیشگیرانه و طراحی الگویی برای «پیش‌افشاگری» در برابر پیام‌های دستکاری‌شده است. پژوهش با رویکرد کیفی و روش تحلیل مفهومی، ادبیات مرتبط با نظریه واکسیناسیون، مقاومت در برابر اقناع، دانش اقناعی، چارچوب‌بندی و ارتباطات دیجیتال را تحلیل می‌کند. یافته‌های پژوهش در قالب الگویی سه‌سطحی شامل پیام، رسانه/شبکه و مخاطب سازمان‌دهی شده است. در این الگو، پیش‌افشاگری از طریق پیش‌آگاهی مخاطب نسبت به تهدید ارتباطی، آموزش تکنیک‌های دستکاری و اقناع، مواجهه کنترل‌شده با نمونه‌های شبیه‌سازی‌شده، تقویت توانایی ارزیابی منبع، محتوا و زمینه انتشار، و افزایش خودکارآمدی ارتباطی عمل می‌کند. بر اساس مدل پیشنهادی، هدف واکسیناسیون شناختی صرفاً افزایش توانایی تشخیص «خبر جعلی» نیست، بلکه ایجاد مقاومت در برابر سازوکارهای ارتباطی تولید، قاب‌بندی، برجسته‌سازی و انتشار محتوای فریبنده است. پژوهش استدلال می‌کند که انتقال از «اصلاح پیام پس از مواجهه» به «مصون‌سازی مخاطب پیش از مواجهه» می‌تواند چارچوبی نو برای ارتباطات پیشگیرانه و ارتقای تاب‌آوری ارتباطی در محیط‌های رسانه‌ای متأثر از هوش مصنوعی فراهم آورد.

واژگان کلیدی
#واکسیناسیون شناختی #پیش‌افشاگری #مقاومت در برابر اقناع #ارتباطات پیشگیرانه #دستکاری اطلاعاتی #ارتباطات دیجیتال #تاب‌آوری ارتباطی

دیپلماسی نخبگانی در عصر جنگ شناختی؛ عاملیت جامعه دانشگاهی در شکستن ایزولاسیون شناختی از طریق رسانه‌های اجتماعی

محمدمهدی صادقی (نویسنده مسئول)
معاون دیپلماسی فناوری و نوآوری اندیشکده دیپلماسی ملل، دانشگاه تهران، تهران، ایران
mm.sadeghi.edu@gmail.com

سید محمدعلی سید حنایی
رئیس هیأت امنای اندیشکده دیپلماسی ملل، دانشگاه تهران، تهران، ایران
sm.alihanaee.edu@gmail.com

در عصر جهانی‌شدن و گسترش پرشتاب رسانه‌های جمعی، شبکه‌های اجتماعی نه تنها بستری برای ارتباطات عمومی، بلکه میدانی برای نبرد روایت‌ها و حکمرانی الگوریتمی هستند. در این میان، جریان‌های غالب رسانه‌ای اغلب با ایجاد «ایزولاسیون شناختی»، جوامع علمی و دانشگاهی را از یکدیگر منزوی کرده و روایت‌های یک‌جانبه‌ای را بر آنان تحمیل می‌کنند. با این حال، تقلیل دیپلماسی علمی صرفاً به همکاری‌های آکادمیک مرسوم یا «دیپلماسی نخبگان با نخبگان»، پاسخگوی چالش‌های ادراکی امروز نیست. این مقاله با بهره‌گیری از رویکرد تحلیلی و کیفی، ضرورت بازتعریف و توسعه مفهوم «سواد رسانه‌ای دیپلماتیک برای دانشگاهیان» را مورد واکاوی قرار می‌دهد؛ مفهومی که کنشگری علمی را فراتر از سطح نخبگانی، در یک ماتریس ارتباطی سه‌گانه شامل تعامل «نخبگان با نخبگان»، اثرگذاری «نخبگان بر جامعه» (روشنگری افکار عمومی) و به‌ویژه تسهیل تعاملات «جامعه با جامعه» (دیپلماسی شهروندی در شبکه‌های اجتماعی) تبیین می‌کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نخبگان دانشگاهی در صورتی که به سواد رسانه‌ای دیپلماتیک مجهز شوند، می‌توانند فراتر از اتاق‌های بسته آکادمیک، به عنوان «واکسن‌های شناختی» در برابر پروپاگاندا عمل کرده و تعاملات ارگانیک میان جوامع را در شبکه‌های اجتماعی تغذیه و جهت‌دهی کنند. این مقاله استدلال می‌کند که دیپلماسی علمیِ شبکه‌محور می‌تواند با شکستن مرزهای ساخته‌شده توسط الگوریتم‌های پلتفرم‌های فراملی، بستری برای مفاهمه میان‌فرهنگی و رهایی از ایزولاسیون شناختی فراهم آورد. در نهایت، راهکارهایی جهت ارتقای سواد رسانه‌ای دیپلماتیک نخبگان به‌منظور مقابله با روایت‌های جعلی و بازسازی تصویر ملی در زیست‌بوم‌های اجتماعی ارائه می‌گردد.

واژگان کلیدی
#دیپلماسی نخبگانی #سواد رسانه‌ای دیپلماتیک #ایزولاسیون شناختی #جنگ شناختی

از قدرت نرم تا جنگ شناختی: نقش انیمیشن‌های لگویی و میم‌های بصری در مهندسی روایت و شکل‌دهی به عاملیت شناختی

محمدمهدی صادقی (نویسنده مسئول)
اداره‌کل ترویج و توسعه خوشه‌های نوآوری، پارک فناوری پردیس
mm.sadeghi.edu@gmail.com

عبدالحسین کلانتری
استاد گروه جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران
abkalantari@ut.ac.ir

تحول محیط رسانه‌ای از رسانه‌های جمعی به زیست‌بوم‌های پلتفرمی، الگوریتمی و مبتنی بر هوش مصنوعی، منطق تولید و گردش روایت‌های سیاسی را دگرگون کرده است. در این محیط، پیام سیاسی در قالب خبر، بیانیه یا تبلیغات عرضه نمی‌شود، بلکه می‌تواند در قالب میم، انیمیشن طنز تصویری و محتوای تولیدشده با هوش مصنوعی وارد چرخه توجه و مشارکت کاربران شود. پژوهش با تمرکز بر انیمیشن‌های لگویی تولیدشده با هوش مصنوعی در زمینه مناقشه ایران و آمریکا، می‌کوشد توضیح دهد چگونه یک روایت سیاسی از سطح «پیام» به «فرم قابل گردش، تقلید و بازآفرینی» تبدیل می‌شود و این تحول چه پیامدهایی برای سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی دارد. پژوهش با رویکرد کیفی و روش مطالعه موردی چندگانه، نمونه‌های الگوهای روایی، عناصر بصری و عاطفی، قابلیت تکثیر، گردش چندپلتفرمی و بازتولید کاربران را تحلیل می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که طنز، شخصیت‌سازی، موسیقی، زبان انگلیسی، فشرده‌سازی روایت و استفاده از فرم فرهنگی آشنا، قابلیت توجه و گردش محتوا را افزایش می‌دهند؛ در حالی که هوش مصنوعی مولد هزینه تولید روایت را کاهش داده و امکان ورود بازیگران کوچک‌تر به رقابت روایی را افزایش می‌دهد. با این حال، داده‌های مشاهده و تعامل اثبات‌کننده اقناع یا تغییر نگرش نیستند. بر اساس یافته‌ها، مقاله مفهوم «قدرت قابلیت تکثیر» و «عاملیت شناختی» را پیشنهاد می‌کند و استدلال می‌کند که در زیست‌بوم رسانه‌ای معاصر، سواد رسانه‌ای باید از تشخیص محتوای نادرست فراتر رفته و سواد روایی، الگوریتمی، هوش مصنوعی و فراشناختی را دربرگیرد. یک مدل سیاستگذاری سه‌سطحی شامل شهروند، پلتفرم و حکمرانی برای تقویت تاب‌آوری و استقلال شناختی پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی
#جنگ شناختی #قدرت نرم #انیمیشن‌های لگویی #میم‌وارفر #هوش مصنوعی مولد #مهندسی روایت

زمینه‌های روان‌شناختی آسیب‌پذیری هیجانی در برابر جنگ شناختی: تحلیل ثانویه یک پیمایش ملی

محسن صبوریان
استادیار گروه علوم اجتماعی اسلامی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
saboorian@ut.ac.ir

در جنگ شناختی، هدف عملیات اقناعی فقط باور مخاطب نیست و هیجان‌ها، اضطراب‌ها و امیدهای او نیز هدف قرار می‌گیرند. اثربخشی چنین عملیاتی به ویژگی‌های روان‌شناختی مخاطب بستگی دارد. با این حال، تصویر روشنی از توزیع این ویژگی‌ها در جامعه ایران وجود ندارد. این پژوهش با تحلیل ثانویه داده‌های یک پیمایش ملی با نمونه ۵۵۰۰ نفری از ۳۱ استان کشور، به شناسایی زمینه‌های روان‌شناختی آسیب‌پذیری هیجانی و شناختی شهروندان می‌پردازد. شخصیت با فرم ۶۰ گویه‌ای نئو و پنج عامل آن (روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، گشودگی، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی) سنجیده شده است. در کنار آن، گویه‌های امید اجتماعی، دینداری و جمع‌گرایی/فردگرایی در پرسشنامه وجود دارد. پیمایش مصرف رسانه یا مواجهه با اطلاعات نادرست را نسنجیده است. به همین دلیل مقاله «آسیب‌پذیری» را مستقیماً اندازه‌گیری نمی‌کند و از «زمینه‌های روان‌شناختی آسیب‌پذیری» سخن می‌گوید. تحلیل در چند گام انجام می‌شود. ابتدا پایایی و روایی سنجه‌ها بررسی و توزیع ویژگی‌ها در سطح ملی توصیف می‌شود. سپس رابطه ویژگی‌های شخصیتی با امید اجتماعی با رگرسیون چندمتغیره بررسی می‌شود. در این مرحله نقش تعدیل‌گر دینداری و جمع‌گرایی/فردگرایی و تفاوت‌های جمعیتی و منطقه‌ای نیز سنجیده می‌شود. در گام پایانی، با تحلیل پروفایل پنهان، گروه‌های همگن شهروندان بر پایه ترکیب ویژگی‌های هیجانی و ارزشی شناسایی می‌شوند. هدف نهایی، ترسیم نقشه‌ای از پروفایل‌های روان‌شناختی است که نیازهای متفاوتی برای سواد رسانه‌ای دارند. پیامدهای یافته‌ها برای طراحی مداخله‌های هدفمند بحث می‌شود. نمونه آنها آموزش تنظیم هیجان، تقویت تاب‌آوری و ارتقای امید اجتماعی به‌عنوان مکمل آموزش‌های مهارتی سواد رسانه‌ای است.

واژگان کلیدی
#جنگ شناختی #آسیب‌پذیری هیجانی #شخصیت #امید اجتماعی #سواد رسانه‌ای

کارتوگرافی میمیک و هالیوودی‌سازی منازعه در کنش‌های دیجیتال دونالد ترامپ: واسازی تصاویر هوش مصنوعی تروث‌سوشال در مهندسی ادراک علیه ایران

باربد طاهرخانی
دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات جهان، گرایش مطالعات بریتانیا، دانشگاه تهران
barbodtaherkhani@ut.ac.ir

در زیست‌بوم‌های ارتباطی معاصر، ادغام هوش مصنوعی مولد با تاکتیک‌های جنگ شناختی، صورت‌بندی نوینی از منازعات ژئوپلیتیک پدید آورده است که در آن «بازنمایی تصویری» بر رخداد فیزیکی تقدم می‌یابد. این پژوهش با هدف واسازی و تحلیل نشانه‌شناختی کنش‌های دیجیتال دونالد ترامپ در شبکه اجتماعی تروث‌سوشال، کارکرد تصاویر سنتتیک (تولیدشده با هوش مصنوعی) را در مهندسی ادراک علیه جمهوری اسلامی ایران بررسی می‌کند. پرسش اصلی این است که تصاویر هوش‌ساخته چگونه به‌مثابه «میم‌های جنگی‌شده»، منازعه امنیتی را از طریق دال‌های بصری هالیوودی و فتیشیسم سرزمینی بازتعریف می‌کنند؟ چارچوب نظری پژوهش بر تلفیق بین‌رشته‌ای سه نظریه استوار است: ۱) نظریه «وانموده و حادواقعیت» ژان بودریار برای تبیین جایگزینی امر شبیه‌سازی‌شده به‌جای واقعیت مادی؛ ۲) نظریه «هالیوودی‌سازی منازعه» و «جامعه نمایش» گی دوبور برای تحلیل سینمایی‌سازی خشونت و تبدیل نبرد ژئوپلیتیک به نمایشی تماشاگرپسند؛ و ۳) رویکرد «دستور زبان بصری» گونتر کرس و تئو فن‌لون برای تحلیل بازنمایی قدرت، فاصله اجتماعی و تعامل ناظر و سوژه. روش پژوهش، «تحلیل گفتمان انتقادی چندوجهی» مبتنی بر الگوی سه‌بعدی نورمن فرکلاف (متن/تصویر، پرکتیس گفتمانی و پرکتیس اجتماعی) است. در سطح ریزساختار، زاویه دید، جهت نگاه سوژه، شیوه‌مندی رنگی، همنشینی متن و تصویر بر اساس مدل رولان بارت و نمادهای فضایی بررسی می‌شوند. در سطح کلان، تصاویر هوش مصنوعی ترامپ علیه ایران، شامل بازترسیم نقشه‌ها و سناریوهای نظامی، کدگذاری و تحلیل شده‌اند. یافته‌ها سه پی‌رنگ محوری را نشان می‌دهند: ۱) کارتوگرافی امپریالیستی و استعمار فضایی، از طریق بازنام‌گذاری جغرافیایی و الصاق پرچم آمریکا به نقشه ایران؛ ۲) گیمیفیکیشن و درام‌سازی تخریب نظامی، با تجسم سناریوهای فاجعه‌بار؛ و ۳) برساخت کهن‌الگوی ابرقهرمانی، از طریق بازنمایی ترامپ در قامت ناجی مسلط با کدهای بصری وسترن و اکشن. در نهایت، این تصاویر نوعی «سایبر-روان‌شناسی تهاجمی» با قابلیت انکارپذیری موجه‌اند که با ایجاد ابهام ادراکی، ذهن مخاطب را به میدان نبرد تبدیل می‌کنند. مقابله با این الگوریتم‌ها مستلزم گذار از سواد رسانه‌ای سنتی به توسعه «واکسیناسیون شناختی بصری» است.

واژگان کلیدی
#جنگ شناختی #هوش مصنوعی مولد #دونالد ترامپ #تروث‌سوشال #میم‌های جنگی‌شده #کارتوگرافی میمیک #هالیوودی‌سازی #مهندسی ادراک #تحلیل گفتمان انتقادی چندوجهی

از میدان نبرد تا میدان ادراک: نقش نبرد روایت‌ها در شکل‌دهی به ادراک عمومی در جنگ شناختی

زهرا غلامی قاینی نصرآبادی
دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
zhra.ghlmi1997@gmail.com

گسترش رسانه‌های دیجیتال، میدان جنگ را از عرصه درگیری نظامی فراتر برده و ادراک مخاطبان از رویدادهای جنگی را نیز به بخشی از منازعه تبدیل کرده است. در چنین شرایطی، یک رویداد میدانی صرفاً از طریق وقوع آن درک نمی‌شود، بلکه انتخاب اطلاعات، نحوه قاب‌بندی، روایت‌پردازی و چگونگی انتشار آن می‌تواند بر معنایی که مخاطبان از رویداد دریافت می‌کنند اثر بگذارد. از این منظر، جنگ شناختی را می‌توان عرصه‌ای دانست که در آن رقابت بر سر روایت رویدادها، در کنار رقابت در میدان نظامی، برای شکل‌دهی به ادراک و برداشت عمومی اهمیت پیدا می‌کند. پژوهش حاضر با هدف تبیین سازوکار تبدیل رویدادهای میدانی به برداشت‌های ادراکی، به بررسی نقش نبرد روایت‌ها در شکل‌دهی به ادراک عمومی در جنگ شناختی می‌پردازد. پژوهش با رویکرد کیفی و روش تحلیل تطبیقی روایت، جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ را مطالعه می‌کند و روایت‌های رسمی و رسانه‌ای ارمنستان و جمهوری آذربایجان و نمونه‌هایی از محتوای منتشرشده در فضای دیجیتال را در جریان منازعه مورد بررسی قرار می‌دهد. در این تحلیل، روایت‌ها بر اساس نحوه تعریف رویداد، بازنمایی بازیگران، تبیین علل، برجسته‌سازی مؤلفه‌های هویتی و عاطفی و ارائه چارچوبی برای تفسیر و ارزیابی رویدادها مقایسه می‌شوند. پژوهش نشان می‌دهد که نبرد روایت‌ها صرفاً رقابت بر سر انتشار اطلاعات نیست، بلکه رقابتی برای تعیین چارچوب تفسیر واقعیت است. در این فرایند، انتخاب و برجسته‌سازی برخی جنبه‌های رویداد و به حاشیه‌راندن جنبه‌های دیگر، همراه با استفاده از عناصر عاطفی، هویتی و اخلاقی، می‌تواند برداشت‌های متفاوتی از یک رویداد واحد ایجاد کند. بر این اساس، مقاله مدلی تحلیلی از زنجیره «رویداد میدانی، قاب‌بندی اطلاعات، روایت‌سازی، انتشار و بازتولید و شکل‌گیری ادراک» ارائه می‌کند و استدلال می‌کند که در محیط جنگ شناختی، میدان ادراک نه پیامدی حاشیه‌ای، بلکه بخشی از خودِ میدان منازعه است.

واژگان کلیدی
#جنگ شناختی #نبرد روایت‌ها #ادراک عمومی #مهندسی روایت

جنگ شناختی و تحول قدرت در نظم بین‌الملل؛ سواد رسانه‌ای به مثابه زیرساخت امنیت شناختی دولت‌ها

معصومه فلاحتی
دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران
falahatimasi@gmail.com

ظهور فناوری‌های دیجیتال و هوش مصنوعی مولد، جنگ شناختی را به یکی از عرصه‌های مهم رقابت راهبردی در سیاست جهانی تبدیل کرده و در کنار منابع مادی، ادراک، روایت و تصمیم گیری را به مولفه هایی تعیین کننده در اعمال قدرت بدل ساخته است. برخلاف جنگ‌های کلاسیک که عمدتاً بر تصرف سرزمین و منابع مادی متمرکز بودند، جنگ شناختی با هدف گذاری بر ادراک، عواطف، نگرشها و تصمیم گیری انسان‌ها، مرزهای میان جنگ و صلح و نیز میان عرصه داخلی و خارجی دولتها را مخدوش میسازد. این تحول، مفاهیم سنتی حاکمیت و امنیت را با چالش‌های جدیدی مواجه ساخته است. سوال اصلی پژوهش آن است که جنگ شناختی چگونه ماهیت قدرت در نظم بین الملل را متحول کرده است؟ فرضیه آن است که جنگ شناختی با گسترش عرصه اعمال قدرت از منابع مادی به ادراک، روایت و تصمیم گیری، سواد رسانه ای و اطلاعاتی را از سطح یک مهارت فرهنگی فراتر برده و به زیرساختی راهبردی برای حفظ استقلال شناختی، حاکمیت داده و امنیت ملی دولتها تبدیل کرده است. این پژوهش از نوع کیفی با رویکردی تحلیلی-تبیینی است و داده ها از منابع اسنادی و کتابخانه ای گردآوری شده است. چارچوب نظری پژوهش بر نظریه قدرت نرم جوزف نای استوار است و با تمرکز بر نقش جذابیت، روایت و شکلدهی به ترجیحات، ظرفیت‌های قدرت در محیط اطلاعاتی معاصر را تحلیل می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که جنگ شناختی به گسترش قدرت از سطح اعمال مستقیم زور به سطح شکل‌دهی به ادراک، دستورکار و مشروعیت سیاسی انجامیده است. همچنین، دولت‌هایی که سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی را در سیاست عمومی و ساختارهای حکمرانی خود نهادینه می‌کنند، ظرفیت بیشتری برای تقویت تاب‌آوری شناختی و مقابله با عملیات نفوذ فرامرزی و دستکاری ادراکی دارند. نوآوری این پژوهش، بازتعریف سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی به مثابه زیرساخت امنیت شناختی دولت‌ها در چارچوب نظریه قدرت نرم است.

واژگان کلیدی
#امنیت شناختی #تحول قدرت #جنگ شناختی #سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی #قدرت نرم #نظم بین‌الملل

بررسی سیاست احساسات در پوشش خبری شبکه‌های فارسی زبان در جنگ ۴۰ روزه ایران

مهدی کاشفی‌فرد
دکتری علوم ارتباطات دانشگاه تهران
kashefi.3m@gmail.com

مریم مومن‌زاده
کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی و رسانه دانشگاه تهران
momenzadeh.maryam1992@gmail.com

رسانه‌های خبری کاری بیش از ارائه اطلاعات در مورد جنگ انجام می‌دهند؛ رسانه‌ها چارچوب‌های عاطفی را شکل داده و از این طریق مخاطبان با نوعی خشونت سیاسی مواجه می‌شوند، آن را تفسیر و ارزیابی می‌کنند. ترس، خشم، غم، امید، غرور، اضطراب و همدلی می‌توانند به منابع اصلی تبدیل شوند که از طریق آنها سازمان‌های خبری بازیگران سیاسی را می‌سازند، مسئولیت‌ها را تعیین می‌کنند، قربانیان و تهدیدها را تعریف می‌کنند و معانی خاصی را در مورد جنگ ایجاد می‌کنند. این مطالعه به بررسی سیاست احساسات در پوشش خبری فارسی زبان جنگ ۴۰ روزه ایران با نمونه‌هایی از سه رسانه خبری اصلی فارسی زبان: ایران اینترنشنال، بی‌بی‌سی فارسی و یورونیوز فارسی می‌پردازد. این مطالعه از یک طرح ترکیبی تطبیقی استفاده می‌کند که تحلیل محتوای کمی را با تحلیل گفتمان عاطفی انتقادی ترکیب می‌کند. مرحله کمی، گزارش‌های خبری و اخبار سمعی و بصری تولید شده توسط سه رسانه را بین ۹ اسفند ۱۴۰۴ تا ۲۰ فروردین ۱۴۰۵، دوره‌ای که آغاز جنگ و آتش‌بس پس از آن را در بر می‌گیرد، بررسی می‌کند. چارچوب کدگذاری، انواع و شدت احساسات بازنمایی‌شده در پوشش خبری، بازیگران و گروه‌های سیاسی که احساسات به سمت آنها هدایت می‌شود، چارچوب‌بندی احساسی، انتساب مسئولیت، برساخت قربانیان و قهرمانان، بازنمایی تهدید و عدم قطعیت، و مکانیسم‌های متنی، بصری و شنیداری که از طریق آنها عواطف تولید و تشدید می‌شوند را مشخص می‌کند. در مرحله کیفی، یک نمونه هدفمند از گزارش‌های برجسته احساسی تجزیه و تحلیل می‌شود تا بررسی شود که چگونه این عناصر احساسی در روایت‌های سیاسی گسترده‌تر جاسازی شده‌اند. این مطالعه با مقایسه سه رسانه، شباهت‌ها و تفاوت‌ها در ساخت عاطفی جنگ را در زمینه‌های مختلف سرمقاله‌ای و نهادی بررسی می‌کند. توجه ویژه‌ای به چگونگی سازماندهی ترس، خشم، غم، امید و همدلی توسط روایت‌های خبری؛ ایجاد گروه‌های سیاسی درون گروهی و برون گروهی؛ ایجاد ارزیابی‌های اخلاقی از بازیگران؛ و چارچوب‌بندی مفاهیمی مانند مقاومت، آسیب‌پذیری، پیروزی، شکست و تغییر سیاسی معطوف شده است. این مطالعه در نهایت به دنبال توسعه یک مدل مقایسه‌ای از معماری عاطفی اخبار جنگ و نشان دادن چگونگی میانجیگری درگیری مسلحانه نه تنها شامل گردش اطلاعات، بلکه سازماندهی احساسات سیاسی نیز می‌شود. با انجام این کار، این تحقیق به پژوهش در زمینه سیاست عاطفی، احساسی‌سازی اخبار، روزنامه‌نگاری جنگ و رسانه‌های معاصر فارسی‌زبان کمک می‌کند.

واژگان کلیدی
#جنگ شناختی #معماری عاطفی اخبار #سیاست احساسات

تفکر نقاد و فراشناخت؛ راهبردی برای ارتقای تاب‌آوری شناختی در مواجهه با محتوای اینستاگرام در شرایط عدم قطعیت

علیرضا کهن خاکی
دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته مدیریت دولتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
a.kohankhaki@ut.ac.ir

در محیط رسانه‌ای معاصر، کاربران اینستاگرام به‌طور مستمر با اخبار، تصاویر، ویدئوها و روایت‌های متعارض و گاه نادرست مواجه می‌شوند. سرعت انتشار محتوا، تنوع منابع اطلاعاتی و غلبه قالب‌های تصویری، ارزیابی اعتبار پیام‌ها و تشخیص اطلاعات گمراه‌کننده را دشوار می‌سازد. در چنین شرایطی، توانایی ارزیابی انتقادی اطلاعات و آگاهی از فرایندهای ذهنی دخیل در تفسیر محتوا، برای مواجهه آگاهانه با اطلاعات رسانه‌ای اهمیت پیدا می‌کند. مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که تفکر نقاد و فراشناخت از چه سازوکارهایی می‌توانند به تقویت تاب‌آوری شناختی کاربران اینستاگرام و کاهش آسیب‌پذیری آنان در برابر اطلاعات گمراه‌کننده کمک کنند؟ بر این اساس، پژوهش با هدف تبیین نقش و نحوه تعامل این دو ظرفیت شناختی در مواجهه با محتوای متعارض و ارزیابی اعتبار اطلاعات در اینستاگرام انجام شده است. چارچوب نظری پژوهش بر ادبیات تفکر نقاد، فراشناخت و تاب‌آوری شناختی استوار است. در این چارچوب، تفکر نقاد به‌عنوان ظرفیتی برای ارزیابی منابع، شواهد و استدلال‌ها و تمایز میان واقعیت، تفسیر و نظر در نظر گرفته می‌شود؛ در مقابل، فراشناخت به فرایند آگاهی و نظارت فرد بر فعالیت‌های ذهنی، پیش‌فرض‌ها، واکنش‌های عاطفی، میزان اطمینان به قضاوت‌ها و سوگیری‌های شناختی اشاره دارد. تاب‌آوری شناختی نیز در ارتباط با توانایی مواجهه با اطلاعات متعارض، مدیریت ابهام، بازنگری در قضاوت‌ها و حفظ انعطاف‌پذیری در فرایند ارزیابی اطلاعات مفهوم‌پردازی می‌شود. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و استفاده از روش تحلیل مفهومی ـ تحلیلی انجام شده است. در این روش، منابع نظری و پژوهش‌های مرتبط با تفکر نقاد، فراشناخت، تاب‌آوری شناختی و ارزیابی اطلاعات رسانه‌ای بررسی و مفاهیم محوری آنها با تمرکز بر ویژگی‌های محتوایی و ارتباطی اینستاگرام تحلیل شده‌اند. یافته‌های تحلیل مفهومی نشان می‌دهد که تفکر نقاد با فراهم‌کردن امکان بررسی اعتبار منابع، سنجش شواهد و ارزیابی استدلال‌ها، از پذیرش شتاب‌زده محتوا جلوگیری می‌کند؛ درحالی‌که فراشناخت با آشکارکردن نقش پیش‌فرض‌ها، هیجان‌ها و سوگیری‌های شناختی، امکان نظارت بر فرایند شکل‌گیری قضاوت‌ها و اصلاح آنها را افزایش می‌دهد. تعامل این دو ظرفیت، از طریق پیوند ارزیابی انتقادی اطلاعات با خودنظارتی شناختی، زمینه تقویت انعطاف‌پذیری ذهنی، بازنگری در برداشت‌های اولیه و مدیریت ابهام را فراهم می‌سازد. بر این اساس، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تاب‌آوری شناختی کاربران اینستاگرام صرفاً به برخورداری از دانش و مهارت رسانه‌ای محدود نیست، بلکه به توانایی ارزیابی انتقادی محتوا و نظارت آگاهانه بر فرایندهای ذهنی نیز وابسته است. در نتیجه، تقویت هم‌زمان تفکر نقاد و فراشناخت می‌تواند به‌عنوان راهبردی شناختی برای مواجهه آگاهانه و مسئولانه با اطلاعات متعارض و کاهش آسیب‌پذیری در برابر محتوای گمراه‌کننده در این شبکه اجتماعی مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی
#تفکر نقاد #فراشناخت #تاب‌آوری شناختی #اینستاگرام #اطلاعات گمراه‌کننده #ارزیابی اطلاعات رسانه‌ای

حاکمیت سایبری در عصر اقتصاد دیجیتال: از شکاف شرق و غرب تا همگرایی الگوهای حکمرانی دیجیتال

روح‌اله کهن هوش نژاد
استادیار گروه مطالعات غرب آسیا و آفریقا، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران
kohanhoosh@ut.ac.ir

گسترش فضای سایبری و اقتصاد دیجیتال، از طریق تضعیف مرزهای سرزمینی، توانمندسازی کنشگران غیردولتی، و شتاب‌بخشی به جریان‌های فرامرزی داده، اطلاعات و فناوری‌های دیجیتال، درک سنتی از حاکمیت دولت‌ها را به چالش کشیده است. با این حال، این تحولات به‌جای حذف حاکمیت، دولت‌ها را بر آن داشته است تا سازوکارهای نوینی را برای اعمال اقتدار در حوزه دیجیتال توسعه دهند. این مقاله با بررسی تطبیقی رویکردهای چین و غرب به حاکمیت سایبری، این پرسش را مطرح می‌کند که آیا ظهور اقتصاد دیجیتال به تقویت شکاف سنتی شرق و غرب می‌انجامد یا به همگرایی الگوهای حکمرانی دیجیتال کمک می‌کند؟ بر پایه تحلیل اسنادیِ متون دانشگاهی، حقوقی و سیاستی، از «تحلیل تطبیقی کیفی» برای شناسایی الگوهای همگرایی و واگرایی مفهومی، و از «تحلیل گفتمان انتقادی» برای بررسی نحوه برساخت و مشروعیت‌بخشی به حاکمیت سایبری در گفتمان‌های سیاستیِ چین و غرب بهره گرفته شده است. یافته‌ها نشان‌دهنده یک واگرایی هنجاریِ مداوم است: چین حاکمیت سایبری را صراحتاً به‌مثابه امتداد حاکمیت ملی صورت‌بندی می‌کند، در حالی که رویکردهای غربی به‌طور سنتی بر باز بودن اینترنت، حقوق فردی، و حکمرانی چندذی‌نفعی تأکید داشته‌اند. با این وجود، این تحلیل نشان‌دهنده همگرایی معناداری در سطح ابزارهای سیاستی و رویه‌های حکمرانی است. چین، ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا به‌طور فزاینده‌ای اقداماتی نظیر حکمرانی داده، محدودیت‌های فناورانه، حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی، تنظیم‌گری پلتفرم‌ها و ظرفیت‌سازی فناورانه داخلی را به کار می‌گیرند. از این رو، مقاله استدلال می‌کند که اقتصاد دیجیتال نه به نابودی حاکمیت یا پیروزیِ صِرف یک الگوی حکمرانی، بلکه به فرایندی از «واگرایی هنجاری همگام با همگرایی کارکردی» منجر می‌شود؛ فرایندی که در آن دولت‌ها برای حفظ کنشگری سیاسی و اقتصادی خود در عصر دیجیتال، در حال بازپیکربندی حاکمیت هستند.

واژگان کلیدی
#حاکمیت سایبری #حاکمیت دیجیتال #اقتصاد دیجیتال #حکمرانی سایبری #چین #غرب

واکاوی سواد رسانه‌ای انتقادی در برابر مهندسی الگوریتمی رفتار: مطالعه کیفی ادراک دانشجویان ارتباطات از جامعه پلتفرمی

زهرا مجدی زاده
استادیار گروه ارتباطات، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران
zahra.majdizade@ut.ac.ir

فناوری‌های نوین ارتباطی ابزارهایی خنثی نیستند. پلتفرم‌های آنلاین نظام‌های اجتماعی-فنی پیچیده‌ای محسوب می‌شوند که عمیقاً در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تنیده شده‌اند و با بهره‌گیری از منطق استخراجی و معماری کنترل، رفتار و روابط انسانی را به داده‌های قابل مهندسی تبدیل می‌کنند. پژوهش حاضر با هدف سنجش سواد رسانه‌ای انتقادی و آگاهی دانشجویان نسبت به مکانیسم‌های دستکاری رفتار در پلتفرم‌ها (پیش از مداخلات آموزشی) انجام شده است. داده‌های این پژوهش کیفی، از طریق مصاحبه‌های گروه کانونی و تحلیل کارنوشت‌های پیشینی ۲۷ دانشجوی کارشناسی ارتباطات گردآوری و با استفاده از روش تحلیل مضمون کدگذاری شد. یافته‌ها با استفاده از مفاهیم و نظریات «سرمایه‌داری نظارتی» شوشانا زوبوف، «کد قانون است» لارنس لسیگ، «سرکوب الگوریتمی» صفیه نوبل و «جامعه پلتفرمی» خوزه ون‌دایک تحلیل شده و نشان می‌دهد که عمده دانشجویان درک عمیقی از مفهوم «مازاد رفتاری» ندارند و دقت بالای الگوریتم‌ها در تبلیغات هدفمند را به عواملی چون «شنود صوتی» نسبت می‌دهند. همچنین، اثرات الگوریتم‌ها در بازتولید مقایسه‌های اجتماعی و سوگیری محتوایی، غالبا به عنوان تجربیات فردی یا تصادفی تفسیر می‌شوند تا پیامد یک سیستم هدفمند اقتصادی. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که گفتمان «بی‌طرفی فناورانه» در میان برخی از دانشجویان درونی‌سازی شده، در حالی‌که برخی دیگر نسبت به فرایند کالایی‌سازی تجربه شخصی خود آگاهی بیشتری دارند. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که آموزش سواد رسانه‌ای در عصر حاضر نیازمند گذار از رویکردهای سنتی و تمرکز ویژه بر «سواد الگوریتمی» است تا پیش‌شرط‌های لازم برای مقاومت آگاهانه در برابر مهندسی رفتار و بازیابی عاملیت انسانی در جامعه پلتفرمی فراهم گردد.

واژگان کلیدی
#سواد الگوریتمی #مهندسی رفتار #معماری کنترل #جامعه پلتفرمی #سرمایه‌داری نظارتی

سکوهای اجتماعی؛ دریچه‌های فهم کودکان از جهان: مطالعهٔ الگوهای متناسب‌سازی فضای مجازی برای کودکان با تمرکز بر مرجعیت سکوییی

سید میلاد موسوی حق‌شناس
دانشجوی دکتری ارتباطات دانشگاه تهران، تهران، ایران
milad.mousavi@ut.ac.ir

در میان ده کانال برتر یوتیوب با بیشترین تعداد اشتراک، محتوای چهار کانال، مرتبط با کودکان است که تا پایان سپتامبر ۲۰۲۶ مجموعِ مشترکانِ آنها به عدد ۶۲۵ میلیون رسید. پراکندگی و گستردگی جغرافیایی و فرهنگی دنبال‌کنندگان این ویدئوها – صرفاً برای سه حساب کاربریِ یاد شده- به اندازه‌ای است که به طور رسمی در مجموع به هجده زبان دنیا گفتارگردانی - دوبله- می‌شوند. این آمار که تنها ناظر به یکی از سکوهای اجتماعی و حداکثر متعلق به چهار حساب کاربری است به روشنی جایگاه، وزن و اهمیت محتواهای کودک‌محور در فضای مجازی را آشکار می‌کند. بر همین اساس مقالهٔ حاضر با تمرکز بر دوفضایی شدنِ دورانِ کودکی، به شیوه‌ای ترکیبی تلاش می‌کند رهیافت‌هایی برای مواجهه با این فضا از رهگذر گردآوری و دسته‌بندی الگوهای شاخص جهانی و محلیِ کشورهای پیشگام ارائه دهد. در نهایت دستیابی به مرجعیت سکویی به عنوان راهبردی کلان، جامع و محقَق شده در کشورهایی با نظام‌های سیاسی متفاوت، برای مواجهه با مسألهٔ پژوهش مورد تبیین قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی
#سکوهای اجتماعی #الگوهای متناسب‌سازی #کیدفلوئنسری #کودکی دوفضایی شده #مرجعیت سکویی

سیاست زمان در زیست‌بوم شناختی بحران: گردش اطلاعات و فرصت آگاهی در سیلاب والنسیا

سید محمد حسین میرهاشمی
دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، دانشگاه تهران، تهران، ایران
mirhaashemi@gmail.com

در مواجهه با بحران‌های طبیعی، اهمیت اطلاعات تنها به صحت محتوای آن محدود نمی‌شود؛ زمان انتشار، ترتیب مواجهه با شواهد و فرصت باقی‌مانده برای ارزیابی و اقدام نیز در کارآمدی آن نقش دارند. این مقاله با تمرکز بر سیلاب ۲۹ اکتبر ۲۰۲۴ والنسیا در اسپانیا، به بررسی «سیاست زمان» در زیست‌بوم شناختی بحران می‌پردازد. منظور از سیاست زمان، مناسبات قدرت و ترتیبات نهادی مؤثر بر زمان‌بندی دسترسی به اطلاعات است. پرسش اصلی پژوهش این است که تصمیم‌ها و رویه‌های نهادهای علمی، مسئولان مدیریت بحران و رسانه‌ها چگونه زمان انتشار هشدارها، توالی عرضه شواهد و امکان بازنگری در برداشت‌های اولیه از خطر را شکل می‌دهند. پژوهش با رویکرد کیفی و روش مطالعه موردی اسنادی طراحی شده است. اسناد مورد بررسی شامل هشدارها و گزارش‌های سازمان هواشناسی اسپانیا، اطلاعیه‌های نهادهای مدیریت بحران، پیام‌های هشدار عمومی و گزارش‌های رسانه‌ای دارای زمان انتشار مشخص، از ۲۳ اکتبر تا اول نوامبر ۲۰۲۴ است. تحلیل از طریق بازسازی خط زمانی ارتباطات و کدگذاری مضمون پیام‌ها، منابع مورد استناد، میزان قطعیت، نحوه بیان فوریت و توصیه‌های عملی انجام خواهد شد. زمان انتشار و اصلاح پیام‌ها با روند مستند بحران تطبیق داده می‌شود و اعتبار اطلاعات از طریق مقایسه منابع مستقل ارزیابی خواهد شد. چارچوب پژوهش با بهره‌گیری از مباحث سیاست زمان، دروازه‌بانی اطلاعات و چارچوب‌بندی، بر سه محور استوار است: تقدم و تأخر دسترسی به شواهد، هماهنگی یا تعارض زمانی پیام‌ها، و فرصت اصلاح و بازنگری. در بررسی تأخیرها، تصمیم‌های آگاهانه از ناهماهنگی سازمانی، عدم‌قطعیت علمی و اختلال زیرساختی تفکیک می‌شوند؛ همچنین، زمان انتشار پیام معادل زمان دریافت و فهم آن توسط مخاطب در نظر گرفته نمی‌شود. این پژوهش در پی روشن‌کردن چگونگی توزیع فرصت آگاهی در جریان بحران است؛ این‌که اطلاعات معتبر چه زمانی در دسترس قرار می‌گیرد و چه فرصتی برای ارزیابی و اقدام باقی می‌گذارد. از این منظر، بررسی صحت اخبار با توجه به توالی انتشار شواهد، اعتبار زمانی هشدارها و نحوه اصلاح روایت‌های اولیه تکمیل می‌شود؛ موضوعی که می‌تواند مبنایی برای تقویت سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در مواجهه با بحران فراهم آورد.

واژگان کلیدی
#سیاست زمان #زیست‌بوم شناختی #ارتباطات بحران #سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی #سیلاب والنسیا

سواد رسانه‌ای در عصر دیپ‌فیک؛ راهکارهای افزایش تاب‌آوری شناختی کاربران

زهرا سادات میگونی
کارشناسی ارشد مطالعات فرانسه، دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران
sz.meygouni@ut.ac.ir

با گسترش فزاینده ابزارهای هوش مصنوعی مولد و فناوری‌های «جعل عمیق»، مرزهای میان واقعیت و بازنمایی در اکوسیستم رسانه‌ای فرو ریخته و جنگ شناختی وارد مرحله جدیدی از پیچیدگی شده است.انتشار ویدیوها و فایل‌های صوتی دستکاری‌شده از چهره‌های سیاسی و اجتماعی، به ابزاری مخرب برای تخریب اعتماد اجتماعی، قطبی‌سازی افکار عمومی و ایجاد بی‌ثباتی شناختی بدل گشته است.این پژوهش با هدف واکاوی مکانیسم‌های اثرگذاری دیپ‌فیک در بستر جنگ شناختی و ضرورت ارتقای تاب‌آوری کاربران طراحی شده است.روش پژوهش در این مطالعه، کیفی و مبتنی بر طرح «مطالعه موردی» است؛ به‌طوری‌که با انتخاب نمونه‌های شاخص و واقعی از محتواهای جعل عمیق در رسانه‌های اجتماعی، الگوهای بازنمایی و واکنش مخاطبان با استفاده از روش «تحلیل محتوای کیفی» واکاوی شده‌اند.یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آموزش‌های سنتی سواد رسانه‌ای به دلیل سرعت بالای تغییرات فناوری، کارایی خود را در مواجهه با خطاهای شناختی ناشی از دیپ‌فیک از دست داده‌اند.بر این اساس، مقاله بر لزوم گذار از سواد رسانه‌ای مبتنی بر بازشناسی فنی، به سمت مفهوم جامع‌تر «تاب‌آوری شناختی» و به‌کارگیری راهبردهای پیش‌آگاهی تأکید کرده و در پایان، پیشنهادهای کاربردی برای توانمندسازی کاربران در مواجهه با این تهدیدات نوظهور ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی
#سواد رسانه‌ای #جعل عمیق #جنگ شناختی #تاب‌آوری شناختی #هوش مصنوعی مولد

تبیین الگوی واکسیناسیون شناختی و عاملیت مردمی در مدیریت بحران‌های ترکیبی: رویکردی مروری–تحلیلی بر نقش سواد رسانه‌ای در مواجهه با جنگ شناختی

مجتبی نوری الموتی
کارشناس ارشد مدیریت بحران، دانشگاه جامع انقلاب اسلامی، تهران، ایران
mojtaba.nouria74@gmail.com

در بستر دگرگونی‌های بنیادین منازعات معاصر و ظهور بحران‌های ترکیبی، تمرکز عملیات آفندی از تخریب زیرساخت‌های فیزیکی به سمت دستکاری نظام باورها، فلج‌سازی ادراکی و مهندسی رفتاری جامعه تغییر یافته است؛ به‌گونه‌ای که ذهن شهروندان به کانون اصلی منازعه و هدف پدافند شناختی مبدل شده است.در چنین فضایی، رویکردهای سنتی و واکنشی در مدیریت بحران و شیوه‌های متأخر تکذیب اطلاعات تحریف‌شده، به سبب اثر پایداری اطلاعات غلط و سوگیری‌های شناختی، کارایی لازم را در مهار بی‌ثباتی‌های اجتماعی از دست داده‌اند.پژوهش حاضر با هدف تبیین و ارائه چارچوب مفهومی واکسیناسیون شناختی و بازتعریف عاملیت جامعه در پدافند ادراکی، با استفاده از روش مروری–تحلیلی نظام‌مند و تکیه بر سنتز نظریه‌ها و یافته‌های متأخر بین‌المللی در حوزه ایمن‌سازی روان‌شناختی، نظریه پیش‌افشاگری و اسناد راهبردی سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی سامان یافته است.نتایج پژوهش نشان می‌دهد که گذار از آسیب‌پذیری ساختاری به عاملیت فعال مردمی مستلزم پیاده‌سازی الگویی سه‌سطحی است: نخست، سطح پیشینی که بر مبنای تزریق مقادیر تضعیف‌شده از تکنیک‌های دستکاری اطلاعات، آگاهی‌بخشی پیش‌دستانه و ایجاد پادتن‌های ادراکی شکل می‌گیرد؛ دوم، سطح حین‌بحران که مبتنی بر تقویت مهارت‌های فراشناختی، تفکر نقادانه و خودمهارگری اطلاعاتی شهروندان در جهت پیشگیری از بازنشر هیجانی روایت‌های بحران‌زا است؛ و سوم، سطح پسینی که معطوف به ترمیم سرمایه اجتماعی، بازتولید تاب‌آوری ادراکی و تقویت انسجام ملی در مواجهه با قطبی‌سازی‌های رسانه‌ای می‌باشد.این الگو تبیین می‌کند که ارتقای هدفمند سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی از یک مهارت فردی به یک زیرساخت راهبردی دفاع مدنی، شهروندان را از هدفِ منفعل در جنگ شناختی به کنشگرانی تاب‌آور و مدافعان ادراکی زیست‌بوم اطلاعاتی بدل می‌سازد.

واژگان کلیدی
#جنگ شناختی #واکسیناسیون شناختی #عاملیت مردمی #مدیریت بحران‌های ترکیبی #سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی #پیش‌افشاگری #تاب‌آوری ادراکی

مطالعه‌ی تطبیقی اثرات انسجام نهادی و هویتی بر تبعات جنگ‌های شناختی، قطبی‌سازی و بازآرایی اجتماعی در دو کشور ایران و ونزوئلا

الهه نوری غلامی زاده
استادیار مطالعات آمریکای لاتین، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران
elahehnouri@ut.ac.ir

علی آقامحمدی
کارشناس‌ارشد مطالعات آمریکای لاتین، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران
a.aghamohammadi@ut.ac.ir

طی دهه‌های گذشته دو کشور ایران و ونزوئلا از اهداف سیاست‌های تحریمی ایالات‌متحده بوده‌اند که نه تنها نظم سیاسی و اقتصادی این کشورها، بلکه انسجام اجتماعی آنها را مورد هدف قرار داده‌اند. با وجود اینکه هدف اصلی این تحریم‌ها تغییر رژیم سیاسی و اعمال فشار بر ثبات اقتصادی و اجتماعی است که به سیاست‌های مداخله‌جویانه و نظامی ایالات‌متحده انجامیده است، اما واکنش‌های جامعه‌ی ایران و ونزوئلا رفتارهای متفاوتی است که اهمیت متغیرهای شناختی در تعیین سرنوشت سیاسی را آشکار می‌سازد. بنابراین پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش است که چرا فشارهای خارجی و تحریمی مشابه در ایران و ونزوئلا منجر به زوال نظم سیاسی موجود در ونزوئلا شده، اما به تداوم نظم سیاسی در ایران انجامیده است؟ برای پاسخ، تلفیق نظریه‌ی انسجام رژیم و میراث انقلابی (لویتسکی و وی) و نظریه‌ی هویت اجتماعی (تاجفل و ترنر) همراه با کارکردهای منازعه‌ی بیرونی (کوزر) به کار گرفته می‌شود تا این نکته مورد تأیید قرار گیرد که کیفیت نهادها و پویایی هویت جمعی، بر فرآیند ثبات شناختی و مدیریت تبعات فشار خارجی بر ثبات داخلی اثرگذار هستند. روش مطالعه‌ی اسنادی با رویکرد تطبیقی جهت بررسی داده‌های اسنادی، گزارش‌های رسمی، نظرسنجی‌ها و پژوهش‌های صورت‌گرفته در بازه‌ی زمانی ۲۰۱۳-۲۰۲۵ مورد استفاده قرار می‌گیرد. نتایج نشان می‌دهند که بی‌ثباتی شناختی بر مبنای تعاریفی چون کاهش هماهنگی بازنمایی‌های جمعی از واقعیت، قطبی‌سازی به‌عنوان تعمیق شکاف‌های هویتی-سیاسی، و بازآرایی اجتماعی به‌عنوان بازتنظیم روابط و روایت‌های جمعی استوار است که نهادهای سیاسی نقش تعیین‌کننده‌ای در ممانعت از آن بر عهده دارند. بنابراین، در ونزوئلا، ضعف نهادینگی پس از دوره‌ی کاریزماتیک، چندپارگی نخبگان، وابستگی اقتصادی تک‌محصولی، قطبی‌سازی تخریب‌گر و خروج جمعیت، بی‌ثباتی شناختی را تشدید کرده است؛ در مقابل، در ایران، همبستگی نهادی، میراث انقلابی و جنگ و برجسته‌شدن هویت ملی در برابر تهدید، ثبات شناختی و بازآرایی اجتماعی منسجم‌تری را پدید آورده است. یافته‌های پژوهش دو نکته را برجسته می‌سازند: ۱. انسجام بالاتر نظام، بی‌ثباتی شناختی ناشی از فشار خارجی را کاهش می‌دهد؛ ۲. در حضور هویت جمعی فراگیر، تهدید بیرونی به‌طور موقت قطبی‌سازی داخلی را فرومی‌نشاند. در مجموع، پژوهش بر مکانیسم واسطه‌گری نهادی-هویتی در مدیریت اثر فشار خارجی بر امور داخلی تأکید دارد و تقویت انسجام نهادی و مدیریت روایت‌های جمعی در شرایط تحریم برای کاهش تبعات جنگ شناختی و بی‌ثباتی شناختی را از جمله ملزومات آن قلمداد می‌کند.

واژگان کلیدی
#انسجام سیاسی #هویت اجتماعی #جنگ شناختی #قطبی‌سازی #بازآرایی اجتماعی #ایران #ونزوئلا

جنگ شناختی در عصر دیجیتال؛ راهبردها، پیامدها و نبرد برای ذهن انسان

محمد هادی واعظ مهدوی
دانشجو دکترای مطالعات صلح و حل منازعه دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران
mh.vaezmahdavi95@ut.ac.ir

محمد رضا دهشیری
استاد تمام دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه
mohammadreza_dehshiri@yahoo.com

این پژوهش مفهوم جنگ شناختی در عصر دیجیتال و اهمیت روزافزون آن را در چشم‌انداز در حال تحول منازعات مدرن و امنیت بین‌المللی بررسی می‌کند.مسئله این است که در جهان مدرن، مشخص‌شده با پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی، دسترسی گسترده به اطلاعات، زیرساخت‌های دیجیتال و فناوری‌های نوظهور مانند الگوریتم‌های پیشرفته و هوش مصنوعی مولد، دستکاری شناخت، اطلاعات و ادراک به یک هدف راهبردی برای بازیگران دولتی و غیردولتی تبدیل شده است و آسیب‌پذیری‌های جدیدی را در جوامع مدرن ایجاد می‌کند.هدف پژوهش برجسته‌سازی این موضوع است که جنگ شناختی یک حوزه جدید از منازعات را تشکیل می‌دهد و صرفاً بازتفسیر یا تکاملی از مفاهیم از پیش موجود نیست، بلکه اهمیت راهبردی، وضوح مفهومی و پیامدهای عملیاتی جنگ شناختی را در پویایی‌های ژئوپلیتیکی و اجتماعی مدرن واکاوی می‌کند.سوالات اصلی پژوهش عبارتند از: آیا جنگ شناختی نمایانگر شکل متمایزی از جنگ نوظهور است یا صرفاً بازسازی مفهومی عملیات‌های نفوذ موجود؛ آیا جنگ شناختی از اهمیت راهبردی، سیاسی، نظامی و مفهومی برخوردار است تا به عنوان یک حوزه مستقل از جنگ معاصر شناخته شود؛ و آیا این مفهوم باید به طور جامع در دکترین نظامی بین‌المللی، برنامه‌ریزی راهبردی، سیاست‌های امنیتی و بحث‌های دانشگاهی گنجانده شود.فرضیه پژوهش بیان می‌کند که اگرچه جنگ شناختی بر اساس سنت‌های قبلی اطلاعاتی و عملیات روانی شکل گرفته است، اما محیط فناوری معاصر و مقیاس نفوذ اجتماعی ناشی از پلتفرم‌های دیجیتال، تأثیر راهبردی و خطر بالقوه عملیات‌های شناختی را به شدت افزایش می‌دهد.چارچوب نظری پژوهش بر پایه پویایی‌های ژئوپلیتیکی و اجتماعی مدرن، نظریه‌های ارتباطات، امنیت بین‌الملل و ابعاد راهبردی عملیات‌های نفوذ استوار است.روش پژوهش به صورت تحلیل محتوای کیفی است و با بررسی مکانیسم‌ها، ابزارها (مانند پروپاگاندا، اطلاعات نادرست، عملیات روانی نظامی، مهندسی اجتماعی و هوش مصنوعی مولد) و نمونه‌های منازعات نظامی اخیر انجام شده است.یافته‌ها و نتایج نشان می‌دهد که هدف اصلی جنگ‌های مدرن از زیرساخت‌های فیزیکی به سمت ادراک انسان، فرآیندهای تصمیم‌گیری و سیستم‌های باور جمعی تغییر یافته است و بر لزوم ادغام جنگ شناختی در چارچوب‌های راهبردی، دانشگاهی، نظامی و سیاستی بین‌المللی تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی
#جنگ شناختی #عصر دیجیتال #نبرد برای ذهن انسان #هوش مصنوعی مولد #عملیات‌های نفوذ

ذهن‌های قطبی، خاطره‌های پیوندی و مرزهای نمادین: تبیین شناختی-ارتباطی بازآفرینی حافظه فرهنگی در زیست‌بوم دیاسپورا

محمدرضا وفائی
پژوهشگر علوم اعصاب فرهنگی و پژوهشگر وابسته نشر لارسا
vafaie.m.r@gmail.com

انسیه (اقلیما) پولادزاده
پژوهشگر مطالعات ارتباطی و پژوهشگر وابسته نشر لارسا
eghlima@gmail.com

مهاجرت تنها جابه‌جایی در جغرافیا نیست؛ گسستی بنیادین در تداوم تجربه تاریخی یک جامعه است.وقتی نسلی دور از وطن قد می‌کشد، پیوند ارگانیکش با «حافظه ارتباطی» و روزمره زادگاهش بریده می‌شود و آنچه یان آسمن «شکاف شناور» می‌نامد پدید می‌آید؛ خلأیی معلق میان تجربه دست‌اول نیاکان و تاریخ مکتوب.در این زیست‌بوم گسسته، رسانه‌های دیداری و پلتفرم‌های دیجیتال به‌مثابه آپاراتوس وارد عمل می‌شوند تا با قطعات تقطیع‌شده و پرزرق‌وبرق، این بی‌قراری هویتی را التیام بخشند.این مقاله با نگاهی بین‌رشته‌ای در تلاقی علوم‌ارتباطات، روان‌شناسی شناخت و جامعه‌شناسی فرهنگی، سازوکار تبدیل این تصاویر مونتاژشده به یک امر زیسته را تبیین می‌کند.بر پایه نظریه بازسازی‌پذیری حافظه و اثر اطلاعات گمراه‌کننده الیزابت لافتوس، ذهن انسان در غیاب ریشه‌های حسی دست‌اول، روایتی منعطف و جعل‌پذیر می‌یابد و در تفکیک ریشه دانسته‌های خود دچار «خطای پایش منبع» می‌شود.در پی این لغزش شناختی، برساخته‌های رسانه‌ای جایگزین تجربه زیسته شده و به شکل «خاطرات پیوندی» در تاروپود باور فرد می‌نشینند.این فرآیند به‌روشنی در اسطوره‌سازی نوستالژیک از «عصر طلایی پیشین» در دیاسپورای ایرانی، «انجماد هویتی در قاب تروما» میان آوارگان سوری، و «رمانتیسیسم اقتدارگرای عثمانی» در میان ترک‌تباران اروپا رخ نموده است.در ساحت جامعه‌شناختی، این خاطرات دستکاری‌شده مرزهای نمادین میان خودی و دیگری را غیرقابل‌انعطاف می‌کنند.حاصل این امر، بروز «قطبی‌سازی عاطفی» حاد میان جامعه مهاجر و شهروندان داخل کشور است؛ وضعیتی فرساینده که در آن دو جهانِ ادراکی موازی شکل می‌گیرد و امکان گفت‌وگوی بین‌نسلی و مفاهمه مدنی نابود می‌شود.بر این اساس، دستاورد بنیادین پژوهش برای اندیشمندان سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی این پیام رهایی‌بخش است: سواد رسانه‌ای نوین دیگر نمی‌تواند در مرزهای راستی‌آزمایی‌های سطحی اخبار متوقف بماند، بلکه باید به سطح «سواد شناختی حافظه» ارتقا یابد؛ دانشی که ذهن سوژه را در برابر مهندسی و جعل ریشه‌دارترین باورهای تاریخی‌اش هوشیار و نقاد می‌سازد.

واژگان کلیدی
#حافظه فرهنگی #خطای پایش منبع #الیزابت لافتوس #خاطرات پیوندی #زیست‌بوم دیاسپورا #قطبی‌سازی عاطفی #مرزهای نمادین #سواد شناختی رسانه

English Section

بخش انگلیسی

The Conference Brief History and overview

The UNESCO Chair on Cyberspace and Culture: Dual-Spacization of the World has, since 2018, pursued a sustained programme of national and international academic conferences aimed at expanding scholarly discourse, strengthening international collaboration, and advancing research in media and information literacy. Focusing on pressing contemporary issues and emerging challenges across media, information ecosystems, digital technologies, and artificial intelligence, these events have established a crucial forum for knowledge exchange and the dissemination of research by domestic and international academics, researchers, and specialists.



Figure 6. Eight-year journey of the int. conference on MIL

The Chair's inaugural national conference took place on 29 October 2018 at the Faculty of World Studies, convened as a specialized symposium on the theme of "Media and Information Literacy Cities". Continuing this trajectory, the second national conference was held on 22 October 2019, bringing together leading scholars in the field. The third national iteration, held in October 2020, addressed the theme "Countering the Disinfodemic: Media and Information Literacy for All and by All".

In 2021, despite the operational challenges posed by the global COVID-19 pandemic, the initiative expanded from a domestic forum into an international conference series. Held virtually on 30 October 2021 under the title "Media and Information Literacy for the Public Good", the fourth conference featured presentations by scholars from Iran, Austria, and the United States. Maintaining this international framework, the fifth conference took place on 24 October 2022, focusing on "Nurturing Trust: A Media and Information Literacy Imperative" across two specialized panels featuring contributors from Iran and France.

The sixth international conference, convened on 25 October 2023 at the Faculty of World Studies, University of Tehran, addressed the theme "The

Global Collective Agenda". Timed to coincide with Global Media and Information Literacy Week, the event brought together researchers from Iran, India, Austria, Turkey, Portugal, Russia, the Philippines, Malaysia, and the United Kingdom. Subsequently, the seventh international conference was held on 28 October 2024, focusing on "New Digital Frontiers of Information" with a particular analytical emphasis on defining and delineating national versus global data boundaries. This iteration received over 100 abstracts in Persian and English from scholars across Iran, New Zealand, Australia, the United Arab Emirates, Pakistan, Tajikistan, Russia, India, Taiwan, Canada, the United States, and China. The proceedings comprised four specialized bilingual panels featuring 27 speakers—7 international and 20 Iranian scholars based domestically and abroad—alongside a technical workshop delivered by Mobile Telecommunication Company of Iran (Hamrah-e Aval).

Most recently, the eighth international conference was held on 25 October 2025 under the theme "The Primacy of Mind over Artificial Intelligence—Media and Information Literacy in Digital Spaces: Capabilities and Challenges of AI for Nature and Natural Life". The event attracted over 110 in-person participants and approximately 2,100 online attendees via University of Tehran Television, Rubika, and Zoom. The conference received 43 Persian and 47 English abstracts from scholars across four countries—Bahrain, Turkey, the United States, and Austria—with selected papers delivered orally across eight specialized panels comprising 53 presentations in Persian and English.

A retrospective review of these eight national and international conferences demonstrates a steady evolution in the Chair's academic scope: expanding from a domestic focus to an international agenda spanning the Global North and South, and broadening its thematic domain from media-literate cities and modern governance to emerging imperatives such as digital borders, trust, public interest, and artificial intelligence, all framed through a local-global ("glocal") perspective. The sustained cadence of these eight editions has consolidated the Chair's scholarly standing, deepened research collaborations, and enriched national and international discourse on media and information literacy. The continuation of this intellectual trajectory promises to further facilitate academic cooperation, enhance research quality, and address the complex challenges arising within the contemporary media and information landscape.

The collection of accepted conference abstracts presented in this volume offers an interdisciplinary exposition of the shifting relationships between power dynamics, the media, and human cognition, focusing on cognitive warfare, media and information literacy, strategic communications, and developments in digital technology. The Persian section comprises 42 abstracts (46 per cent of the total) and the English section contains 49 abstracts (54 per cent), bringing the total to 91 abstracts.

This collection may be understood as reflecting the emergence of a multidisciplinary research agenda in which cognitive warfare has become a shared concern across media studies, cognitive science, political science, law, and technology policy. The overarching trajectory of this research agenda is shifting from the identification of threats towards elucidating mechanisms of influence, strengthening human agency, and designing resilient strategies.

Thematically, the first domain—narrative warfare, media representation, and strategic communications—forms one of the volume's primary pillars, containing approximately 26 abstracts. Within this axis, the media are largely viewed as influential actors in constructing meaning, assigning responsibility, framing threats, and legitimising political action. Recurring topics include representations of contemporary conflicts, the contest of narratives between Iran and the United States, media coverage of disputes, public diplomacy, and soft power. The significance of this axis lies in expanding the analytical scope from isolated message content to the competition over interpretive frameworks of reality.

The second domain—media and information literacy, cognitive prebunking, and resilience—comprises roughly 20 abstracts and focuses on empowering audiences to engage critically with misinformation and manipulated content. Abstracts within this domain address the role of generative artificial intelligence, recommender algorithms, perceptual manipulation, political polarisation, privacy, algorithmic bias, and legal risks. The common thread running through these studies is a precise focus on how platform architecture and the logic of personalisation can influence user attention, judgment, and behavior.

The third domain—artificial intelligence, algorithms, and developments in digital technology—contains around 15 abstracts and examines the ramifications of generative AI, recommendation algorithms, system bias, cognitive manipulation, and content personalisation. These studies stress prevention, critical thinking, metacognition, the detection of synthetic content, and the preservation of audience autonomy of judgment. In contrast to approaches reliant on post-publication fact-checking and correction, this field focuses on the prior empowerment of users. Naturally, certain abstracts within this strand remain at the stage of framework design or literature review.

The fourth domain—cognition, psychology, human agency, and collective memory—comprises approximately 12 abstracts and concentrates on the mental and social processes affecting the reception and interpretation of messages. This axis examines cognitive biases, emotion, moral responsibility, psychological vulnerability, collective identity, and audience agency. These studies demonstrate that any understanding of cognitive warfare remains incomplete without due regard for the mental and social processes through which messages are received and reinterpreted.

The fifth domain—cultural identity, religion, diaspora, and social representation—contains about 10 abstracts focusing on cultural memory, national narratives, popular culture, cinema, children and youth, the representation of social groups, and the role of religion in cognitive conflicts. The sixth domain—law, ethics, governance, and the data economy—comprises roughly 8 abstracts, exploring legal issues, ethics, policymaking, the data economy, tech corporate responsibility, data protection, smart system regulation, platform surveillance, and the limits of technological intervention. Together, these two axes demonstrate that the ramifications of cognitive warfare extend beyond security concerns to encompass cultural, legal, and economic dimensions.

Overall, the defining characteristic of this collection is the linkage established between three distinct levels: the production and dissemination

of messages, cognitive processing, and socio-political consequences. The strength of this approach lies in transcending single-factor explanations and attending to the complex interplay between technology, media, and audiences. Conversely, the methodological diversity, the distinction between theoretical and empirical research, and the heterogeneity of study contexts make direct comparisons of results challenging.

Conference Programme

Opening Session

Opening Ceremony & Keynote Welcomes

Hannaneh Hall | **8:00 – 10:00 AM**

8:00	**Registration**
8:15	**Holy Quran**
8:25	**Iranian National Anthem**
8:30	**Opening Remarks of the Conference** [in Persian] Dr Shaho Sabbar
8:40	**Conference Chair, Professor of Communications and Global Studies, University of Tehran; Chair of UNESCO Chair on Culture and Cyberspace: Dual-Spacization of the World** [in Persian] Dr Saied Reza Ameli
9:00	**The Honourable Minister of Culture and Islamic Guidance** [in Persian] Dr Seyyed Abbas Salehi
9:30	**The Honourable Secretary-General of the Iranian National Commission for UNESCO** [in Persian] Dr Hassan Fartousi
9:45	**The Honourable President of the ECO Cultural Institute** Dr Mohammad Hassan
10:00 – 10:15	**Break**

Session 1.

Artificial Intelligence, Algorithmic Governance and Human Agency in Cognitive Warfare

Advances in artificial intelligence and the expansion of algorithmic systems are redefining power relations, mechanisms of perception formation and the boundaries of human agency in cognitive conflict. Examining cognitive governance, the architecture of perception and human–technology interactions illuminates emerging approaches to managing and directing cognitive processes.

SEESION # 01

Artificial Intelligence, Algorithmic Governance and Human Agency in Cognitive Warfare

Session Chair: Dr Behzad Ahmadi

Hannaneh Hall | **10:15 – 12:00 AM**

10:15	**Human Agency in Contemporary Perceptual Conflicts between Humans and Machines, with Particular Reference to Media Literacy** Mandana Sajjadi | Manijeh Akhavan
10:28	**Russia's AI Ethics Code: A Human-Centered Approach** Elaheh Karimi Riabi | Ksenia Belikova
10:41	**Some Directions and Risks of Using Neural Networks to Combat Destructive Content: Lawyer's Opinion** Ksenia Michailovna Belikova
10:54	**Artificial Intelligence and Political Polarisation: The Role of Recommendation Algorithms in Exacerbating Social Divisions** [in Persian] Parham Pourramazan
11:07	**Examining the Impact of Machine-Generated Summaries on Eyewitness Memory Accuracy** Parisa Ehteshamnia
11:20	**The Role of the Media and Generative AI Models in Cognitive Warfare and Public Opinion Management, with Particular Reference to Religious and Artistic Implications** [in Persian] Zahra Haji Ahmadi
11:33	**Cognitive Prebunking in the Age of Generative Artificial Intelligence: A Three-Tier Framework for Resilience against Misinformation** [in Persian] Mehdi Amirnia
11:45 – 12:00	**Discussion**
12:00 – 13:15	**Prayer & Lunch**

Session 2.

Narrative Engineering, Public Diplomacy and the Battle for Perception in Cognitive Warfare

Narrative engineering and public diplomacy constitute strategic mechanisms for influencing collective perceptions, attitudes and interpretations in contested environments. Analysis of narrative competition, communication strategies and mechanisms of persuasion examines the capacities and limitations of different actors in shaping public perception and influencing the construction of meaning.

SEESION # 02

Narrative Engineering, Public Diplomacy and the Battle for Perception in Cognitive Warfare

Session Chair: Dr Farzad Gholami

Mellal Hall **10:15 – 12:00 AM**

10:15
Cognitive Warfare and Public Diplomacy in a Multipolar World: Media Narratives of the 2024 BRICS Summit in Kazan
Hossein Eshaghian

10:30
Elite Diplomacy in the Age of Cognitive Warfare: The Agency of the Academic Community in Breaking Cognitive Isolation through Social Media [in Persian]
Mohammad-Mehdi Sadeghi | Seyed Mohammad-Ali Seyed Hanaei

10:45
Strategic Communication and Media and Information Literacy in Wartime: Addressing Information Disorder and Strengthening Democratic Accountability
Alireza Salehi-Nejad

11:00
Electricity, Perception and Cognitive Warfare: Russian Information Operations concerning European Electricity Security [in Persian]
Mina Otadi

11:15
Manufacturing the Urban Threat: Narrative Engineering and the Media Securitization of Tehran and Dahiyeh during the Ramadan War
Hanieh Ghasemian

11:30
From the Battlefield to the Perceptual Domain: The Role of Narrative Warfare in Shaping Public Perception during Cognitive Warfare [in Persian]
Zahra Gholami Ghaieni Nasrabadi

11:45 – 12:00 **Discussion**

12:00 – 13:15 **Prayer & Lunch**

Session 3.

Media Literacy, Cognitive Autonomy and the Governance of Information Ecosystems

The increasing complexity of information ecosystems and the intensification of cognitive interventions underscore the need to reconsider media literacy and the requirements of cognitive autonomy. Examining information governance, critical content evaluation and the capacity to identify and interpret messages provides a framework for strengthening informed agency and promoting responsible engagement with information environments.

SEESION # 03

Media Literacy, Cognitive Autonomy and the Governance of Information Ecosystems

Session Chair: Dr Zohreh Nosrat Kharazmi

Hannaneh Hall **13:15 – 15:00 PM**

13:15	**The Palestine Chronicle (Editor-in-Chief)** Ramzy Baroud
13:28	**Social Platforms as Windows through which Children Understand the World: A Study of Approaches to Adapting Online Environments for Children, with a Focus on Platform Authority** [in Persian] Seyed Milad Mousavi Haghshenas
13:41	**Collective Memory and Cognitive Agency in Platform-Based Information Ecosystems: Re-examining Halbwachs in the Face of Algorithmic Mechanisms** [in Persian] Zahra Sadat Rouholamin | Mohammad Aghasi
14:54	**From Means to Meanings: Visions of Language and Literacy in the Age of Cognitive Power** Zahra Sadat Roozafzai
14:07	**Critical Media Literacy and Diaspora Narratives: Framing the 40-Day War to International Audiences** Zeinab Ghasemi Tari
14:20	**Polarised Minds, Connected Memories and Symbolic Boundaries: A Cognitive-Communicative Account of the Reconstruction of Cultural Memory in the Diaspora Ecosystem** [in Persian] Mohammad-Reza Vafaei | Ansiyeh (Eqlima) Pouladzadeh
14:33	**Cyber Sovereignty in the Age of the Digital Economy: From the East–West Divide to the Convergence of Digital Governance Models** Roohollah Kohanhoosh Nejad [in Persian]
14:46 – 15:00	**Discussion**
15:00 - 15:15	**Break**

Session 4.

Emotional Vulnerability, Polarisation and Cognitive Resilience in Cognitive Warfare

Emotions, cognitive biases and mechanisms of social polarisation are among the factors that shape the vulnerability of individuals and groups to cognitive interventions. Analysing the relationships between emotional arousal, judgement under conditions of uncertainty and the intensification of social divisions elucidates the theoretical foundations and strategic approaches required to strengthen cognitive resilience.

SESSION # 04

Emotional Vulnerability, Polarisation and Cognitive Resilience in Cognitive Warfare

Session Chair: Dr Farnaz Nouri

Mellal Hall **13:15 – 15:00 PM**

13:15	**Organization for Propaganda Studies / University of Sheffield**	Piers Robinson
13:28	**Iran-US Cognitive Warfare: A Qualitative Visual Analysis of 'Explosive Media's' Digital Counternarratives**	Setareh Sadeqi
13:41	**Feeling before Thinking: Affect, Belief and Vulnerability to Cognitive Work**	Shaho Sabbar
13:54	**Cognitive Warfare in the Digital Age: Strategies, Consequences and the Battle for the Human Mind** [in Persian]	Mohammad Hadi Vaez Mahdavi | Mohammad-Reza Dehshiri
14:07	**The Politics of Time in the Cognitive Ecosystem of Crisis: Information Circulation and the Window of Awareness during the Valencia Floods** [in Persian]	Seyed Mohammad Hossein Mirhashemi
14:20	**When Crisis Becomes Identity: Representing Iran in AlJazeera English's YouTube News Coverage**	Atefeh Toghyani
14:33	**A Comparative Study of the Effects of Institutional and Identity Cohesion on the Consequences of Cognitive Warfare, Polarisation and Social Reconfiguration in Iran and Venezuela** [in Persian]	Elaheh Nourigholamizadeh | Ali Aghamohammadi
14:46 – 15:00	**Discussion**	
15:00 - 15:15	**Break**	

Session 5.

AMedia Representations of War, Perceptual Manipulation and Critical Literacy

Media representations of war play a decisive role in shaping public understanding of conflicts, foregrounding selected realities and marginalising competing narratives. Examining visual imagery, news framing and mechanisms of perceptual manipulation highlights the importance of critical literacy in analysing media representations and evaluating the relationship between narrative, power and reality.

SEESION # 05

AMedia Representations of War, Perceptual Manipulation and Critical Literacy

Session Chair: Dr Seyed Milad Mousavi Haghshenas

Mellal Hall **15:15 – 17:15 PM**

15:15	**The Risks to Fundamental Rights of Countering Cognitive Warfare through Artificial Intelligence** [in Persian] Bahador Aminiān Jazi
15:30	**National Defence and the Agency of Local Media in Times of War and Crisis** [in Persian] Masoud Zamani Moghadam
15:45	**Somatic Engineering and Kinaesthetic Resistance: Cognitive Warfare and the Embodied Foundations of Knowledge** Mohammad Bagher Shabanpour
16:00	**Democratic Erosion in Latin America: Algorithmic Platforms, Disinformation Networks, and Electoral Perception in Closely Contested Elections** Elaheh Nourigholamizadeh
16:15	**Narrative Engineering and Market Manipulation Allegations: Axios's Reporting on the Iran War** Syed Humaira Ahad Chura
16:30	**The Visual Moralisation of Conflict in News Media: A Multimodal Framing Analysis of the Ramadan War in BBC Persian and Iran International** [in Persian] Maede Poorsafaee
16:45	**The Contest of Narratives: A Comparative Analysis of Media Representations of 'America from China's Perspective' and 'China from Its Own Perspective'** [in Persian] Ghazal Izadi
17:00 – 17:15	**Discussion**
17:15 – 17:45	**Prayer & Break**

Session 6.

Memory, Cognition and Ethical Responsibility in Digital Ecosystems

The mediation of memory, judgement and decision-making by digital technologies raises new questions concerning cognitive reliability and ethical responsibility. Examining the influence of AI-generated content, visual memes, cognitive inoculation and ethical choice elucidates the relationship between human agency, meaning-making and accountability in digital environments.

SEESION # 06

Memory, Cognition and Ethical Responsibility in Digital Ecosystems

Session Chair: Dr Shaho Sabbar

Hananeh Hall **15:15 – 17:15 PM**

15:15
University of Bristol
David Miller

15:30
The Peace Algorithm: Rethinking Cognitive Governance in the Age of Attention, from Algorithmic Oversight to the Architecture of Perception [in Persian]
Mobina Bakhshi

15:45
From Soft Power to Cognitive Warfare: The Role of LEGO Animations and Visual Memes in Narrative Engineering and the Shaping of Cognitive Agency [in Persian]
Mohammad-Mehdi Sadeghi | Abdolhossein Kalantari

16:00
Cartography of Mimicry and the Hollywoodisation of Conflict in Donald Trump's Digital Actions: Deconstructing Truth Social's AI-Generated Images in the Perceptual Engineering of Anti-Iranian Narratives
Barbad Taherkhani [in Persian]

16:15
Developing a Model of Cognitive Inoculation and Grassroots Agency in Managing Compound Crises: A Review and Analytical Approach to the Role of Media Literacy in Responding to Cognitive Warfare
Mojtaba Nouri Alamouti [in Persian]

16:30
Choice and Responsibility in Narrative Warfare: Rethinking Ethical Decision-Making in Cyberspace [in Persian]
Zahra Izadbin

16:45 – 17:15 **Discussion**

17:15 – 17:45 **Prayer & Break**

Closing Session

Closing Ceremony

Hannaneh Hall **17:45 – 18:45 PM**

17:45
Professor of Social Communications, Faculty of Social Sciences, University of Tehran **Blaming the Machine: AI and the Minab School Strike on Persian Social Media**
Ehsan Shahghasemi

18:05
Assistant Director of the ECO Cultural Institute
New Cognitive Approaches to Media Literacy: ECI's Experience
Ahmet Akalin

18:25
Vice-President for Women and Family Affairs of the Islamic Republic of Iran
Zahra Behrouz-Azar

18:45 **Souvenir Photo**

Keynote Paper

In the Name of God

Keynote Paper by the Conference Chair

The New Cognitive Warfare in Connection with Quantum Artificial Intelligence and the Dual-Spacization Model of Cognitive Warfare Literacy (CWL) Assessment

Saied Reza Ameli
Professor of Department of Communications and Global Studies, University of Tehran; Chair of UNESCO Chair on Culture and Cyberspace: Dual-Spacization of the World
ssameli@ut.ac.ir

Introduction

As we convene the Ninth International Conference on Information and Media Literacy, equipping the public—particularly those directly exposed—with information and media literacy to counter cognitive warfare techniques has become an inescapable imperative. The UNESCO Chair on Culture and Cyberspace takes inspiration from the theme designated by UNESCO for 2026: "We All Have a Role: Information and Media Literacy for the People". Accordingly, the Chair has framed the sub-theme of its Ninth International Conference as "We All Have a Role: Citizens as Actors in Cognitive Warfare in a World of Conflict", to be hosted by the Faculty of World Studies at the University of Tehran on 2 November 2026. Within the framework of this international scholarly gathering, efforts are directed at evaluating and elevating the literacy of the Iranian and global public regarding the mechanics of cognitive warfare. These mechanics manifest through disinformation, message distortion, the inculcation of corruption, discrimination, and perceived failure, as well as narrative amplification designed to incite civil strife or induce artificial food shortages. Such multifaceted tactics share a primary objective: destroying a nation from within, eroding national cohesion, engendering distrust toward public institutions, and fostering pervasive feelings of impoverishment and defeat.

Cognitive warfare represents a hybrid synthesis encompassing psychological operations, public diplomacy, cultural infiltration, cyber warfare, and conscious as well as unconscious cognitive manipulation, augmented by algorithmic warfare. Its aim is to fundamentally alter the cognition and behaviour of target populations—encompassing governance actors, military personnel, and the general public. Furthermore, cognitive warfare involves the strategic application of neuroscience, behavioural sciences, and digital technology to penetrate and disrupt human cognition, establishing itself as a vital component of modern strategic conflict capable of delivering immense destruction and transformative impact. Operating without hard military operations—and often deployed before, during, and after conventional warfare—it

seeks to induce the collapse or systematic debilitation of rival political regimes. In Chinese military doctrine, cognitive warfare is understood as a composite of public opinion warfare, psychological operations, and legal warfare—famously conceptualised as the 'Three Warfares' doctrine—designed to achieve intellectual and psychological dominance over both the citizenry and state officials (Hung and Hung, 2022). Given its complex and multifaceted nature, cognitive warfare constitutes an interdisciplinary—and indeed transdisciplinary—field, intersecting management, policymaking, sociology, cognitive psychology, data mining engineering, computer and quantum sciences, defence engineering, and related disciplines.



Figure 1. The Dual-Spacization of the World in Media and Information Literacy

NATO designates cognitive warfare as a novel operational domain, positioned alongside the traditional domains of land, sea, air, space, and cyber. According to NATO Allied Command Transformation, cognitive warfare comprises coordinated actions executed in tandem with other instruments of power to target the attitudes and behaviours of individuals, groups, or populations by influencing, protecting, or disrupting cognition, thereby securing a decisive advantage over an adversary (Deppe and Schaal, 2024). Concurrently, the emergence of frontier technologies has propelled the architecture of cognitive warfare beyond conventional psychological operations towards complex, algorithmic, systematic, granular, high-speed, networked, hyper-personalised, integrated, and highly controllable forms of psychological warfare. Algorithmic cognitive warfare, leveraged through intricate computational coding, possesses kinetic destructive potential—as demonstrated by the recent detonation of pagers during the conflict between the Israeli regime and Lebanon (El-Bayaa and Gultekin, 2025).

1) The Nexus between Cognitive Warfare, Artificial Intelligence, and Quantum Processing Technologies

The nexus connecting cognitive warfare to artificial intelligence and quantum processing technologies reflects the transition from traditional methodologies to sophisticated systems powered by billions of parameters within coded environments. Driven by the processing capacity of microchips housing hundreds of billions of transistors, these systems enable re-

al-time detection, targeted action, and tailored influence across individual and collective domains.

Formulating a strategic response to cognitive warfare for the Islamic Republic of Iran requires precise articulation across two primary dimensions: first, at the level of doctrine and theoretical strategy; and second, at the operational level. Operationally, attention must be directed to the negative constraints rooted in Islamic doctrine, ethics, and normative frameworks regarding the deliberate erosion of human morale, identity, and character, particularly concerning non-combatants. This raises fundamental ethical questions regarding the deployment of unethical instruments such as disinformation, labeling, and character assassination. On another level, cognitive warfare considerations must be fully integrated into defensive frameworks across offensive, defensive, and deterrent capabilities alike.

2) Four Interlinked Strategic Levels of Cognitive Warfare

Cognitive warfare must be understood as a multi-tiered phenomenon, the comprehension of which necessitates the simultaneous examination of technological infrastructures, shifts in military doctrine, operational methods, and the strategic imperatives of defence and deterrence.

1. First Level: At this primary level, it is essential to delineate the distinct attributes and transformative features of emerging technologies—focusing specifically on artificial intelligence and quantum processing—in contrast to legacy systems, thereby isolating the unique architecture of AI-driven paradigms. This level encompasses the infrastructural, structural, and technological dimensions that generate novel attitudinal, institutional, and procedural divergences.
2. Second Level: The focus here centres on fundamental shifts in military doctrine—specifically, the transition from conventional, high-risk, and capital-intensive hard warfare towards low-cost, low-risk, and highly efficacious hybrid cognitive doctrines capable of devastating an adversary's social and cultural cohesion. At this juncture, we confront paradigm shifts that redefine the very semantic architecture of aggression, defeat, defence, and deterrence. Within this framework, the strategic trajectories of both China and the United States warrant close observation. Furthermore, in formulating an foundational scriptural doctrine grounded in divine values, this level establishes the epistemological bedrock governing the nature and quality of defensive and offensive posture.
3. Third Level: This level addresses the practical application of these technologies within the domain of cognitive warfare, alongside the deployment of tactical and technical mechanisms associated with psychological, cyber, biological, and hybrid cognitive operations. Here, a concise retrospective analysis will be conducted regarding the methods and tactics of cognitive warfare deployed against the Islamic Republic of Iran since 1979 (1357 HS), the year of the Islamic Revolution's victory.
4. Fourth Level: At the final tier, attention shifts to the strategies and doctrine of the Islamic Republic of Iran concerning defensive and offensive cognitive warfare, fully accounting for national capabilities and value-based considerations rooted in divine thought.



Figure 2. Four strategic levels in cognitive warfare

2.1) Level One: Understanding the Architecture of Artificial Intelligence and Quantum Technologies

The architecture of artificial intelligence and quantum technologies rests upon specific structural features that underscore their exceptional efficacy, operational utility, and hitherto unexplored capabilities. Fundamentally, digital technologies can be analysed through a matrix of structural and functional properties that set them apart from conventional technological paradigms.

First, the digital nature of these technologies enables the conversion, storage, processing, and transmission of vast volumes of data. Second, their modular and networked configuration facilitates the interconnection of autonomous components and the dynamic reconfiguration of systems according to evolving requirements. Third, their algorithmic structure and systemic engineerability enhance the precision with which computational processes can be designed, tested, and optimized. Fourth, the integrative, systemic character of these architectures expands the potential for seamless interaction across data streams, software, computational infrastructure, and decision-making mechanisms.

Furthermore, Large Language Models (LLMs), characterized by deep multi-layered architectures and vast parameter counts, provide sophisticated capabilities in text generation and analysis, automated reasoning, software development support, and administrative task execution. Beyond conversational interface applications, these models—subject to technical constraints and security protocols—hold significant potential for utility in industrial data analytics, urban management, e-governance, and intelligence research into information environments and cognitive warfare. Finally, the layered nature of these architectures allows for a functional decoupling of data, model, software, and application layers, which, while serving discrete operational roles, interact dynamically through standardized interfaces and protocols.

2.2) Level Two: The Transition to Low-Cost, Low-Risk, High-Yield Warfare Doctrines (US and China Case Studies)

Although cognitive warfare may be waged prior to, during, or following kinetic conflict, it has increasingly attained the status of an independent strategic

International Conference on Media and Information Literacy

posture. Indeed, cognitive warfare is now conceptualised as a "substitute warfare" capable of achieving the primary objective of conflict—the defeat of the adversary—without recourse to kinetic engagement.

While acknowledging the critical importance of cognitive warfare, the United States has adopted a hybrid doctrine combining defensive measures with calibrated offensive capabilities (Bernal et al., 2020). Washington has invested heavily in emerging technologies—most notably AI and quantum computing—with the overarching strategic ambition of maintaining global dominance in this sphere (Kosal and Putney, 2023). The US has long integrated cognitive operations into its strategic posture through traditional psychological and information operations, exemplified by the activation of the US Army's 4th Psychological Operations Group, tasked with influencing foreign publics, domestic audiences, and military decision-makers across multiple echelons (King, 2011). With the advent of cyberspace and the proliferation of cyber warfare across social media platforms, email communications, commercial advertising, and synthetic media (deepfakes), these operations actively seek to erode the structural resilience of target states.

American strategy prioritizes the pervasive integration of artificial intelligence into high-precision computational systems dedicated to cognitive warfare. Furthermore, US strategic doctrine emphasizes the end-to-end automation and intelligent optimization of operational workflows, spanning target identification, campaign design, and execution (Probasco and Jang, 2025).

Conversely, within Chinese strategic doctrine, artificial intelligence is conceptualized as the cognitive equivalent of a nuclear weapon—a capability possessing the power to comprehend, forecast, and direct human behavior and action. Under this paradigm, human-machine interaction gives rise to seamless human-machine and machine-human extensions. Capitalizing on advancements in extended reality (XR) and virtual reality (VR)—which increasingly substitute for objective reality—Chinese theoretical models posit that the boundary separating human cognition, artificial intelligence, and humanoid robotics is becoming increasingly porous (Hung and Hung, 2022).

In operational terms, China leverages artificial intelligence across both overt and covert cognitive domains. In the overt domain, cognitive technologies are deployed across three distinct areas:

1. Cognitive Monitoring: Involving the capture and aggregation of neurological signals and physiological biomarkers associated with mental activity. This approach seeks to consolidate data pertaining to enemy cognitive states, where access to the psychological and physiological profiles of opposing personnel during tactical operations can significantly amplify military impact.
2. Cognitive Disruption Technologies: Utilizing a spectrum of mechanisms designed to compromise adversary brain function. For instance, high-power microwave weaponry can induce disorientation, nausea, or localized pain from a distance. American analysts have posited that the health incidents reported by US diplomats in Havana resulted from directed-energy weapons, with Chinese capabilities listed among primary subjects of strategic assessment. Indeed, China continues to conduct research and experimental testing into remote brain-impact technologies (Kosal and Putney, 2023).

2.3) Level Three: Methods, Tactics, and Techniques of Cognitive Warfare: Destruction and Subversion against the Islamic Revolution and the Islamic Republic of Iran

A diverse array of proactive and reactive tactics—supported by advanced capacities for monitoring and interpreting latent data, satellite-enabled "quantum surveillance" to trigger automated responses to sensitive events, and the expansion of connected devices across the Internet of Things (IoT) and the Internet of Everything (IoE)—has provided the foundational infrastructure for a new paradigm of cognitive engineering.

In short, the American cognitive campaign against Iran represents a complex puzzle composed of innumerable moving parts. Every event or intervention—from a single tweet to a Hollywood film, from economic sanctions to a formal diplomatic greeting—constitutes a segment within this broader matrix of soft confrontation. Shortly after the victory of the Islamic Revolution, US authorities launched Voice of America's Persian radio service in 1979 (1357 SH), followed by its television network in 1994, which eventually expanded into a 24-hour broadcasting service in 2002 (Asgharirad, 2012). With the rapid proliferation of the internet from 1998 onwards, the establishment of Google, and the subsequent rise of social media platforms in 2002, the operational domain of soft warfare and cognitive warfare expanded substantially.

From the very inception of the Islamic Revolution, the United States initiated psychological operations targeting the new order. Direct threats against the regime culminated in the Tabas military operation in 1980, which was swiftly followed by indirect warfare waged through proxy via Iraq. The deliberate influx of Western films, videos, and music on the one hand, alongside the imposition of trade restrictions and sanctions on the other, formed integral components of this psychological campaign.

The distinct diplomatic posture adopted by the Obama administration in 2009—characterised by conciliatory rhetoric and the establishment of a "Virtual Embassy"—formed part of a continuum combining attraction and coercion aimed at conditioning public opinion to perceive the Iranian state as inherently irrational. The subsequent escalation of economic sanctions to crippling levels, alongside the initiation of negotiations in 2012 that culminated in the Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA) in 2015, operated alongside direct diplomatic backing for the Green Movement and tactical assistance to Twitter-based communication networks from 2009 onwards. This dual strategy of pressure and allure was designed to steadily erode the foundations of the Islamic Revolution. President Trump's unilateral repudiation and exit from the JCPOA in 2018, combined with the assassination of Iranian nuclear scientists, marked a further intensification of this policy of coercion, threats, and targeted killings. Similarly, the Biden administration's explicit support for the 2022 "Woman, Life, Freedom" protests, alongside comprehensive cyber operations and extensive media infrastructure deployed to polarise Iranian society, represents the logical continuation of this overarching framework.

2.4) Level Four: Strategies and Doctrines of the Islamic Republic of Iran in Defensive and Offensive Cognitive Warfare

The fundamental question that arises is grounded in Islamic doctrine, what form should the Islamic Republic of Iran's engagement with cognitive warfare take? Clarifying the nation's offensive strategy in this domain requires

International Conference on Media and Information Literacy

addressing several essential theoretical and strategic questions:

1. What tactical and strategic measures must be adopted to neutralize enemy cognitive operations targeting the Iranian public and regional populations?
2. Are offensive cognitive operations targeting civilian populations doctrinally permissible?
3. What deterrent, defensive, and offensive strategies should be deployed against enemy military forces prior to, during, and following an act of aggression?
4. Is a conceptual distinction to be made between "hard" cognitive aggression—which results in physical or neurological harm—and "soft" cognitive engagement, which relies on persuasion, exposition, and intellectual illumination?

Answering these four questions delineates the macro-strategy of the Islamic Republic of Iran within the realm of cognitive and hybrid warfare. This strategy aims not only to neutralise enemy cognitive operations directed at citizens and state actors, but also to offensively target the distorted public perceptions cultivated within enemy states and their peripheral alliances.

3) The Dual-Spacization Model of Cognitive Warfare Literacy (CWL) Assessment: Dimensions, Indicators, and Scales

To rigorously measure "Cognitive Warfare Literacy," this model rests upon three foundational principles: individual cognitive autonomy, the ability to detect the manipulation of information, and a structural understanding of the dynamic interplay between the virtual world and the physical world. Within this framework, 50 specific indicators are distributed across 10 distinct dimensions. The weighting assigned to each dimension reflects its conceptual significance and functional role in identifying and counteracting cognitive manipulation. Consequently, these figures represent initial expert weightings rather than final coefficients derived from empirical statistical validation.

3.1) Weighting the Ten Dimensions

As demonstrated in the theoretical framework, the constituent components do not contribute equally to the final composite score. Within this model, Cognitive and Perceptual Literacy commands the highest weighting at 15 per cent, closely followed by Information Literacy and Fact-Verification at 14 per cent. Dual-Spacization and Hybrid Literacy and Algorithmic and AI Literacy each account for 13 per cent. Together, these four core dimensions constitute 55 per cent of the total evaluation. Thus, more than half of the overall assessment focuses directly on an individual's capacity to comprehend perceptual processes, evaluate information critically, navigate the convergence of physical and virtual environments, and understand the structural role played by algorithmic systems.

At the next tier, Narrative and Discursive Literacy holds a 10 per cent weighting, while Social and Social-Capital Literacy and Emotional and Psychological Literacy each account for 9 per cent. This distribution underscores the profound influence of narrative frameworks, social bonds, and affective responses when individuals are exposed to high-impact persuasive messaging. Resilience and Agency (7 per cent) and Political and Geopolitical Literacy (6 per cent) represent additional dimensions focused on deliberative action and

an understanding of macro-contextual dynamics. The lowest weighting, 4 per cent, is assigned to Ethical and Legal Literacy. However, this lower numerical weight does not imply that ethics and law are of minor importance; rather, it simply reflects their proportionate placement within this quantifiable model.

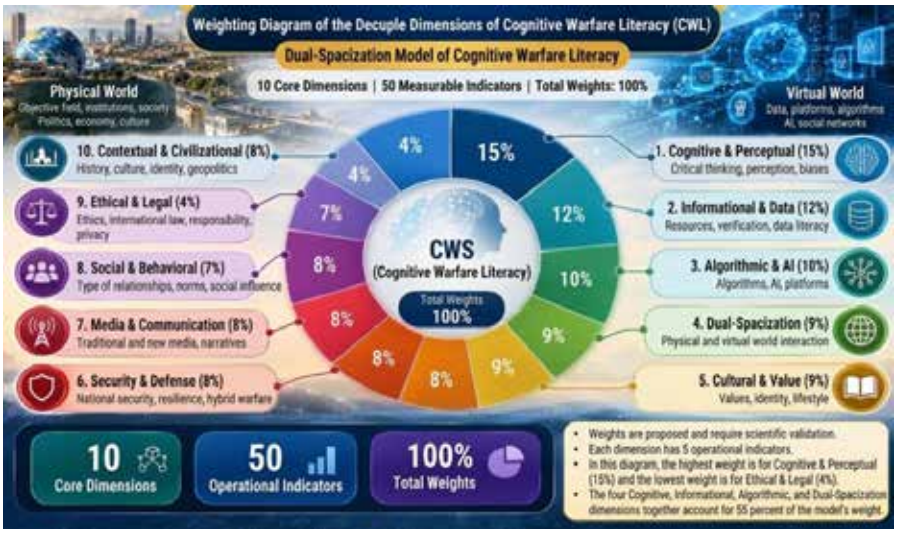


Figure 3. Weighting of Dimensions in the Total CWL Score

The sum of these weights equals exactly 100 per cent, allowing the scores of individual dimensions to be synthesized into an aggregate index. Nevertheless, this framework should be understood as a conceptual proposal rather than an absolute, definitive standard. The assigned weights require further expert review and empirical validation. For valid application, the operational definition of each dimension, the scoring methodology, item quality, and the suitability of indicators across diverse demographic groups must be thoroughly evaluated. Furthermore, it must be clearly established how the overall composite score is derived from sub-scores, and whether these weightings remain stable across varying operational contexts. The primary utility of this model lies in offering a clear, structured starting point for scholarly dialogue, empirical testing, and the refinement of a comprehensive, multidimensional assessment tool.

At the centre of the model lies the concept of Cognitive Warfare Literacy, surrounded by ten peripheral sectors representing the various facets of an individual's capacity to detect, analyse, and navigate cognitive influence. The circular design emphasizes the interconnectedness of these dimensions: no single dimension fully accounts for cognitive capability on its own. A robust assessment must account for the dynamic relations existing between cognition, information, technology, emotion, narrative, society, politics, and ethics.

Furthermore, the model visually positions the virtual world and the physical world on opposing sides of a shared continuum. Within the virtual domain, social networks, media, data, and intelligent systems are highlighted; within the physical domain, real-world events, society, and collective actions are emphasized. This visual contrast serves as a reminder that digital messages do not remain confined to online environments. Circulated narratives and perceptions directly intersect with everyday experiences and social behaviours, just as physical events continuously shape online

discourse. From this perspective, the "dual-spacization" dimension refers specifically to an individual's ability to navigate and track the continuous feedback loops operating between these two interlinked environments.

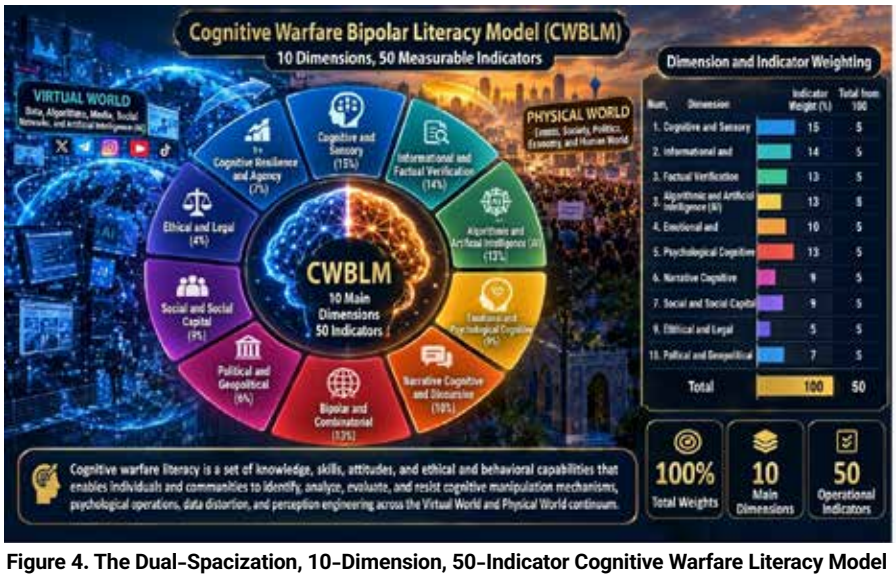


Figure 4. The Dual-Spacization, 10-Dimension, 50-Indicator Cognitive Warfare Literacy Model

Collectively, the four core dimensions—Cognitive, Information, Algorithmic, and dual-spatial literacy—comprise 55 per cent of the model's total weight, as they directly measure an individual's functional capacity to decipher the mechanisms driving modern cognitive warfare.

2.3) Fifty Operational Indicators and Dimensional Weightings

In the tables that follow, each indicator is assigned a percentage weighting based on a total score of 100, accompanied by a proposed measurement technique.

Dimension 1: Cognitive and Perceptual Literacy — 15 Points

This dimension is fundamental because exposure to information passes through an individual's cognitive architecture and interpretative mechanisms before it leads to judgment or decision-making. Consequently, evaluating cognitive warfare literacy without examining how beliefs are formed and judgments revised remains inherently incomplete. As the cognitive core of this framework, this dimension assesses the extent to which an individual can distinguish an initial impression from an evidence-based judgment, while maintaining intellectual autonomy in the face of new empirical data.

No.	Measurement Indicator	Weight (%)
1	Identification of confirmation bias in information absorption	3%
2	Differentiation between objective facts, interpretations, value judgments, and propaganda	3%
3	Identification of manufactured narratives alleging opponent victory or national collapse	3%
4	Recognition of perceptual manipulation executed via messaging saturation and selective highlighting	3%
5	Capacity to recalibrate judgments upon receipt of verifiable empirical evidence	3%

The third indicator specifically evaluates the capacity to rigorously examine empirical evidence regarding claims of victory or defeat, rather than uncritically accepting a preferred narrative beforehand.

Dimension 2: Information Literacy and Fact-Checking — 14 Points
The importance of this dimension derives from the direct reliance of cognitive processing on the structural quality of the information ecosystem. In an environment defined by rapid dissemination across multiple channels, mere access to content does not equate to valid comprehension. The framework must therefore evaluate an individual's capacity to scrutinise the empirical basis of their own judgments. This dimension bridges internal cognitive understanding with external evidence, determining whether an individual's assessment is grounded in reliable data or biased by the structural constraints of the information environment.

No.	Measurement Indicator	Weight (%)
6	Evaluation of news source credibility and institutional independence	2.8%
7	Verification and forensic authentication of images and audio-visual media	2.8%
8	Identification of fabricated news and intentional disinformation campaigns	2.8%
9	Comparative cross-referencing of multiple independent news sources	2.8%
10	Detection of selective statistical presentation and decontextualised data usage	2.8%

Dimension 3: Algorithmic and Artificial Intelligence Literacy — 13 Points
This dimension is rendered necessary by the expanding role of computational architectures in orchestrating the information ecosystem. Individual digital experience is rarely the result of pure personal selection; it is shaped by platform design, automated curation, and algorithmic data processing. Assessing cognitive warfare literacy must therefore extend beyond textual analysis to encompass the technical mechanisms that structure information exposure. This dimension gauges how well an individual understands the mediating role of technology in shaping digital experience, without reductively mistaking every algorithmic effect for intentional malice.

No.	Measurement Indicator	Weight (%)
11	Understanding the operational logic of recommendation algorithms	2.6%
12	Identification of filter bubbles and algorithmic echo chambers	2.6%
13	Detection of automated bots and coordinated inauthentic behavior	2.6%
14	Recognition of AI-generated or synthetic media manipulation	2.6%
15	Comprehension of micro-targeted advertising and behavioral persuasion mechanics	2.6%

Dimension 4: Emotional and Psychological Literacy — 9 Points

Human reasoning and judgment are intrinsically linked to emotional responses; affective states directly influence attention, evidence evaluation, and decision-making. Assessing this dimension is essential to understand the gap between receiving information and acting upon it. In this framework, this domain demonstrates that cognitive literacy cannot focus solely on analytical or logical abilities, but must also incorporate emotional regulation and psychological self-awareness. This approach evaluates an individual's readiness to respond deliberately to high-stress, emotionally charged messaging without framing emotion itself as an inherent cognitive vulnerability.

No.	Measurement Indicator	Weight (%)
16	Identification of calculated exploitation of fear and systemic anxiety	1.8%
17	Recognition of targeted incitement of collective anger and societal hostility	1.8%
18	Detection of engineered narratives designed to induce helplessness and despair	1.8%
19	Capacity for emotional self-regulation prior to redistributing content	1.8%
20	Understanding mechanics of emotional contagion within digital networks	1.8%

Dimension 5: Narrative and Discursive Literacy — 10 Points

Socio-political events are rarely understood outside of interpretative frameworks. Narratives enable individuals to connect disparate occurrences, assign meaning, and evaluate significance. Consequently, narrative analysis constitutes a core pillar of the Cognitive Warfare Literacy framework. This dimension focuses on how meaning is structured and collective perceptions formed, without assuming that every coherent or recurring narrative is inherently deceptive. Including this domain measures an individual's ability to examine the interpretative context of messages, distinguishing between evidence-based narratives, defensible commentary, and manipulative representations.

No.	Measurement Indicator	Weight (%)
21	Identification of narrative framing and editorial steering	2%
22	Detection of fabricated narrative arcs constructed around real-world events	2%
23	Recognition of selective context suppression and omitted background data	2%
24	Identification of pejorative labeling, stereotyping, and adversary construction	2%
25	Detection of organized narrative repetition and cross-platform synchronization	2%

Dimension 6: Dual-Space and Hybrid Literacy — 13 Points

This dimension forms the defining axis of the proposed model, for contemporary human experience no longer unfolds within a fixed boundary separating digital environments from the physical world. Information circulated across

virtual space routinely dictates social relations, public trust, and tangible offline actions; conversely, real-world events acquire vastly altered meanings through digital representation. Consequently, analyzing either sphere in isolation is insufficient for comprehending cognitive processes in their entirety. This dimension enables the analysis of reciprocal dynamics between these two environments, evaluating an individual's ability to grasp the social and behavioural ramifications of this interplay—without assuming the relationship between the virtual and physical realms to be strictly linear or inevitable.

No.	Measurement Indicator	Weight (%)
26	Grasping the impact of virtual algorithms on physical perception and behaviour	2.6%
27	Comprehending the translation of physical events into digital representations	2.6%
28	Detecting the exploitation of real-world incidents for misleading narrative construction	2.6%
29	Discerning the feedback loops between the virtual and physical worlds	2.6%
30	Evaluating the repercussions of digital behaviour on social trust and civic action	2.6%

Dimension 7: Political and Geopolitical Literacy — 6 Points

Interpreting information flows within political and international conflicts requires close attention to the structural context in which information is produced and disseminated. Actor interests, power relations, and regional or global rivalries directly shape topic selection, representational framing, and audience perception. This dimension is crucial for anchoring cognitive analysis within the empirical realities of conflict. Its inclusion evaluates an individual's capacity to understand the political contextualisation of claims without reducing message credibility merely to the speaker's identity or political affiliation—thereby balancing contextual analysis with independent evidentiary evaluation.

No.	Measurement Indicator	Weight (%)
31	Comprehending the interests and strategic objectives of conflict actors	1.2%
32	Independently evaluating claims of military and political victory or defeat	1.2%
33	Detecting information influence and psychological operations	1.2%
34	Distinguishing evidence-based political critique from deceptive assertions	1.2%
35	Grasping the role of geopolitical rivalries in directing information flows	1.2%

Dimension 8: Social Literacy and Social Capital — 9 Points

When effective, cognitive warfare transcends individual beliefs to erode collective trust, cooperation, and social cohesion. Assessing cognitive warfare literacy therefore demands attention to collective capacities and how individuals navigate divergent perspectives. This dimension connects the

individual level of analysis to interpersonal and intergroup relations, examining the roles of reasoned dialogue, mutual trust, and civic responsibility. A society resilient against disinformation is not merely a collection of critical individuals; it requires robust social bonds that permit the rigorous evaluation of disagreements without triggering unnecessary polarization.

No.	Measurement Indicator	Weight (%)
36	Identifying deliberate attempts to induce social polarization	1.8%
37	Detecting the erosion of social trust caused by deceptive information	1.8%
38	Engaging in reasoned, evidence-based dialogue with opposing perspectives	1.8%
39	Identifying rumors intended to incite social conflict	1.8%
40	Distinguishing legitimate civic protest from manipulative incitement to violence	1.8%

Dimension 9: Ethical and Legal Literacy — 4 Points

The evaluation of cognitive warfare literacy must not be restricted to technical information processing, as the dissemination and utilization of knowledge carry profound ethical and legal consequences. Even an individual with advanced analytical skills may exacerbate information harms if they disregard the rights of others or neglect communicative responsibilities. This dimension provides the normative framework for the model, linking cognitive capability with ethical responsibility. Assessing this domain determines the degree to which information practices align with human dignity, individual rights, and accountability for the downstream effects of sharing content.

No.	Measurement Indicator	Weight (%)
41	Adhering to principles of information integrity and intellectual honesty	0.8%
42	Respecting human dignity when engaging with ideological opponents	0.8%
43	Recognizing the threshold between freedom of expression and incitement to violence	0.8%
44	Respecting privacy rights and personal data protection regulations	0.8%
45	Demonstrating accountability when correcting and recirculating information	0.8%

Dimension 10: Cognitive Agility and Social Resilience— 7 Points

Social resilience concerns the ability to maintain analytical rigor and act adaptively under conditions of information pressure, ambiguity, and flux. Theoretical knowledge and analytical skills possess real-world utility only when individuals can deploy them within ambiguous real-time situations. Thus, the model must measure not only static analytical capacity but also the translation of that capacity into deliberate decisions and actions. Completing the applied dimension of the framework, this component illustrates that navigating complex information environments demands intellectual flexibility, tolerance for ambiguity, and a willingness to revise judgment—rather than dogmatic adherence to prior beliefs.

No.	Measurement Indicator	Weight (%)
46	Resisting social and group pressure to conform to dominant narratives	1.4%
47	Demonstrating sound decision-making under conditions of informational ambiguity	1.4%
48	Effectively managing exposure to high volumes of contradictory information	1.4%
49	Updating beliefs and behaviors following rigorous verification	1.4%
50	Responsibly participating in the correction and debunking of false information	1.4%

3.3) Scoring System and Composite Index Calculation

For each indicator, a raw score ranging from 0 to 4 is assigned. This proposed scoring system is designed to transition cognitive warfare literacy assessment away from impressionistic descriptions toward a standardized, replicable process. Establishing this common framework ensures a consistent interpretation of performance across dimensions, allowing researchers to differentiate basic familiarity from independent critical analysis.

Performance Level	Criterion	Scale Level
Deficient	Incorrect response or complete inability to perform the task	1
Weak	Limited recognition accompanied by fundamental analytical errors	2
Moderate	Partial identification of the problem with incomplete reasoning	3
Good	Largely accurate identification supported by reliable evidence	4
Excellent	Precise diagnosis, independent reasoning, and evaluation of conflicting evidence	5

Deploying operational performance levels aids in identifying diagnostic strengths and educational needs, provided that evaluation criteria are clearly operationalized and uniformly applied across contexts. Furthermore, the validity of the overall composite index depends on the aggregation methodology, justification of assigned weights, and empirical reliability testing. Until empirically validated, these proposed weights serve as baseline parameters. The following five-tier scale is provided for the initial interpretation of composite scores.

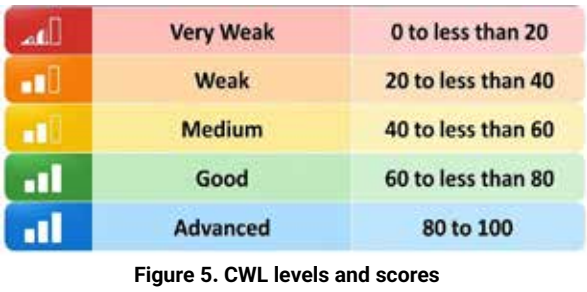


Figure 5. CWL levels and scores

4.3) Methodology for Weight Stabilisation

To operationalise this framework into a methodologically sound research instrument, I propose a four-stage execution process:

1. Expert Delphi Consensus: Engaging specialists across cognitive science, communications, social sciences, artificial intelligence, social psychology, jurisprudence, and security studies to refine the analytical indicators.
2. Weighting via Analytic Hierarchy Process (AHP) or Best–Worst Method (BWM): Determining the relative weight of each dimension and comparing empirical weightings against baseline assumptions.
3. Pilot Testing: Administering the survey and functional performance tests to a representative sample of approximately 200 to 300 respondents, calibrated to the instrument's structural parameters and analytical requirements.
4. Final Validation: Assessing content validity, factorial structure, reliability, criterion validity, and indicator performance across diverse demographic cohorts.

It is advisable that functional performance tests constitute a larger proportion of the assessment than self-reporting questionnaires—particularly for indicators 3, 13, 22, 27, 28, 32, and 40—given the prevalent human tendency to overestimate personal immunity to cognitive manipulation.

4. Measuring Cognitive Warfare Literacy and Social Resilience

Alongside the Cognitive Warfare Literacy (CWL) Questionnaire, two supplementary instruments have been devised: one to evaluate cognitive capacity and compute the CWL Index—monitoring an individual's ability to identify, analyse, and counter cognitive manipulation—and another to assess the Cognitive Warfare Social Resilience Index. The latter measures the collective capacity of a society to maintain evidence-based trust, open discourse, social cohesion, and responsible agency under conditions of informational stress, yielding both individual and societal resilience scores (Collins, 2025).

This structural differentiation is vital: high individual cognitive literacy does not automatically translate into elevated institutional trust or social capital. Furthermore, diminished trust in a given institution cannot be treated ipso facto as evidence of a successful cognitive operation; institutional trust must always be evaluated relative to empirical evidence and actual institutional performance.

The primary theoretical virtue of the present model lies in linking cognitive literacy with dual-space dynamics. That is, it concurrently measures awareness of how the digital sphere impacts the physical world, and how physical events inform the generation and reproduction of digital narratives. This architecture provides a robust foundation for conducting a "National Cognitive Warfare Literacy Survey" and cross-analysing results against key demographic variables such as age, educational attainment, gender, occupation, social media usage patterns, and distinct population cohorts.

Nevertheless, empirical data derived from these questionnaires should not be interpreted as a definitive blueprint of population behaviour. Survey responses remain susceptible to personal experience, immediate socio-economic conditions, and subjective interpretations of the prompt

items. Public policy formulation based on these metrics must therefore exercise methodological restraint, triangulating survey findings with independent analytical methods wherever possible. This balanced approach enables a nuanced diagnosis of prevailing conditions without obscuring critical variations between individuals and social groups.

5) Metrics for Assessing Cognitive Warfare Impact and Perceptual Resilience

Measuring the impact of cognitive warfare requires a strict conceptual distinction between cognitive warfare literacy, social resilience against cognitive operations, and the observable shifts in cognition, perception, attitude, and behaviour resulting from exposure. Although interrelated, these three domains are not identical and must not be collapsed into a single metric. Cognitive warfare literacy denotes the individual capacity to detect, analyse, and critically interrogate manipulative mechanisms. Social resilience reflects the collective capacity of a society to preserve cohesion, manage internal discord, resist provocation, and rebuild trust and cooperation under stress. Impact, by contrast, measures the magnitude of change produced by hostile operations targeting individual and collective beliefs, evaluations, perceptions, attitudes, and actions. An effective diagnostic framework must maintain these analytical distinctions while evaluating their mutual interactions.

Cognitive warfare literacy can be evaluated using the 50-item questionnaire outlined previously. This instrument spans ten core dimensions: cognitive and perceptual; informational and verification; algorithmic and AI; affective and psychological; narrative and discursive; dual-space and hybrid; political and geopolitical; social and social capital; ethical and legal; and resilience and agency. To compute dimensional scores, the mean response for each dimension is calculated and converted to a standardised 0–100 scale from the original five-point Likert responses. Standardised dimensional scores are subsequently weighted according to their designated relative importance to yield the aggregate CWL Index score.

Social resilience against cognitive operations is measured using the dedicated 30-item scale. This instrument evaluates six dimensions: evidence-based social and institutional trust; social cohesion and conflict management; resistance to provocation and polarisation; dual-space resilience in crisis conditions; civic participation and social responsibility; and realistic hope and collective efficacy. Scoring follows a parallel methodology, with dimensional means converted to a 0–100 scale and weighted proportionately to generate the overall Social Resilience score.

Crucially, a society may exhibit high baseline cognitive literacy yet experience eroding trust, heightened polarisation, or impaired civic cooperation during an acute crisis. Conversely, declining trust in public institutions or rising criticism of official policies does not inherently signal the success of adversary cognitive operations. Such shifts frequently stem from lived experiences of governance failures, unsustainable socio-economic conditions, or other domestic realities wholly unrelated to foreign interference. Disentangling these endogenous factors from targeted operations remains a critical prerequisite for accurate impact assessment.

A further imperative is the simultaneous tracking of digital and physical

environments. While cognitive operations frequently originate within social media networks and algorithmic architectures, their real-world ramifications manifest in interpersonal relations, institutional trust, civic participation, collective decision-making, and broader social dynamics.

While the CWL Questionnaire measures individual analytical capabilities and the Social Resilience scale gauges collective capacity under stress, neither instrument in isolation provides a definitive verdict on the success or failure of cognitive defence and deterrence. Interpreting these metrics requires careful calibration against instrument validity, specific population characteristics, exposure contexts, and independent empirical evidence. Furthermore, prior to extensive empirical validation, establishing rigid thresholds for categorical labels ("low", "moderate", "high") remains unfeasible. Adopting this rigorous, evidence-based approach ensures that cognitive warfare analysis moves beyond speculative, unprovable claims towards a systematic, measurable, and empirical discipline.

Conclusion

In an era where the boundaries separating news, narrative, lived experience, and decision-making grow increasingly blurred, the human mind has emerged as a primary locus of strategic competition. The significance of this transformation lies in the fact that the ramifications of conflict are no longer confined to the physical battlefield or the outcomes of kinetic military engagements. Rather, they manifest in public perceptions of reality, social trust, expectations of the future, and a society's capacity for autonomous decision-making. Viewed from this perspective, the fundamental challenge lies in preserving a society's ability to discern objective reality at a time when reality itself is continuously mediated and framed through competing narratives.

The advent of artificial intelligence, algorithmic systems, and high-performance computing architectures has ushered this dynamic into a new phase. As the generation, curation, and dissemination of information occur at unprecedented speed and scale, the mechanisms for influencing the information environment have grown considerably more complex. Nevertheless, technological capabilities must not be conflated with the absolute capacity to control human cognition. While technology configures the terrain of influence, outcomes remain contingent upon a multitude of factors, including individual lived experiences, socio-political conditions, public trust, communication structures, and the quality of accessible information. Consequently, any analysis of cognitive warfare that overlooks either technological capabilities or the intricacies of human agency will inevitably yield an incomplete understanding.

Within this framework, the paradigm of dual-spatiality assumes particular analytical salience. The virtual sphere is not merely a domain detached from physical existence; the narratives circulated online exert a direct impact upon offline decisions, social relations, and public interpretations of concrete events. Conversely, physical occurrences are assigned divergent meanings through the selective presentation of imagery, the suppression of contextual data, and the

systematic reproduction of digital narratives. This continuous feedback loop between unmediated physical experience and mediated digital rep-

resentation underscores the urgent imperative to focus analytical attention on cognitive warfare.

For the Islamic Republic of Iran, this challenge intersects not only with technological and communicational imperatives, but also with fundamental questions surrounding national security, public trust, and ethical responsibility. Any strategy designed to counter cognitive warfare that focuses exclusively on neutralizing adversary initiatives risks neglecting the vital importance of information reliability, institutional transparency, and the public's right to independent critical assessment. Cognitive warfare cannot be addressed simply by multiplying counter-messaging or amplifying narrative competition. Message credibility, empirical verisimilitude, respect for human dignity, and the provision of avenues for critical debate and course correction represent indispensable criteria for evaluating any serious strategic communication policy.

Furthermore, any strategic differentiation between defence, deterrence, and offensive operations must strictly account for human consequences and ethical boundaries. This consideration is particularly critical given that cognitive warfare fundamentally targets civilian populations and non-combatants.

Accordingly, the measurement of Cognitive Warfare Literacy and social resilience acquires genuine value only when deployed as an empirical tool to diagnose society's actual capacities and vulnerabilities. Assessing individual abilities to navigate information must proceed hand-in-hand with examining the systemic conditions that enable access to reliable information, foster public discourse, and sustain evidence-based institutional trust. Moreover, the results of such assessments must be rigorously validated against empirical data, keeping in mind the methodological limitations inherent in self-reported survey instruments.

Ultimately, the significance of information and media literacy in today's fractured global environment lies in uniting individual critical capacity with collective civic responsibility. No society can render itself immune to cognitive manipulation solely through technological defenses or by assuming its citizenry possesses perpetual immunity to deception. What remains essential is fostering an environment wherein critical inquiry, evidence-based verification, institutional accountability, responsible dialogue, and social solidarity can flourish together. Under this paradigm, citizens are not passive recipients of information streams, but active agents whose choices and interactions directly shape the collective future of society. This perspective elevates cognitive warfare literacy beyond a technical skill, establishing it as a core component of a society's broader capacity for a deliberate, ethical, and responsible engagement with contemporary conflict.

Bibliography

Asgharirad, J. (2012). *U.S. public diplomacy towards Iran during the George W. Bush era* [Doctoral dissertation, Freie Universität Berlin]. Refubium. https://doi.org/10.17169/refubium-11288

Collins, J. J. (2025). Winning without fighting: Irregular warfare and strategic competition in the 21st century. *Joint Force Quarterly, 117*(2), 92-93.

Deppe, C., & Schaal, S. (2024). Cognitive warfare: A conceptual analysis of the NATO ACT cognitive warfare exploratory concept. *Frontiers in Big Data, 7*,

Article 1452129. https://doi.org/10.3389/fdata.2024.1452129

El-Bayaa, N., & Gultekin, O. (2025). The supply chain vulnerabilities of weaponizing daily consumer technologies used in Middle-East conflicts: A case study of Israel pager and walkie-talkie operation attacks in Lebanon from non-technical perspective. *Journal of Cultural Analysis and Social Change, 10*(2), 2287–2294. https://doi.org/10.64753/jcasc.v10i2.1925

Hung, T.-W., & Hung, T.-W. (2022). How China's cognitive warfare works: A frontline perspective of Taiwan's anti-disinformation wars. *Journal of Global Security Studies, 7*(4), Article ogac016. https://doi.org/10.1093/jogss/ogac016

King, C. (2011). Military social influence in the global information environment: A civilian primer. *Analyses of Social Issues and Public Policy, 11*(1), 1–26. https://doi.org/10.1111/j.1530-2415.2010.01214.x

Kosal, M., & Putney, J. (2023). Neurotechnology and international security: Predicting commercial and military adoption of brain-computer interfaces (BCIs) in the United States and China. *Politics and the Life Sciences, 42*(1), 81–103. https://doi.org/10.1017/pls.2022.2

Modjtahedi, G., & Szpunar, P. M. (2022). Soft news in soft war: Maximum pressure, Voice of America, and outrage media in Iran. *International Communication Gazette, 84*(7–8). https://doi.org/10.1177/17480485221088395

Probasco, E. & Jang, M. (2025). *Military AI: Angel of our Better Nature or Tool of Control?* https://warontherocks.com/2025/05/military-ai-angel-of-our-better-nature-or-tool-of-control/

English Abstracts

Regulation and Media Literacy as Complementary Pillars of Audiovisual Governance

Ahmet Akalın
PhD. From Ankara University, ECO Cultural Institute (ECI) | ORCID: 0000-0001-9761-1569
ahmetakalin@gmail.com

Audiovisual media regulators have traditionally governed the media environment through licensing, ownership rules, content standards, and sanctions. Fast technological change, from digital broadcasting to streaming platforms and social media, has steadily eroded the capacity of these instruments to protect audiences on their own. This article argues that media literacy should be understood not as a substitute for regulation but as its necessary complement within a broader model of audiovisual governance. Drawing on an institutional, policy-oriented perspective developed in the study of Turkish audiovisual regulation, the article traces how technological developments have repeatedly forced legal frameworks to adapt, and how ownership structures and media economics shape the range of content audiences encounter. It then examines how regulatory authorities, through strategic planning, public communication, and corporate image, can present themselves as educators and trust-builders as well as enforcers. It also considers cooperation among regulators, such as proposed platforms linking regulatory bodies across the Turkic world, as a channel for sharing literacy initiatives, curricula, and evaluation practices. The article further connects literacy to soft power. As states project cultural influence through audiovisual content, audiences' critical competencies determine how such messages are interpreted, accepted, or resisted. Analyzing the representation of identities and groups in audiovisual works is therefore a regulatory concern as well as a pedagogical one. The article proposes a three-level framework: a structural level (ownership, licensing, and market conditions), an institutional level (regulators' mandates, strategies, and public engagement), and an audience level (critical reading, representation analysis, and digital competencies). We think that effective governance in converged media environments depends on aligning these levels, and that regulators are well placed to coordinate literacy efforts with schools, civil society, and industry. Policy implications and directions for comparative research are discussed.

Keywords
#Media regulation #media literacy #audiovisual governance #regulatory authorities #soft power #Türkiye #cultural diplomacy #ECO Region

Representation of the Middle East and War in Hollywood: Implications for Audience Media Literacy

Maral Amini (Corresponding Author)
B.A. Student in Communication Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran | ORCID: 0009-0004-8335-7503
maral.amini1404@ut.ac.ir

Moloud Rezvani
Instructor and Teaching Assistant
Department of Cinema, University of Tehran and Soore University, Tehran, Iran
Moloud.rezvani@ut.ac.ir

Although Hollywood has long served as a platform for the production and circulation of negative Orientalist narratives and stereotypes about the Middle East, the end of the Cold War marked an important turning point in the transformation of these narratives and representations, contributing to the emergence of a Neo-Orientalist discourse. One of the major turning points in the formation of the U.S. media discourse surrounding terrorism and the Middle East was the September 11, 2001 attacks. Following these attacks, the association between the concepts of terrorism and the Middle East intensified. Since then, the Middle East has been represented in a significant body of Hollywood productions through concepts such as war, terrorism, and violence, a phenomenon that further underscores the importance of audience media literacy when engaging with such works. This study employs a case study approach, with the required data collected through content analysis of selected cinematic works, as well as a review of library resources and relevant documents. To analyze the selected films, the study examines components including characterization, dialogue, visual elements, narrative structure, and the positioning of protagonists and antagonists. The main research question is: How does Hollywood, through narrative strategies and cinematic elements, contribute to preparing public opinion for wars in the Middle East? The theoretical framework of the study is based on Framing Theory and Cultivation Theory. Framing Theory is employed to examine elements associated with the Middle East as represented in cinematic works, while Cultivation Theory is used to analyze recurring patterns and their potential influence on audiences' perceptions and media literacy. By examining and analyzing selected cinematic works, this study seeks to identify recurring patterns in the representation of the Middle East, war, and the "Other," and to emphasize the necessity of greater attention to media literacy when audiences engage with such cinematic productions.

Keywords
#Hollywood #narrative warfare #Middle Eastern wars #media literacy #public opinion

Decolonising Media and Information Literacy for an Age of Cognitive Warfare

Zubair Khalilrahman Auzarmi
Asociate professor, Department of Communication Studies, Kabul University, Afghanistan
khalilauzarmi@ku.edu.af

Most of what is taught today as media and information literacy was conceived in Europe and North America and then exported, often through donor-funded projects, to countries like ours. It arrived with its own assumptions about which sources deserve trust, which threats are worth worrying about, and who the manipulators are. For Afghans, whose information environment has been shaped by one foreign intervention after another, this inheritance is uncomfortable. International programmes have tended to treat audiences in the South as vulnerable people in need of protection. They have said little about the cognitive operations that powerful states and their media have themselves directed at those audiences. In this paper we argue for a decolonial redesign of media and information literacy suited to a period of cognitive warfare. Building on postcolonial critiques of epistemic dependency, we suggest that literacy in the Global South should start with the geopolitics of information. Who produces the stories told about formerly colonised and occupied societies? Through which channels do those stories travel, and whose interests do they serve? We are equally wary of the opposite error. Postcolonial thinkers have warned for decades that national elites can take over the habits of the colonisers they replaced. A literacy that teaches suspicion of foreign media while exempting domestic power would simply change the master. Citizens need to be able to question their own authorities, policies and official accounts with the same care. We set out several principles for a literacy that is rooted in local languages and experience and that keeps its eye on power wherever it sits. Afghanistan's case, we believe, holds lessons for other societies of the South that want resilience without giving up independent judgement.

Keywords
#Afghanistan #cognitive warfare #decolonial media literacy #epistemic dependency #Global South

Narrated from Elsewhere: Afghanistan, Narrative Warfare, and the Right to Self-Representation

Zubair Khalilrahman Auzarmi
Asociate professor, Department of Communication Studies, Kabul University, Afghanistan
khalilauzarmi@ku.edu.af

Afghanistan has been described from the outside for a very long time. British imperial accounts, Cold War propaganda, the rhetoric of the "narrative on war" and much humanitarian reporting have all relied on a small set of images: the graveyard of empires, the failed state, the country of victims waiting to be rescued. These images did not disappear. In the current climate of narrative warfare, governments, diaspora networks and online influencers recycle them, each wanting to decide what Afghanistan means, both for people abroad and for Afghans themselves. We approach this problem through postcolonial theory, especially Said's work on Orientalism and Spivak's well-known question about whether the subaltern can speak. Our argument is that media and information literacy in places like Afghanistan needs a component we call narrative literacy. A narratively literate reader notices recurring frames, asks where they came from and who gains from them, and pays attention to the people missing from the story. These habits are just as useful at home. Local authorities also shape stories about history, faith, gender and nationhood in order to justify what they do, and a reader trained only to distrust foreign narratives remains easy to lead. Seen this way, narrative literacy is less a shield for one side than a civic skill that lets a society speak for itself. The paper describes practices for classrooms, community settings and local media through which Afghans, and other peoples with a colonial past, can compare competing accounts and tell their own stories from lived experience. The contest over narratives, we suggest, is in the end a contest over who gets to tell a society's story.

Keywords
#Afghanistan #narrative literacy #narrative warfare #Orientalism #self-representation

British media Role in the Cognitive warfare of the Gaza War

Zahra Bagheri
Master of Arts, Regional Studies, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran
zahrabagheri5512@gmail.com

Cognitive warfare, widely conceptualized as a dimension of fifth-generation warfare, has emerged as a significant feature of contemporary conflict, in which cognitive processes, perceptions, and decision-making are increasingly targeted as strategic domains. Britain has frequently sought to influence audience opinion across various online platforms through the dissemination of messages and content creation. The central research question asks: How has British media utilized media to wage cognitive warfare within the contentious context of the Gaza conflict? Employing agenda-setting theory and a qualitative thematic analysis method, this study aims to analyze British media role in conducting cognitive warfare regarding the Gaza conflict. The findings indicate that Britain influences public opinion and shapes perceptions in the digital space by employing contradictory human rights narratives, disseminating misinformation about the conflict's developments, legitimizing and justifying Israel's actions, discrediting pro-Palestinian elites and political movements, and conducting targeted anti-Palestinian propaganda; these tactics foster an emotional and cognitive rift between the masses and the elites. Furthermore, Britain's online activities aim to disrupt the strategic and computational frameworks of the conflict's decision-makers. It is anticipated that, in the coming decades, Britain will expand its reach and influence regarding global developments—particularly the Gaza conflict—through the use of cognitive warfare.

Keywords
#British media #cognitive warfare #digital space #Gaza conflict

Some Directions and Risks of Using Neural Networks to Combat Destructive Content: Lawyer's Opinion

Ksenia Michailovna Belikova
Kutafin Moscow State Law University
BelikovaKsenia@yandex.ru

With the development of new technologies, the threat to national security and individuals from destructive content increases. In our opinion when people cannot distinguish between truth and lies, it becomes necessary to explore the risks of using neural networks in order to combat such content. This report analyzes how neural networks can be used to combat destructive content, while considering the legal risks and limits of such use. The analysis centers on two pillars. First, it examines the practical utility of neural networks for detecting and moderating harmful material: real-time content moderation, linguistic analysis, prediction of potential threats, and identification of suspicious accounts. These tools can make the internet safer, especially when combined with human efforts. Second, it evaluates the evolving legal and regulatory landscape as Russian law, for instance, imposes severe penalties for knowingly false information about the Armed Forces; strategic documents such as the National Security Strategy and Decree No. 809 protect traditional values; and initiatives like Roskomnadzor's "Oculus" and the Center for the Study of Network Monitoring of the Youth Environment illustrate state responses. At the same time, proposals for regulating neural networks themselves remain fragmented, requiring a symbiosis of self-regulation and legal regulation. Methodologically, the study employs systems analysis and lessons from adaptive sectors, based on dialectical logic and relevant academic and legal sources. Key findings are as follows: 1) Neural networks significantly increase the effectiveness of combating destructive content by automating detection, moderation, and threat prediction. However, they should not replace human moderators or legal safeguards; their use must be transparent, accountable, and consistent with fundamental rights; 2) A comparison of regulatory approaches reveals a gap between rapid technological development and existing law. Russia and other states are developing counter-disinformation measures and content-monitoring systems, but the legal status, principles, restrictions, and liability rules for neural networks remain insufficiently defined. A combination of technical standards and binding legal norms is needed; 3) The fight against destructive content also requires human resilience. Thus, the author comes to the conclusion that new professions such as fact-checkers are emerging, and that maintaining objectivity and being able to distinguish between truths and falsehoods are important skills for making informed decisions and avoiding manipulation to combine technological tools with human judgment, critical thinking, and media literacy.

Keywords
#destructive content #neural networks #national security #countermeasures #legal regulation #content moderation #disinformation

Narrative Engineering and Market Manipulation Allegations: Axios's Reporting on the Iran War

Syed Humaira Ahad Chura
PhD Researcher, Department of Communication, Faculty of Communication Studies, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran | ORCID: 0009-0004-8489-9443
syedhumaira546@gmail.com

The relationship between wartime reporting and financial markets has become a significant concern in the coverage of the Iran war, particularly when reports of diplomatic breakthroughs or imminent ceasefire agreements coincide with sharp movements in oil prices. Axios's reporting on negotiations between Washington and Tehran has attracted scrutiny over the timing of its reports, the subsequent status of the claims published, and the market activity surrounding their publication. In May 2026, allegations of possible market manipulation following Iran-related reporting by Axios received public attention. This study examines Axios's coverage of the Iran war to investigate the relationship between wartime narratives, the verification of news claims, and movements in financial markets. Using qualitative content analysis and a comparative timeline of selected reports, the research will examine coverage of military developments, escalation threats, and diplomatic negotiations, with particular attention to reports presenting a possible agreement as imminent or close. It will compare the claims, sourcing, and language of initial reports with subsequent statements and independently documented developments. Where relevant, publication times will be examined alongside reported oil-price movements and available evidence of futures-market activity. The study aassesses whether recurring patterns of sourcing, framing, and reporting warrant concerns about misleading wartime narratives and their potential market implications. By examining the intersection of journalism, geopolitical narratives, and financial markets, the research seeks to contribute to scholarship on narrative engineering and the political and economic consequences of wartime reporting.

Keywords
#Iran war #Axios #narrative engineering #oil markets #wartime journalism #market manipulation

Constructing Afterlife Narratives: How Kashmiri Audiences Receive Zindagi Pas Az Zindagi

Syed Humaira Ahad Chura
PhD Researcher, Department of Communication, Faculty of Communication Studies, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran | ORCID: 0009-0004-8489-9443
syedhumaira546@gmail.com

Reza Saberi
Assistant Professor, Department of Public Relations, Faculty of Communication Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
r.saberi@atu.ac.ir

Seyeed Reza Naghibsadat
Professor, Department of Public Relations, Faculty of Communication Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
naghibulsadat@yahoo.com

Narratives about death and the afterlife are among the most enduring ways in which religious communities communicate meaning, and television gives them wide reach. *Zindagi Pas Az Zindagi* (ZPAZ), a Persian-language programme produced by the Islamic Republic of Iran Broadcasting (IRIB), offers a clear example of narrative framing: first-person near-death testimonies are arranged within a Shia Islamic framework of barzakh, divine justice, repentance and moral accountability, linking individual experience to a wider spiritual and ethical story. Beyond Iran they meet other religious and cultural narratives, and audiences take part in a narrative competition, deciding which meanings to accept, adapt or set aside. This paper asks how Persian-knowing Kashmiris interpret ZPAZ. Although not migrants from Iran, they share a linguistic and civilisational affiliation with it, treated here as a symbolic diaspora. Forty participants (29 Shia, 11 Sunni), recruited through purposive and snowball sampling in Kashmir's university networks, took part in semi-structured interviews on encrypted online platforms, and the transcripts were analysed thematically. Six themes emerged, including curiosity about the afterlife, the accessibility of everyday Persian, reduced fear of death and spiritual resonance across borders. Reception varied by sect: Shia participants often described a strengthened religious identity, while Sunni participants more often described new curiosity about Shia theology. Themes of mortality and spiritual reflection resonated across both groups more readily than explicitly Shia content. Given the small, self-selected sample, the findings describe how these participants made sense of the programme rather than its effects. The study suggests that the reach of a narrative depends not just on how it is constructed and broadcast, but also on how audiences receive, interpret and negotiate it.

Keywords
#narrative framing #narrative competition #*Zindagi Pas Az Zindagi* (ZPAZ) #near-death experiences #reception theory #Iran #Kashmir

The Narrative Battleground: How Media Framing Shapes the Reality of the 2026 Iran–US Conflict

Amat uz Zainab Dawoodani
BA Student in Social Communications, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran | ORCID: 0009-0006-9764-9464
Zainab.dawoodani@ut.ac.ir

Muhammad Raza Dawoodani
PhD in Philosophy, University of Karachi, Karachi, Pakistan
dawoodani@gmail.com

War and many social and political conflicts are complex phenomena whose experience and understanding, for those who are not directly present at the site of occurrence, are largely shaped by media narratives. With the expansion of social media, the reception and dissemination of information about events have become much faster, allowing audiences to encounter multiple narratives of the same event within a short period. Under such circumstances, the media do not merely transmit information about war; through selecting, and highlighting certain aspects of an event while downplaying or omitting others, they contribute to constructing its meaning. The central question of this study is which elements the media highlight or omit when narrating war and how they construct particular narratives of the reality of war. Accordingly, this study aims to examine how the reality of war is framed in media narratives by identifying and analyzing the narrative elements and patterns used in its representation. Drawing on framing theory and employing narrative analysis, the study examines the organization of narrative elements and the processes through which the media attribute meaning to the reality of war. To this end, media narratives concerning recent Iran–United States conflicts will be collected and analyzed from selected media outlets within a specified period. The analysis will focus on the representation of actors, the narration of the causes and consequences of war, the roles assigned to actors and victims, the selection of sources and images, and the highlighting, downplaying, or omission of event elements. The findings are expected to identify patterns and differences in the representation of Iran–United States conflicts in 2026 and demonstrate how the selection, highlighting, and organization of different elements of an event contribute to the formation of distinct frames of the reality of war.

Keywords
#media narrative #media framing #war representation #audience perception #media construction of meaning #narrative analysis

Examining the Impact of Machine-Generated Summaries on Eyewitness Memory Accuracy

Parisa Ehteshamnia
PhD Candidate, Indian Studies, Faculty of World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran
parisa.eheteshamn@ut.ac.ir

Generative AI is increasingly used to summarize, interpret, and organize vast amounts of visual and textual information. While AI-generated summaries can enhance accessibility and reduce information overload, their growing role as intermediaries between individuals and information raises a critical question: What happens when AI does not merely summarize what we have seen but actually influences what we remember? This research investigates the relationship between generative AI, human memory, and the reliability of eyewitness recollections. Human memory is not a perfect record of past events; rather, it is a reconstructive process susceptible to influence by information encountered after an event has occurred. When an AI-generated summary omits key details, alters the sequence of events, or presents inaccurate information, these distortions may become incorporated into an individual's subsequent memories. Consequently, distinguishing the boundary between the original experience and information provided by an artificial system may become increasingly difficult. The use of AI in legal proceedings, journalism, healthcare, education, and institutional decision-making creates a new form of information mediation. In this context, errors may extend beyond the immediate transmission of incorrect information, potentially altering how individuals remember the events themselves. In this study, rather than viewing AI-generated summaries merely as technological tools, they are examined for their potential impact on human cognition and memory. The findings underscore the importance of transparency, verification, critical engagement with AI-generated content, and meaningful human oversight. As generative AI becomes increasingly embedded in everyday information environments, ensuring the reliability of information and memory will emerge as a significant ethical and societal challenge.

Keywords
#AI ethics #eyewitness #false memory #generative AI

Protecting Student Data in Digital Education: Regulatory Gaps in the Commercial Use of Educational Technology

Zahra Emamzadeh
PhD in Media and Communication, University of Canterbury, Aotearoa New Zealand Muslim Think Tank
zahraemamzadeh@gmail.com

Joseph Houghton
PhD, Senior Lecturer in Education, School of Curriculum, Pedagogy and Assessment, Faculty of Education, University of Canterbury, New Zealand
joseph.houghton@canterbury.ac.nz

The growing integration of digital platforms into education has expanded the collection and processing of student data by educational institutions and commercial technology providers. Learning management systems, educational applications and AI-enabled learning tools may collect information extending beyond academic records to include behavioural data, usage patterns and information generated through interactions with digital systems. These practices raise questions about the adequacy of existing data protection frameworks, particularly where student data are shared with third parties or used for purposes beyond the immediate delivery of education. This paper examines the extent to which existing data protection frameworks address the collection, sharing, retention and secondary use of student data by commercial educational technology providers. Drawing on a critical review of selected legal instruments, platform privacy policies and relevant scholarship, it analyses the relationship between formal data protection requirements and the practices disclosed by technology providers. Particular attention is given to purpose limitation, transparency, third-party accountability and the challenges of meaningful consent in educational settings, where students may have limited choice over the platforms they are required to use. The paper identifies areas in which the scope, application or enforcement of existing protections may be insufficient to address the specific conditions of digital education. It then considers targeted regulatory measures to strengthen accountability for commercial data processing and to ensure that student information is used in ways consistent with educational purposes. By situating student privacy within the relationship between educational institutions, learners and technology providers, the paper contributes to debates on the governance of educational technology and the protection of student rights.

Keywords
#student data #educational technology #data protection #commercial data use #digital education #regulatory accountability

Cognitive Warfare and Public Diplomacy in a Multipolar World: Media Narratives of the 2024 BRICS Summit in Kazan

Hossein Eshaghian
Faculty of World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran
shaghianh6@gmail.com

In an increasingly multipolar international system, media narratives shape perceptions of global order, construct political legitimacy, and communicate national interests to international audiences. As emerging powers seek greater influence in global governance, public diplomacy, understood through soft power and new public diplomacy approaches, has become closely tied to the strategic communication of ideas about sovereignty, cooperation, and the redistribution of international power. At the same time, contested information environments raise questions about how media narratives relate to cognitive influence and the formation of public perceptions. This study examines the intersection of cognitive warfare and public diplomacy through media coverage of the 2024 BRICS Summit in Kazan. It focuses on the five founding members, Brazil, Russia, India, China, and South Africa, to keep the sample comparable across national media environments. The study conducts a qualitative comparative thematic analysis of the English-language news reports and editorial content published by Agência Brasil, TASS, The Hindu, Xinhua, and SABC News in the period surrounding the summit. These outlets differ in ownership and editorial independence, from state news agencies to public broadcasters and privately owned press, and this difference is treated as an analytical variable. The analysis examines how each outlet framed multipolarity, reform of global governance, national sovereignty, cooperation among emerging powers, and the international identity of BRICS. Rather than presuming a coordinated cognitive warfare strategy, the study uses cognitive warfare as an analytical framework for examining strategic communication and the contestation of meaning. It proposes that shared themes across these outlets coexist with divergent national interpretations, and that this combination shows both the potential and the limits of a collective BRICS narrative.

Keywords
#cognitive warfare #public diplomacy #BRICS #media narratives #multipolarity #strategic communication

Narrative Competition and Soft Power: Media Representations of the 2006 FIFA World Cup in Germany through a Cognitive Warfare Lens

Hossein Eshaghian
Faculty of World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran
shaghianh6@gmail.com

International sporting events are arenas where host countries communicate national identity and where competing narratives about that identity circulate. The 2006 FIFA World Cup in Germany is a prominent case. It is widely associated with a more open and relaxed national image after decades shaped by historical memory, yet it also raises the question of whose narrative prevailed and how it was received beyond Germany's borders. This study asks how domestic and international media framed Germany's national identity, historical memory, and international role during the tournament, and to what extent these framings converged or diverged. Drawing on soft power and public diplomacy theory, it uses narrative warfare and the wider literature on cognitive warfare as an analytical lens rather than as a description of the 2006 context, focusing on how framing shapes perception in contested information environments. The study applies qualitative thematic content analysis to coverage in two German outlets (Der Spiegel and Süddeutsche Zeitung) and three international outlets (BBC News, The New York Times, and The Hindu), selected to include both Western and non-Western perspectives. Coverage from the period surrounding the tournament is coded for representations of national identity, cultural change, historical memory, and Germany's global role. The study proposes that media framings of a host country's soft power are not neutral reflections but part of a competition over meaning, and that comparing them reveals both the reach and the limits of a state's capacity to shape its own image. By examining this case from the pre-platform era, the paper offers a baseline for understanding how narrative contests operate in today's more fragmented information environment.

Keywords
#narrative warfare #cognitive warfare #soft power #public diplomacy #media representation #2006 FIFA World Cup

Critical Media Literacy and Diaspora Narratives: Framingthe 40-Day War to International Audiences

Zeinab Ghasemi Tari
Associate Professor, Faculty of World Studies, University of Tehran
ghasemitari@ut.ac.ir

During armed conflicts, diaspora communities can become important intermediaries between events in their countries of origin and international publics. Through digital platforms, advocacy, and engagement with foreign media, diaspora actors communicate interpretations of conflict that may challenge, reproduce, or compete with dominant international narratives. This study examines how Iranian diaspora actors represented the 40-day war in 2026 to international audiences. It asks: How did Iranian diaspora actors frame the conflict for international publics, and how can critical media literacy help explain their strategies of narrative construction, political framing, and representation? The study draws on Douglas Kellner and Jeff Share's critical media literacy framework, which emphasizes ideology, representation, and power in media production and circulation. It also engages with diaspora media scholarship to conceptualize diaspora actors as transnational communicators who negotiate between their connections to Iran and the political and cultural contexts of their countries of residence. The study adopts critical discourse analysis of selected English-language social media posts, public statements, and media contributions by Iranian diaspora actors with thematic analysis of their narrative strategies. The analysis focuses on representations of responsibility, civilian suffering, political legitimacy, and the relationship between domestic and international audiences.

Keywords
#media literacy #Iranian diaspora #40-day war #US-Israeli aggression
Keywords

Was Cultural Studies Always a Theory of Media Literacy? An Ontological Re-reading and a Critical Framework for Iran

Mohsen Goudarzi
Assistant Professor, Social Sciences Department, Literature and Humanities College, University of Isfahan
m.goudarzi@ltr.ui.ac.ir

This article challenges two prevailing assumptions in media literacy scholarship: that cultural studies constitutes a "theory of culture" to which media literacy is later applied, and that media literacy reduces to a set of individual psychological competencies. Through an ontological re-reading of the foundational texts of the British cultural studies tradition, the paper argues that cultural studies was, from its inception, a theory of literacy: its central concepts were all formulated around the problem of reading, decoding, critique, and participation in media culture. Drawing on critical traditions that theorize hegemonic struggle and the ideological constitution of the subject, the article then constructs an analytical framework for critical media literacy in which the "self" is re-read as an ideological and class subject; "media" as a digital part of Ideological State Apparatuses; "reality" as a field of hegemonic struggle; "analysis" as ideology critique; "evaluation" as the distinction between authentic and degenerate culture; and "participation" as counter-hegemony. Crucially, the internal tension of the tradition—between a popular, participatory reading of culture and its insistence on distinguishing superior culture from its degenerate forms—is reframed not as a theoretical weakness but as the condition of possibility for critical media literacy. The paper applies this framework to the Iranian context, where media literacy policy has oscillated between technicist, skill-based models and instrumental ideological training. It concludes that media literacy, as the formative core of cultural studies, is a project for developing an authentic culture through a popular, empathetic, and participatory path—neither condescending elitism nor unbridled relativism.

Keywords
#media literacy #cultural studies #critical media literacy #Iranian media literacy #hegemony #ideology critique #cultural policy

Conversational AI, Embedded Ethics and the Protection of Cognitive Agency

Ako Heidari
PhD, Department of Geography and Geoinformation Science, George Mason University, Virginia, USA | ORCID: 0000-0002-9033-6223
aheidari@gmu.edu

Conversational AI has moved quickly from novelty to everyday companion. Millions of people now ask chatbots for news summaries, medical guidance, emotional support and advice on personal decisions, often with a level of trust they would hesitate to give a stranger. This shift creates a new front in the contest over human cognition. A system that speaks fluently, responds instantly and seems to care can shape beliefs more quietly and more effectively than any traditional propaganda channel, whether its influence comes from biased training data, the commercial interests of its developers, or deliberate manipulation by those who deploy it. Earlier research on how university students in the Middle East judge the reliability of online messages, and on the use of chatbots in counselling, suggests that users frequently lack the tools to assess the credibility of digital sources, and that the problem grows sharper when the source presents itself as a helpful conversational partner. This paper argues that protecting cognitive agency in an AI-mediated information environment requires action on two levels. On the side of design, ethical principles such as transparency about a system's nature and limits, honesty about uncertainty, respect for privacy and refusal to exploit emotional vulnerability need to be built into AI systems from the start, rather than added afterwards as public relations. On the side of users, media and information literacy must expand to include an understanding of how conversational systems work, why they can sound confident while being wrong, and whose interests they may serve. The paper proposes a framework linking embedded ethics with user literacy and discusses its implications for educators, developers and policymakers, particularly in societies where regulation of AI remains limited.

Keywords
#conversational AI #AI ethics #cognitive agency #trust #media and information literacy

Cognitive Warfare and the Resilience of the Iranian Nation: Collective Memory, Popular Agency, and National Cohesion

Elaheh Karimi Riabi
Associate professor, University of Tehran
ekarimi@ut.ac.ir

Iran is a heterogeneous nation whose collective identity has developed through the historical interaction of geographical, religious, ethnic, linguistic, and cultural diversities. External powers have repeatedly sought to transform these differences into sources of political fragmentation and social division. During the 12-Day War, Israel and the United States attempted to exploit existing social cleavages as part of a broader cognitive warfare strategy aimed at shaping perceptions, generating mistrust, and constructing an antagonistic "us versus them" framework within Iranian society. This article examines the role of the Iranian population in resisting such cognitive strategies and argues that societal resilience emerged not from the elimination of internal differences, but from the capacity of citizens to reinterpret diversity within a shared national framework. Drawing on Benedict Anderson's concept of "horizontal comradeship," the article conceptualizes the Iranian nation as an imagined community sustained by collective memory, historical consciousness, and narratives of shared belonging. In this context, ordinary citizens functioned not merely as targets of cognitive warfare but also as active agents in reproducing counter-narratives, maintaining social solidarity, and reinforcing national cohesion. The experience of the 12-Day War demonstrates how collective memory and popular agency can constrain the effectiveness of cognitive warfare by transforming cultural and religious diversity into a source of resilience. Thus, national consciousness may serve as a significant societal resource against externally driven projects of political disintegration.

Keywords
#diversity #cognitive warfare #popular agency #collective memory #horizontal comradeship #societal resilience

Russia's AI Ethics Code: A Human-Centered Approach

Elaheh Karimi Riabi (Corresponding Author)
Associate professor, University of Tehran, Tehran, Iran
ekarimi@ut.ac.ir

Ksenia Belikova
Professor, Kutafin Moscow State Law University (MSAL), Moscow, Russia
BelikovaKsenia@yandex.ru

In recent years, artificial intelligence (AI) has evolved from a specialized technology into an integral part of everyday life. This development has prompted countries worldwide to establish ethical and legal frameworks to govern AI. Russia is among the countries that have sought to define a pathway for the responsible development of this technology through the adoption of an AI ethics code. Russia regards AI as one of the strategic technologies of the twenty-first century. In 2019, Vladimir Putin signed a decree approving the National Strategy for the Development of Artificial Intelligence through 2030. In October 2021, Russia introduced the Code of Ethics in Artificial Intelligence, which is structured around six key areas. The document includes provisions for appointing AI ethics officers, establishing specialized committees, developing best practices, and providing guidelines and practical recommendations for implementing ethical principles. The Code is designed exclusively for civilian applications and also emphasizes the possibility of its adaptation and implementation at the local level. Its first principle, which prioritizes human interests and human rights, underscores its human-centered approach. Through an examination of this Code, the present study seeks to answer the following research question: How has Russia sought to establish a framework for the responsible development of AI through the adoption of an ethics code? The study employs a qualitative case-study approach with an explanatory orientation.

Keywords
#AI ethics code #human-centered #Russia #media literacy

K-pop and the Globalization of National Culture: Audiences' Critical Reading of the Globalization of Arirang

Shahrbanoo Khajavi
B.A. Student in Social Communication Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran | ORCID: 0009-0009-9188-3390
Shahrbanoo.ut.ac.1385@gmail.com

Abdollah Bicharanlou
Associate Professor, Department of Social Communication Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran
bikaranlou@ut.ac.ir

In recent decades, the intensification of mediatization and the global expansion of social networks have provided different national cultures with opportunities for transnational communication with international audiences. K-pop, as a form of music emerging from South Korean popular culture, has made extensive use of these capacities to reinterpret cultural and identity-related elements of South Korea at the global level. Arirang is one of the best-known songs and cultural symbols of South Korea. It can be regarded as an example of the connection between culture and national identity and contemporary media. It has been reinterpreted in various social and historical contexts and, more recently, has been represented internationally through social media. This study seeks to answer the following question: In today's networked environment, how are cultural elements and national identity represented, and what is the role of media literacy in encountering and interpreting such representations? More specifically, it examines the role of social networks, through K-pop, in the globalization of Korea's national cultural and identity-related elements, and how media literacy can contribute to a critical reading of this phenomenon. Drawing on Joseph Nye's theory of "soft power," this study examines the role of cultural-media attractiveness in the representation of national cultural elements. Media literacy, as a central concept of the research, is also considered in analyzing how cultural messages and signs are encountered and interpreted in the context of social media. Qualitative content analysis is used to study selected content related to Arirang, K-pop, and social media. The findings are expected to show that social media, by enabling the recreation and reinterpretation of traditional and identity-related elements in new forms, have contributed to the globalization of the representation of South Korean national culture. Furthermore, media literacy among audiences can play a fundamental role by enabling active and critical reading and interpretation of cultural messages and signs, thereby contributing to an understanding of the objectives and approaches of producers of this type of transnational content.

Keywords
#K-pop #media literacy #social media #Arirang #national identity #soft power

The Role of K-pop in the Globalization of National Culture: From the Prohibition of Reading the National Anthem to the Global Cry of Arirang

Shahrbanoo Khajavi
B.A. Student in Social Communication Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran
Shahrbanoo.ut.ac.1385@gmail.com

Abdollah Bicharanlou
Assistant Professor, Department of Social Communication Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran
bikaranlou@ut.ac.ir

In recent decades, the expansion of digital media and social networks has changed the way national culture and identity are represented and transmitted. In this context, K-pop, through its extensive use of media capabilities and digital platforms, has succeeded in representing and reinterpreting Korean cultural and identity elements on a global scale. Arirang, one of the best-known songs and cultural symbols of South Korea, is an example of the connection between culture, national identity, and contemporary media. It has been reinterpreted in various social and historical contexts and, in the contemporary era, has been represented internationally with the help of media. The main issue of this research is to examine how cultural elements and national identity are represented in digital media environments and to analyze these representations from the perspective of media literacy. This research seeks to answer the question of how digital media, through K-pop, contribute to the representation and globalization of Korean cultural and identity elements, and which components of media literacy can be considered in the critical reading and interpretation of these cultural representations. This research draws on Joseph Nye's theory of "soft power" to examine the role of cultural attractiveness in the transmission and representation of national culture. In addition, media literacy, as one of the central concepts of the research, is used to consider the ways in which cultural messages, signs, and representations are read and critically analyzed in digital media environments. Qualitative content analysis is used to examine selected samples related to Arirang, K-pop, and digital media. The findings are expected to show that digital media, by providing opportunities for the recreation and reinterpretation of traditional and identity-related elements in contemporary media forms, play an important role in the globalization of the representation of Korean national culture. Furthermore, analyzing these representations from the perspective of media literacy can emphasize the importance of interpreting cultural messages and signs in the digital space.

Keywords
#K-pop #media literacy #digital media #Arirang #national identity #soft power

News Framing of the 12-Day War in IRNA and Reuters: A Comparative Analysis and Its Relevance for Media Literacy

Bahar Khazaei
B.A. Student in Communication Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran | ORCID: 0009-0002-9130-5717
BaharKhazaei20@Gmail.com

Neda Shafiei
Faculty Member, Iranian Research Organization for Science and Technology (IROST) | ORCID: 0009-0004-2778-6119
Shafiei_n77@irost.ir

In wars and security crises, news media are among the sites in which actors compete to define events and assign meaning to them, and part of the battle of narratives unfolds through selection, salience, and omission. Since cognitive warfare involves efforts to shape how events are perceived and interpreted, media frames can be one of the means through which such efforts operate; this study examines these frames in news texts, while their effects on audiences fall outside its scope. More specifically, it asks how the 12-Day War (2025) was framed by two news agencies operating in different political contexts: the Islamic Republic News Agency (IRNA), a domestic agency, and Reuters, an international one. Its central question is what similarities and differences the two agencies display in defining the problem, attributing responsibility, offering moral evaluation, and proposing solutions. Drawing on framing theory (Entman) and employing qualitative content analysis, the study analyzes news items published by IRNA and Reuters during the war, selected through purposive sampling. By documenting how each agency represented the same event, the study aims to provide a comparative record of the positions taken toward it and to interpret the differences in light of each agency's political context. Because identifying frames and narrative choices in news texts is among the core skills of media and information literacy, this record may also serve as a preliminary groundwork for subsequent research in this area. The study is expected to provide a descriptive picture of the dominant frames in each agency, including differences in how they attribute responsibility, portray victims and actors, and choose their vocabulary; these differences may, in turn, raise questions for further studies on media literacy under conditions of a battle of narratives.

Keywords
#media literacy #news framing #battle of narratives #12-Day War #qualitative content analysis

Examining Critical Media Literacy in the Face of Algorithmic Behavioral Engineering: A Qualitative Study of Communication Students' Perceptions of the Platform Society

Zahra Majdizadeh
Assistant Professor, Department of Communication, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran | ORCID: 0000-0001-6827-6351
zahra.majdizade@ut.ac.ir

Contemporary communication technologies are not neutral tools. Online platforms are complex sociotechnical systems deeply embedded in political, economic, and cultural structures. Drawing on extractive logics and architectures of control, these platforms transform human behavior and relationships into data that can be engineered. This qualitative study was designed to assess students' critical media literacy and their awareness of the mechanisms through which online platforms manipulate human behavior. It focuses specifically on students' understandings before the introduction of educational interventions. Data were collected through focus group interviews and the analysis of pre-intervention written assignments completed by 27 undergraduate communication students. The data were coded using thematic analysis. The findings were examined through four theoretical perspectives: Shoshana Zuboff's account of "surveillance capitalism," Lawrence Lessig's proposition that "code is law," Safiya Noble's work on "algorithmic oppression," and José van Dijck's concept of the "platform society." The analysis indicates that most students lack an in-depth understanding of "behavioral surplus" and attribute the high accuracy of algorithms in targeted advertising to factors such as microphone eavesdropping. Furthermore, students frequently interpret the effects of algorithms in reproducing patterns of social comparison and bias in the content they encounter as individual experiences or chance occurrences. They do not generally recognize these effects as the consequences of a system organized around deliberate economic objectives. The findings also show that some students have internalized the discourse of "technological neutrality," while others demonstrate greater awareness of the processes through which their personal experiences are commodified. Taken together, these findings suggest that contemporary media literacy education requires a shift beyond traditional approaches, with particular emphasis on developing "algorithmic literacy." This educational shift is necessary to establish the conditions for informed resistance to behavioral engineering and to support the recovery of human agency in the platform society.

Keywords
#algorithmic literacy #behavioral engineering #architecture of control #platform society #surveillance capitalism

A Study of the Credibility of Social Reality Representations among Diverse and Multicultural Audiences: A Comparison of Participatory Digital Media and National Media

Amirhossein Mamizadeh Yengejeh
B.A. Student in Social Communication Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran | ORCID: 0009-0009-3494-0731
amir.mamizadeh23@ut.ac.ir

Milad Abdollahi
Ph.D. Student in Social Communication Sciences, Department of Communication, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran | ORCID: 0009-0009-0720-9118
milad_abdollahi@atu.ac.ir

The multiplicity of digital media across the world, reflects the pluralism of the society and sources. This plurality has made trusting the credibility of the presented content harder than before. Today, every citizen can act as a sort of reporter, republishing and disseminating news and developments occurring in their community or local area. Alongside such individuals, country's national media have their own distinct narrative and in line with organizational policies and the prevailing ideology, may publish a considerably different story of the same event. Those who live in the neighborhood or community are concerned to a great or less degree, aware of the accuracy of each narrative. But what about those who are miles away from the site of the event? What of the individual who is unfamiliar with the culture and social dynamics unfolding in that community? This article seeks to examine the approaches adopted by each type of media in order to assess the factors affecting the credibility, for the international community, or for any individual external to the culture and society in question, of the narrative published about a social reality. Employing a meta-synthesis method and drawing on existing research, the study aims to reach, through a new perspective, to significant conclusions regarding these factors and, through a critical lens, to avoid the reductionism of certain approaches. Understanding the media experience of audiences who are unfamiliar with a given environment and culture, requires simultaneous attention to individual and socio-political differences, cultural contexts, inequalities in access to various digital resources and opportunities, and the role of media in shaping their social and cultural relations. Such an approach can contribute to a more comprehensive understanding of the place of digital media in people's everyday lives and to a rethinking of concepts such as "social reality," "culture," and "digital participation" in communication studies.

Keywords
#credibility #digital media #national media #social reality

A Typology of the Representation of Women's Agency during the Ramadan War: A Case Study of Iranian Women on Instagram

Fatemeh MontazeriHedeshi
PhD Student, Department of Communication, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran | ORCID: 0009-0002-3854-6255
fatemehmontazeri@ut.ac.ir

Zeinab Shahabaddini Parizi (Corresponding Author)
B.A. Student, Department of Communication, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran | ORCID: 0009-0009-9267-3141
zy.shahabaldini.p@ut.ac.ir

The Ramadan War with the Israeli-American adversary was accompanied not only by military confrontation but also by the emergence and proliferation of diverse narratives across social media. Although global Internet connectivity was restricted during this period, the narratives disseminated following the restoration of global connectivity provided opportunities to represent experiences of the war and construct diverse interpretations of the event in the digital sphere. In this context, women played a role in representing the war and portraying women's presence and agency through the production and dissemination of images, videos, and personal narratives. Against this backdrop, the present study seeks to develop a typology of representations of narratives shared by Iranian women on Instagram. The central research question is: What types of women's agency are represented in these narratives? This qualitative study employs semiotic analysis. The sample consists of Instagram videos related to the Ramadan War that received a high number of views, user engagement, and recirculation. Purposive sampling is used based on the criterion of recirculation and high levels of audience engagement; specifically, videos with more than two million views and 500,000 likes are included. To avoid focusing on a single type of narrative, maximum variation in themes and modes of representation is also considered in the sampling process. The semiotic analysis is expected to reveal distinct forms of women's agency, including women as defenders of the homeland, women as caregivers and protectors of life, women as witnesses and narrators of war, and women as critics and demand-oriented actors.

Keywords
#women's agency #representation #Ramadan War #typology #war narratives

Political Bias in AI Chatbots; a Comparative Review of the Empirical Evidence of Large Language Model Bias

Seyed Ali Moosavi
Researcher in the field of cyber literacy
dr_ali_moosavi2000@yahoo.com

Mehrad Kachoie
MA in British Studies, Faculty of World Studies, University of Tehran
Kachoie@ut.ac.ir

Chatbots based on large language models have today become one of the main gateways to information for hundreds of millions of users around the world; therefore, any systematic political bias in the responses of these systems can have profound consequences for public discourse and the democratic decision-making process. The central question of this research is whether the leading chatbots—including ChatGPT, Gemini, Claude, Grok, and DeepSeek—have a directional bias in responding to political questions. To answer this question, in addition to the secondary analysis of the data of the Washington Post newspaper test (June 2026), which was designed based on the questions of researchers from Stanford and Dartmouth universities, its findings were triangulated with similar scientific studies in the period 2022 to 2026. The findings show that ChatGPT has the most bias by presenting only left-leaning arguments in 80 percent of responses; Gemini shows the most balanced performance by presenting two-sided arguments in 93 percent of responses; DeepSeek ranks second in deviation with 70 percent of responses being only left-leaning; and Grok, although it has recorded the largest share of only right-leaning responses (33 percent) among the models, has still overall used more left-leaning arguments. The convergence of these findings with previous studies shows that political bias in large language models is a real, measurable, and reproducible phenomenon, and its roots must be sought in training data, reinforcement learning with human feedback, and alignment mechanisms; although its intensity and pattern are sensitive to the measure, response format, model version, and time of measurement.

Keywords
#political bias #large language model #chatbot #artificial intelligence ethics #algorithmic neutrality #reinforcement learning with human feedback

International Conference on Media and Information Literacy
2026

Democratic Erosion in Latin America: Algorithmic Platforms, Disinformation Networks, and Electoral Perception in Closely Contested Elections

Elaheh Nourigholamizadeh
Assistant Professor of Latin American Studies, Faculty of World Studies, University of Tehran
elahehnouri@ut.ac.ir

During recent months, Latin America has experienced an unusually intense presidential electoral cycle, with several countries holding or preparing for national elections within a short span of time. This sequence of contests has made the region an important setting for observing political change, democratic competition, and the growing role of digital communication in shaping voter perception. Against the backdrop of the reemergence of leftist and moderate governments in parts of the region in the early 2020s, and amid renewed U.S. pressure associated with the Trump administration, these elections have gained added significance for scholars and observers of political change in the Western Hemisphere. They are now understood not only as domestic political events, but also as indicators of broader ideological realignment, democratic resilience, and the balance of power across the Americas. This paper examines how algorithmic platforms function in recent closely contested elections in Latin America, drawing on Thomas Christiano's conceptualization of algorithms, manipulation, and democracy and using documentary analysis to trace how digital information flows shape political perception and electoral contestation. The core argument is that narrow vote margins make electoral perception especially vulnerable to algorithmic amplification and disinformation. When candidates are separated by only a small number of votes, platform-driven narratives, viral rumors, and strategically amplified content can have outsized effects on public confidence, turnout, and post-election legitimacy. Colombia and Bolivia are useful cases for examining this dynamic, since closely contested races heighten the political importance of online information flows and make even modest shifts in attention or trust potentially consequential. Related cases such as Chile and Peru further show how electoral outcomes are increasingly interpreted not only as domestic political results, but also as signs of broader regional realignment. The findings suggest that algorithmic platforms do not simply transmit political information; they structure visibility, intensify polarization, and shape the informational conditions under which citizens judge candidates, institutions, and outcomes. In this sense, digital mediation has become a central factor in democratic uncertainty and electoral contestation in contemporary Latin America.

Keywords
#Latin America #algorithmic platforms #disinformation networks #electoral perception #democratic erosion

Narrative Engineering and the Battle of Narratives in Afghanistan's Digital Space: The Role of the Public as Cognitive Warfare Actor

Ansarullah Omari
Radio and Television Department, Faculty of Journalism, Baghlan University, Pul-e Khumri, Baghlan, Afghanistan
ansar.omari@baghlan.edu.af

The political developments of 2021 in Afghanistan brought about profound changes not only in the country's physical structures but also in its digital structures, transforming Afghanistan's digital space into a primary arena for the battle of narratives. Within this environment, various actors employ narrative engineering techniques to target public perception, collective identity, and societal patterns of behavior. The deliberate dissemination of misinformation, polarizing narratives, memes, and violent content circulates rapidly across social media platforms, exposing users' minds to cognitive threats. This study aims to analyze the role of the Afghan public as either actors or victims of cognitive warfare. The study adopts a qualitative approach and, through qualitative content analysis, examines dominant narratives on digital platforms widely used by Afghanistan users. The expected findings indicate that narrative engineering is primarily advanced by two groups. The first consists of Afghan diaspora users residing outside the country, who are generally positioned in opposition to, or in disagreement with, the ruling system and who are particularly active on the X platform (formerly Twitter). The second group consists of spokespersons and supporters of the ruling system inside Afghanistan, who generally produce and reproduce official narratives through official accounts and pseudonymous pages. In contrast, ordinary people inside Afghanistan have a limited role in the independent production or critical examination of these narratives due to political repression, fear of arrest and imprisonment, and, in some cases, threats to their lives and financial security. They consequently remain largely in the position of passive consumers. This forced passivity has weakened the cognitive agency of a significant segment of society and contributed to the deepening of social polarization. The findings of the study emphasize the need to redesign media and information literacy programs in accordance with Afghanistan's information ecosystem and propose strategies for strengthening critical thinking, cognitive resilience, and the responsible participation of citizens.

Keywords
#cognitive warfare #media literacy #Afghanistan's digital space #narrative engineering #battle of narratives

Manufacturing the Urban Threat: Narrative Engineering and the Media Securitization of Tehran and Dahiyeh during the Ramadan War

Hanieh Qasemian
MA Student in Palestine Studies, Faculty of World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran
hanieh.qasemian@ut.ac.ir

During the post-October 7 wars, particularly the attacks on Lebanon and Iran, media representations of Tehran and Beirut's southern suburb of Dahiyeh have increasingly framed these complex civilian spaces through concepts such as threat, military significance, and strategic necessity. This article conceptualizes this process as a form of narrative engineering within cognitive warfare. Its theoretical framework combines securitization theory, Henri Lefebvre's theory of the production of space, and the strategic narrative approach. Accordingly, securitization is understood as a discursive and cognitive process through which a diverse civilian urban environment is reduced to a military space, thereby constructing the legitimacy of attacks on civilian areas. Using comparative critical discourse analysis, the article examines textual and visual coverage of attacks on Tehran and Dahiyeh in mainstream Western media, regional Arabic-language media, Iranian opposition media, and social networks. It focuses on patterns of spatial labeling, militarization, civilian representation, reliance on official military sources, and narratives of precision, retaliation, and military necessity. The paper argues that securitization in wartime media representation can function as a mechanism of cognitive warfare for legitimizing attacks on civilian areas. In Dahiyeh, this process operates mainly through its association with Hezbollah; in Tehran, through its representation as the political and strategic center of the Iranian state. In both cases, the constructed military identity of these places overshadows their civilian and social functions, weakening the cognitive boundary between civilian space and the battlefield.

Keywords
#cognitive warfare #narrative engineering #securitization #security ghettoization #media literacy #urban warfare

Data as Capital: How Global Technology Corporations Acquire and Exploit User Data

Padina Rahnamay Chitsaz
PhD student, Department of media management, WT.C, Islamic Azad University, Tehran, Iran
padinarahnamay1986@gmail.com

Over the past two decades, a small number of global technology corporations have built some of the most profitable businesses in history on a resource their users hand over largely without noticing: personal data. Search queries, location histories, purchases, contacts, viewing habits and even the pauses between clicks are collected, combined and turned into commercial value. From a media management perspective, this marks a basic change in how media and information firms create value. The traditional model sold content to audiences and audiences to advertisers. The platform model goes further, treating users' behaviour itself as raw material and the predictions drawn from it as the product. This paper examines the strategies through which these corporations acquire private data and the ways they convert it into competitive advantage. Drawing on literature in media economics, platform studies and Zuboff's account of surveillance capitalism, it identifies several mechanisms at work. The first is acquisition by design, in which free services, default settings, lengthy terms of use and interface choices known as dark patterns steer users towards sharing more than they intend. The second is acquisition by expansion, through which firms buy competitors and complementary services partly to gain access to new streams of data, as the purchases of Instagram and WhatsApp by Facebook illustrate. The third is the integration of data across services and devices, which allows a single company to assemble detailed profiles that no individual service could produce alone. The paper then considers how these profiles are used: to target advertising, to shape what users see through recommendation algorithms, to predict and influence behaviour, and to strengthen the market dominance that keeps rivals out. Cases such as the Cambridge Analytica scandal show that the consequences extend well beyond commerce into politics and public opinion. The paper argues that users in the Global South are especially exposed, since they often lack strong data protection laws and have little bargaining power with firms headquartered elsewhere. It reviews regulatory responses, including the European Union's General Data Protection Regulation and Digital Markets Act, and assesses what they offer to countries with weaker institutions. The paper concludes that media managers, policymakers and educators need to treat data literacy as part of media literacy, so that users understand not only what they consume but also what is being taken from them in return.

Keywords
#surveillance capitalism #personal data #big tech #media management #data protection

Living with Platform Surveillance: Iranian Users' Experiences of Monitoring and Algorithmic Personalization

Reihaneh Razmara
PhD student, Department of Communication, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran | ORCID: 0009-0004-3547-0085
razmara.reihaneh@ut.ac.ir

This study examines Iranian users' experiences and meaning-making of platform surveillance on social media, focusing on how they interpret phenomena such as perceived eavesdropping, data monitoring, and algorithmic operations in their everyday discourse. The dataset consists of 123 tweets posted by Iranian users on X, which were analyzed using thematic analysis. The study draws on Shoshana Zuboff's (2019) concept of surveillance capitalism as its theoretical framework, which explains how platforms extract behavioral data to develop predictive models and shape and control user behavior. The findings identify seven major themes: (1) experiences of digital surveillance and perceived eavesdropping, in which users describe a sense that their conversations and even thoughts are being monitored; (2) personalized algorithms and the Explore experience, highlighting the role of recommendation systems in shaping users' interests and actions; (3) experiences of privacy violations and security concerns, reflecting users' fears and anxieties; (4) user reactions and resistance, which largely take the form of micro-level, cultural, and often contradictory practices of resistance; (5) the normalization of platform surveillance in users' everyday lives, manifested in practices such as taking surveillance and eavesdropping for granted; (6) hyper-personalization and the erosion of perceived randomness in digital experience, in which users perceive the content they encounter as unusually closely related to their everyday lives, conversations, and even thoughts; and (7) the relationship between data and economic power in users' experiences of platforms, reflecting their awareness of the connection between platform surveillance and the digital economy. The findings suggest that, for Iranian users, platform surveillance is not experienced merely as a technical phenomenon. Rather, it is interpreted, reproduced, and given meaning as a cultural and psychological reality embedded in everyday life.

Keywords
#platform surveillance #surveillance capitalism #algorithmic personalization #digital culture #X #Iranian users

“Possibly AI-Generated:” Denying Civilian Harm in the 2026 Iran War

Fatemeh Rezaei
MA in North American Studies, Faculty of World Studies, University of Tehran
frezaei97@ut.ac.ir

On 28 February 2026, as the American-Israeli campaign against Iran began, a strike hit a girls' elementary school in Minab. More than 150 people were killed, most of them children. The building, once part of a neighboring military compound, had been separated from it in 2016 and publicly listed as a school. President Trump first said the attack had been carried out by Iran. When press reports pointed to American forces, he said he did not know, and later remarked that “mistakes are made.” Although the Pentagon acknowledged that outdated targeting data had probably caused the strike, its investigation was never made public. In July 2026, asked about photographs of the destroyed school, the President suggested that the images might be “AI-generated.” In September, a UN fact-finding mission found reasonable grounds to believe the strike amounted to a war crime, a finding the administration rejected. Governments have long found ways to avoid responsibility for civilian deaths in war. Stanley Cohen's study of state denial describes three of them: denying that something happened, reinterpreting what happened, and denying that it matters. The Minab case points to a further step, in which the evidence itself is called into question. In 2019, legal scholars Robert Chesney and Danielle Citron called this the “liar's dividend”: once fabricated images become common, real ones can be dismissed as fake. Research on the liar's dividend, however, has focused on politicians in domestic scandals rather than states seeking to escape responsibility for civilian harm. This paper asks how the United States government responded to the Minab strike, and what role the claim of AI fabrication played. Drawing on Cohen's account of denial and the liar's dividend, it applies qualitative content analysis to official American statements from February to September 2026. The material includes the President's remarks and interviews, statements from the White House, the Pentagon, Central Command and the State Department, and congressional letters pressing for the investigation's release. The analysis is expected to show that official accounts did not follow a single line. While the Pentagon moved toward partial acknowledgment, the President continued to deflect responsibility even as evidence pointing to American forces accumulated. It also argues that the appeal to artificial intelligence may work differently from older forms of denial: instead of disputing the facts or their meaning, it casts doubt on whether the facts can be known at all. Such a move relies on a climate of uncertainty, which the flood of fake images during the war helped to create. This carries a lesson for media and information literacy. Teaching citizens to doubt what they see is not enough unless it comes with practical skills to check whether an image is real. Without those skills, public skepticism can become a shield for those in power.

Keywords
#liar’s dividend #state denial #generative AI #civilian harm #Iran war #media and information literacy

International Conference on Media and Information Literacy

From Means to Meanings: Visions of Language and Literacy in the Age of Cognitive Power

Zahra Sadat Roozafzai
Post- Ph.D. Educational Role of Language Association, Contributor, Gdansk, Poland and University of Applied Science and Technology, Tehran, Iran
Zahra80r@gmail.com

This paper projects alternative futures for media and information literacy that are human-centered, culturally responsive, and grounded in resilience and well-being. It responds to the urgent challenges posed by the cognitive warfare landscape, wherein language education and literacy practices are increasingly co opted by algorithmic governance, narrative warfare, and utilitarian efficiency logics. The paper argues that the current civilizational drift, from meanings to means, demands a fundamental reimagining of how we conceptualize and practice literacy in contested information ecosystems. Proposing a framework centered on cognitive agency, the paper advocates for empowering learners not merely to decode and produce texts, but to critically engage with the underlying architectures of power that shape meaning-making in digital ecosystems. By opposing human-centered literacy to AI-centered approaches, it calls for the cultivation of judgment, empathy, and ethical reasoning in the face of algorithmic manipulation, polarization, and generative AI-driven content. The paper concludes that the future of media and information literacy lies in recovering language as a space for meaning-making, agency, and collective human flourishing.

Keywords
#cognitive agency #human-centered literacy #media and information literacy #resilience

Investigating the Effectiveness of Advanced Media Literacy Training on Reducing Cognitive Vulnerability to Fake Narratives in the Context of Hybrid Warfare

Mohammad Hossein Roudbari
Department of Clinical Psychology, Faculty of Medicine, Islamic Azad University, Kish Island, Hormozgan, Iran
mroudbari9@gmail.com

Contemporary hybrid warfare, through the widespread use of fake narratives and cognitive manipulation, has increased individuals' vulnerability to false information. Advanced media literacy, as a preventive approach, can strengthen the cognitive capabilities necessary for detecting and resisting such narratives. However, empirical evidence regarding the effectiveness of targeted educational programs in the context of hybrid warfare remains limited. This study aimed to investigate the effectiveness of advanced media literacy training on reducing cognitive vulnerability to fake narratives in the context of hybrid warfare. In a randomized controlled clinical trial, 216 university students (108 in the intervention group and 108 in the control group) were selected through cluster sampling and randomly assigned. The intervention group participated in eight 90-minute sessions of advanced media literacy training, covering fake narrative detection, source analysis, critical thinking, prebunking, and cognitive resilience. Data were collected using the Cognitive Vulnerability to Fake Information Questionnaire (CVFIQ), the Advanced Media Literacy Scale (AMLS), and the Fake Narrative Detection Test (FNDT) at three time points: pretest, posttest, and two-month follow-up. Data were analyzed using repeated-measures analysis of variance. The intervention group showed a significant decrease in cognitive vulnerability scores (from 3.84 to 1.97) and a significant increase in the ability to detect fake narratives and media literacy ($p < 0.001$). The effect size of the intervention was moderate to large ($\eta^2 = 0.31$). The positive effects of the intervention remained stable at the two-month follow-up, while no significant changes were observed in the control group. Advanced media literacy training is an effective and sustainable approach for reducing cognitive vulnerability to fake narratives in the context of hybrid warfare and can be utilized as part of national preventive programs in the field of cognitive security.

Keywords
#advanced media literacy #cognitive vulnerability #fake narrative #hybrid warfare #prebunking

Designing a Multilayer Media Literacy Model to Counter Cognitive Warfare in the Era of Advanced Computing and Artificial Intelligence

Mohammad Hossein Roudbari
Department of Clinical Psychology, Faculty of Medicine, Islamic Azad University, Kish Island, Hormozgan, Iran
mroudbari9@gmail.com

The emergence of advanced computing and generative artificial intelligence has unprecedentedly increased the complexity and scale of cognitive warfare. Fake narratives, algorithmic manipulation, and perception engineering have intensified the cognitive vulnerability of societies. Traditional media literacy is no longer adequate to address these multilayered threats, highlighting the need for redesigning comprehensive and multilevel models. This study aimed to design a multilayer media literacy model to counter cognitive warfare in the era of advanced computing and artificial intelligence.This research adopted a qualitative approach using grounded theory. Data were collected through semi-structured interviews with 28 experts in the fields of media literacy, cognitive security, artificial intelligence, and hybrid warfare studies. Purposive sampling continued until theoretical saturation was reached. Data analysis was performed using open, axial, and selective coding.The final model consists of five interconnected layers: (1) foundational layer (information literacy and source verification), (2) critical layer (critical thinking and metacognition), (3) algorithmic layer (algorithmic literacy and understanding of recommendation systems), (4) narrative-cognitive layer (cognitive vaccination and prebunking), and (5) future-oriented layer (generative AI literacy and resistance to perception engineering). These layers operate within a framework of data governance and user cognitive agency.The proposed multilayer media literacy model provides a comprehensive and practical framework for empowering individuals against cognitive warfare in the age of artificial intelligence. Implementing this model in educational systems and national cognitive security programs can significantly enhance societal resilience to emerging threats.

Keywords
#multilayer media literacy #cognitive warfare #artificial intelligence #advanced computing #cognitive vaccination

Feeling before Thinking: Affect, Belief and Vulnerability to Cognitive Work

Shaho Sabbar
Assistant Professor, Department of Iranian Studies, Faculty of World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran | ORCID: 0000-0001-5801-7137
shaho.sabbar@ut.ac.ir

Much of the public conversation about misinformation still assumes a rational user who weighs evidence and is misled only when the evidence is false. Everyday experience on Persian social media points somewhere else. People share, defend and attack content mainly on the basis of what it makes them feel and what it confirms about the world they already believe in. Anger, pride, humiliation, fear and hope travel faster than facts, and posts that stir strong emotion tend to draw the most engagement. Those who run cognitive operations understand this well. Their messages are built less to persuade than to provoke, aiming to deepen existing loyalties and resentments until accuracy hardly matters. This paper brings together several lines of research on Iranian digital publics, including work on emotional expression and audience engagement, on the relationship between prior beliefs and reactions to social media messages, on fake news in Iran, and on orientalist self-perceptions among Iranians, to examine the human mind as an affective battlefield. It argues that vulnerability to manipulation is shaped less by a lack of information than by the emotional and identity commitments people bring to what they read. Messages that flatter a group's self-image or confirm its grievances are accepted with little scrutiny, whether they come from foreign media, domestic institutions or rival online camps. The paper suggests that media and information literacy should therefore pay as much attention to emotion as to evidence. Users need to learn to notice their own emotional reactions, to treat strong feeling as a reason to pause, and to recognise when content is designed to exploit their loyalties. The paper concludes with suggestions for literacy programmes that address affect and identity directly instead of treating them as noise.

Keywords
#affect #emotional engagement #Persian social media #cognitive warfare #media and information literacy

Iran–US Cognitive Warfare: A Qualitative Visual Analysis of 'Explosive Media's' Digital Counternarratives

Setareh Sadeqi
Assistant Professor, Faculty of World Studies, University of Tehran
Setareh.sadeqi@ut.ac.ir

The increasing role of social media in geopolitical conflicts has made visual communication an important arena for competing political narratives. Memes, images, and short-form videos enable political actors to communicate complex messages through condensed visual forms, emotional appeals, and symbolic representations. *Explosive Media* is an English-language digital media outlet associated with Iranian non-state political messaging that uses social media platforms and visually oriented content to communicate alternative narratives about geopolitical conflicts and challenge dominant Western representations of Iran. This study examines *Explosive Media's* content on X (formerly Twitter) to explore how visual narratives contribute to Iran's counternarratives in the context of US–Iran cognitive warfare. Drawing on Robert Entman's framing theory, the research employs qualitative visual analysis to investigate how visual composition, textual elements, humor, and irony shape the representation of political actors and geopolitical events. The analysis examines how Explosive Media's content potentially challenges dominant US narratives by constructing alternative representations of power, legitimacy, resistance, and military strength. Through a comparative examination of selected posts on X, the study seeks to identify recurring visual strategies and narrative patterns that characterize the account's political messaging. By connecting visual political communication with cognitive warfare and digital counternarratives, this study contributes to understanding how short-form media function within contemporary geopolitical narrative competition. It also offers a framework for examining how platform-based visual storytelling participates in struggles over political credibility, conflict interpretation, and the symbolic construction of power in the digital information environment. In conclusion, this study aims to demonstrate how visual narratives function as instruments of digital counter-narrative construction, offering insights into the role of short-form media in shaping competing representations of geopolitical conflict and the broader dynamics of cognitive warfare.

Keywords
#cognitive warfare #visual narratives #framing theory #strategic communication #US–Iran war

International Conference on Media and Information Literacy
2026

Strategic Communication and Media and Information Literacy in Wartime: Addressing Information Disorder and Strengthening Democratic Accountability

Alireza Salehi-Nejad
University of Technology Sydney
arash@a-salehi.co.uk

In armed conflict, official accounts of events and the portrayals of adversaries they convey shape public interpretations of the conflict, judgments about the legitimacy of military action, and willingness to rally around national defense and sovereignty. Yet wartime conditions can make it harder to distinguish verified information from unsubstantiated claims and to evaluate competing accounts, particularly where access to reliable information is restricted and misleading narratives circulate. This paper examines how strategic communication and Media and Information Literacy (MIL) may jointly address information disorder, strengthen democratic accountability, and safeguard the public's right to information. Drawing on scholarship in both fields and in crisis and emergency risk communication, the paper proposes a multi-stakeholder approach to addressing wartime information disorder, emphasizing the complementary roles of accountable institutional communication and the public's capacity to access, seek, critically evaluate, use, and responsibly share information. Within this framework, the paper argues that governments and public institutions should communicate accurately, transparently, and in a timely fashion, acknowledge uncertainty, and correct errors swiftly. Official communication should provide accurate and transparent accounts of government decisions, explain their rationale, and acknowledge relevant uncertainties and limitations. These principles should guide both domestic public affairs and public diplomacy. The paper therefore argues that MIL should be cultivated through lifelong learning and integrated into civic education and crisis preparedness, enabling people to seek information, assess competing claims, recognize persuasive framing, and make informed judgments. Such efforts must be accompanied by public communication that is accurate, timely, transparent about uncertainty, and open to scrutiny. By bringing MIL and strategic communication into conversation, the paper argues that preparing societies for wartime information disorder requires both the public's capacity to engage critically and responsibly with information and institutions' commitment to providing it.

Keywords
#media and information literacy #strategic communication #information disorder #wartime communication #right to information

International Conference on Media and Information Literacy
2026

Adolescents' Cognitive Agency in the Media Ecosystem

Seyedeh Matin Seyed Hoseyni
Ph.D. Graduate in Sociology, Alzahra University, Tehran, Iran | ORCID: 0009-0008-3652-7337
M.hoseyni@alzahra.ac.ir

Media have become an important part of adolescents' everyday lives. However, adolescents are not only receivers of media messages. They also take part in receiving, interpreting, evaluating, and sharing these messages. Activities such as commenting, sharing, and following content show that adolescents have an active role in how they engage with media. This role becomes more important when media can influence people's perceptions, attitudes, and decisions. Media literacy can play an important role in strengthening adolescents' cognitive agency. It can help them analyze and evaluate media messages, understand how media can influence people, and make more informed choices when engaging with content. Therefore, media literacy is not only about understanding and evaluating messages, it can also help adolescents decide how they respond and participate in the media environment. This is especially important as cognitive warfare and efforts to influence people's perceptions, attitudes, and decisions have received increasing attention. From this perspective, the ability to critically analyze and evaluate media messages can support more informed and responsible participation in the media ecosystem. Accordingly, this study examines existing research on adolescents' cognitive agency in the media ecosystem and the role of media literacy in developing and strengthening this agency. It provides an overview of the main dimensions, contexts, and ways in which adolescents develop their cognitive agency through their engagement with media.

Keywords
#cognitive agency #adolescents #media ecosystem #media literacy #cognitive warfare #media engagement

Somatic Engineering and Kinaesthetic Resistance: Cognitive Warfare and the Embodied Foundations of Knowledge

Mohammad Bagher Shabanpour
Assistant Professor of English Literature, English Department, Faculty of Foreign Languages and Literatures, University of Tehran, Tehran, Iran
mb.shabanpour@ut.ac.ir

This paper argues that cognitive warfare targets the somatic foundations of knowledge. In order to develop this claim, it draws on Gallagher and Zahavi's EAE approach to 4EA cognition, which understands cognition as dynamic bodily engagement with the world. This account aligns with Colombetti's affective enactivism and Caracciolo's enactivist narratology. It discusses how enemies' narratives function as textual affordances that make embodied simulations and evoke somatic states such as fear, division, and hopelessness. In this way, knowledge is mostly foreclosed. Caracciolo describes this resulting somatic residue as somatic conditioning, an affective capture that precedes conscious reasoning. Building on this framework, the paper examines how enemy broadcasts, including a few Iran International's headlines during the 39-day US/Israeli war, use what can be termed somatic engineering to hijack this somatic layer. They show how their framing seeks to impose a bodily reality directly, bypassing critical thought. The paper then outlines countermeasures for epistemic resistance. McGuire's inoculation theory, and its contemporary operationalized form, i.e., preemptive bunking, offers a framework for building cognitive immunization. Meanwhile, lateral reading and the SIFT method provide practical steps for evaluating sources. At the messaging level, Lakoff's framing logic can help debunk claims without amplifying them. Also, epistemic vigilance is an automatic tendency they seek to recalibrate toward source and content evaluation. Finally, the paper argues that countermeasures must themselves be re-embodied. This process begins by training audiences to notice and name the somatic responses prompted by textual affordances, then reconnect those responses in collective narrative practice. Thus, conditioned somatic responses can become kinaesthetic knowledge: reflective, embodied understanding that helps audiences recognize and resist manipulation. In this way, the public can become active citizens with cognitive agency and epistemic independence.

Keywords
#somatic engineering #kinaesthetic knowledge #cognitive warfare #somatic conditioning #textual affordances #embodied cognition

Cognitive Resilience: A Qur'anic Framework for Resistance against Algorithmic Perception Engineering

Mohammad Hosein Shoaee
Assistant Professor of Culture and Communication, Department of Communication and Media, Faculty of Islamic Studies and Culture and Communication, Imam Sadiq University, Tehran, Iran
shoaee@isu.ac.ir

Algorithmic media environments, through content personalization, attention architecture, and feedback loops, have elevated perception engineering from manipulating messages to designing architectures of attention, emotion, and interpretation. Mechanisms such as agenda-setting, framing, cognitive priming, selective exposure, filter bubbles, and echo chambers influence social perception. Verses were selected according to their explicitness, communicative–cognitive function, and coverage of the model's levels: Tabayyun (al-Hujurat 49:6), fitrah (al-Rum 30:30), Karamah (al-Isra' 17:70), and Adl (al-Nahl 16:90). Shi'i exegetical sources were selected for methodological diversity: al-Mizan (Qur'an-by-Qur'an), al-Tibyan (theological–rational), Majma' al-Bayan (comprehensive), Nur al-Thaqalayn (narrative), and Tafsir al-Qummi (narrative–historical). Analysis proceeded through four stages: open coding, tafsir triangulation, functional correspondence, and framework synthesis. Rigor was ensured through an audit trail, peer debriefing, and interpretive triangulation. The framework comprises four levels: media exposure architecture (macro), cognitive–interpretive processes (micro), epistemic–normative evaluation (normative), and perceptual–behavioral consequences (social). Differentiation progresses from description to prescription: the first two levels are descriptive, while the latter two are evaluative and prescriptive. Qur'anic concepts provide normative criteria, while communication mechanisms offer analytical descriptions; their relationship involves functional correspondence, not conceptual identity or direct causality. Findings span all four levels. At the epistemic level, Tabayyun establishes a precondition for evaluating reports through verification before republication. Corresponding functionally to framing, it strengthens resistance to manipulated frames, indicated by reduced circulation of unverified news and increased consultation of complementary sources. At the cognitive–affective level, fitrah, understood as an authentic cognitive–moral disposition, resists algorithmically induced bias and corresponds to defenses against priming. Indicators include reduced confirmation bias and selective exposure, alongside greater cognitive flexibility. At the normative level, human dignity (*Karamah*) grounds a non-instrumental relationship with audiences and challenges the attention economy. Indicators include greater source diversity, less exploitation of emotional vulnerability, and disruption of filter bubbles. At the social level, justice (Adl) provides a criterion for cognitive distribution, supporting balanced representation against selective agenda-setting. Indicators include fairer representation of social groups and issues and reduced echo chambers.

Keywords
#perception engineering #cognitive ecosystem #Qur'an #cognitive resilience #algorithmic media

Corporate Responsibility and Cognitive Agency in the Global Individual Sports Industry

Vali Shokri
PhD, Department of Physical Education, Faculty of Physical Education and Sports, Sciences, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
vali.shokri@iau.ac.ir

The expansion of digitally connected running, cycling, and other individual sports has created a global commercial ecosystem linking applications, wearable devices, coaching services, and equipment manufacturers. Within this ecosystem, personal performance becomes commercially valuable information. Sports applications collect routes, exercise schedules, heart rates, and social interactions, turning workouts into persistent digital records. The central question is how companies should benefit from these records while respecting users' autonomy and privacy. This conceptual paper examines data responsibility in the individual sports industry through corporate accountability and media and information literacy. Its framework distinguishes data necessary to deliver a requested service from information collected for profiling, promotion, or product development. It also separates information users deliberately publish from sensitive inferences drawn by combining activity records over time. This distinction matters because agreeing to record a run does not necessarily indicate informed willingness to disclose daily routines, reveal locations associated with home or work, or become subject to behavioral targeting. The paper argues that responsible sports applications should adopt data minimization, protective default settings, accessible privacy explanations, explicit choices concerning secondary uses, and clear retention limits. These principles align with established guidance on mobile health applications. Responsibility should extend to connected services and commercial partners, with options to inspect, export, and delete personal records. The framework also asks whether personalized recommendations, rankings, and notifications support users' goals or create pressures they cannot readily recognize or contest. Media and information literacy provides the educational component: users need to understand how performance measurements become profiles, how recommendations are generated, and how visibility settings affect exposure. However, education cannot compensate for interfaces that obscure consequential choices. Responsibility should reflect each actor's control: individuals exercise judgment, while companies bear greater responsibility for systems they design and control. The paper connects individual sports with cognitive agency, arguing that trustworthy digital sport should strengthen people's capacity to govern their physical activity and its informational consequences.

Keywords
#individual sports #sports applications #data responsibility #media and information literacy #cognitive agency #privacy

Media Literacy, News Credibility Assessment, and News Trust among Social Media Users in Iran

Majid Soleimani Sasani
Department of Communication, Faculty of Social Sciences, Tehran University, Iran
msoleimani@ut.ac.ir

Social media have become an important source of news and information. However, assessing the credibility of content published on these platforms and recognizing the limitations of media representations of reality are essential aspects of users' critical engagement with media information. This study examines the relationship between critical media literacy and news credibility assessment among social media users in Iran. The data were drawn from our national survey of 14,505 respondents aged 15 and older across all 31 provinces of Iran. The study focuses on the critical dimension of media literacy and its relationship with users' trust in news and information disseminated through domestic and international social media platforms. Descriptive findings indicate that 58% of respondents agreed or strongly agreed with the statement, "Social media do not show us the full reality of society," while 23.2% disagreed or strongly disagreed with it. These findings suggest that a substantial proportion of respondents recognize that social media content does not provide a complete representation of social reality. Examining the relationship between this perception, trust in news, and approaches to assessing information credibility provides a basis for understanding how awareness of the limitations of media representation relates to users' engagement with news.

Keywords
#media literacy #news credibility #news trust #social media

When Crisis Becomes Identity: Representing Iran in AlJazeera English's YouTube News Coverage

Atefeh Toghyani
Assistant professor, Faculty of World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran
a.toghyani@ut.ac.ir

International news media play an important role in shaping how countries are understood beyond their borders. For many audiences, news reports are a primary source of information about countries they have never visited. The topics that receive attention and the stories that are repeatedly presented can influence a country's image over time. This raises an important question: when a country is frequently covered during political or military crises, does its media image become closely associated with crisis itself? This study examines the representation of Iran in Al Jazeera English's YouTube news coverage during two periods: one marked by heightened political or military tension and another characterized by comparatively lower tension. It investigates whether Iran's representation changes between these periods or whether crisis-related themes continue to dominate when immediate tensions are lower. Rather than assuming that international media necessarily present a negative or distorted image of Iran, the study examines whether the range of topics and perspectives changes with the political context and whether some aspects of Iranian society receive less attention. The central research question is: How does Al Jazeera English represent Iran during periods of crisis and non-crisis, and to what extent does its coverage present Iran beyond geopolitical tensions? The analysis will focus on videos published on the channel's official YouTube account during the two selected periods. It will examine coverage of conflict and security, diplomacy, economic issues, social life, culture, and human experiences, considering which aspects of Iran receive attention and how they are presented. The study will employ a mixed-methods content analysis. First, the selected videos will be classified according to their main topics and dominant frames. The frequency and distribution of these categories will be compared across the two periods to identify patterns and changes in coverage. Second, a qualitative analysis of selected videos will examine how Iran is described, which themes are emphasized, and which aspects remain less visible. This approach will connect broad patterns in topic selection with the ways individual reports construct Iran's image. By comparing coverage across different political contexts, the study will explore whether crisis-related narratives are limited to periods of heightened tension or continue to shape Iran's representation during quieter times. It aims to contribute to research on international journalism and media framing by examining how news priorities and political circumstances influence the representation of a country over time.

Keywords
#Iran #Al Jazeera English #media representation #media framing #crisis coverage

Generative Artificial Intelligence in Iraqi Satellite Newsrooms: A Survey Study of Newsroom Staff

Haider Falah Zaeid
Assistant Professor, College of Media, University of Thi Qar, Thi Qar, Iraq | ORCID: 0000-0002-4005-6880
Haiderfalh91@utq.edu.iq

Iraq's satellite channels operate in one of the most contested media environments in the region. Many are tied to political parties, religious groups or foreign sponsors, and their audiences have grown used to competing versions of the same events. Generative artificial intelligence has entered this environment quickly and with little regulation. It gives newsrooms new ways to translate, write, edit and produce visual material, but it also gives those engaged in cognitive warfare cheap tools for fabricating images, voices and news reports in Arabic. Newsroom staff stand at the point where these two developments meet, yet little is known about how they actually use these technologies or how prepared they are to recognise their misuse. This study addresses that gap through a survey of staff working in Iraqi satellite channels, including editors, correspondents, producers and presenters. The questionnaire examines how often and for what purposes respondents use generative AI tools, how they judge the benefits and risks of these tools, how confident they feel in identifying synthetic content, and which verification practices they follow. It also asks about the training they have received, whether their institutions have policies on AI use, and their views on disclosing AI-assisted content to audiences. Responses are compared across job roles, years of experience and type of channel ownership, whether state, partisan or private. The study aims to give media colleges, newsroom managers and regulators an evidence base for designing AI literacy training that helps Iraqi journalists resist manipulation, whether it comes from outside the country or from domestic political actors.

Keywords
#generative artificial intelligence #Iraqi satellite channels #newsroom staff #survey research #AI literacy

International Conference on Media and Information Literacy
2026

A Study of Persuasion Techniques in Media Economic Narratives and the Role of Media Literacy in Identifying Them

Melika Zamanpour (Corresponding Author)
Bachelor's Student in Social Communication Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran | ORCID: 0009-0006-6259-6729
melika.zamanpoor86@gmail.com

Mohammadreza Fattahi
Master's Student in Social Communication Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran
mr.fattahi77@ut.ac.ir

"Liberalism" is one of the fundamental ideas of the West, with John Locke considered one of its founders. This idea emphasizes aspects such as limited government, freedom, and private property. In the 1970s, market-based liberal ideas were revived and expanded in the form of neoliberalism. In contrast, there is a competing economic discourse referred to in this study as the "state-oriented" approach. This study does not aim to prove which of these perspectives is right or wrong; rather, it aims to examine competing economic narratives in the media and identify the techniques through which these narratives are constructed and employed to persuade audiences. In this process, aspects such as the selection and omission of information, the highlighting of certain evidence, the presentation of statistics and evidence, exaggeration, the creation of binary oppositions, the framing of issues, and the use of persuasive techniques are taken into consideration. The main research question is: What techniques do competing economic narratives in the media use to present and reinforce their viewpoints and persuade audiences, and how can these techniques be identified and evaluated from a media literacy perspective? The study also seeks to identify components of media literacy that can help audiences critically engage with different economic narratives. In this study, content published by selected news agencies and analytical news media in connection with the statements and views of prominent advocates of the free-market economy and the state-oriented economy will be examined and compared as research data. The research method is qualitative thematic analysis with a comparative approach. Ultimately, by identifying and comparing the persuasive techniques used in competing economic narratives, this study is expected to develop a set of media literacy components and questions that can serve as a basis for audiences' critical engagement with economic media messages.

Keywords
#neoliberalism #state-oriented economy #media literacy #media persuasion

International Conference on Media and Information Literacy
2026

Rethinking Media and Information Literacy for Iranian Users Who Unknowingly Share AI-Generated Disinformation

Hoda Zarei
Master's student in Communication Studies, The University of Tehran, Tehran, Iran | ORCID: 0009-0006-0624-274X
hoda.zarei@ut.ac.ir

AI can now produce fake images, videos, and voices that look real, and they spread fast on social media. During recent conflicts, for example, fabricated war footage circulated widely and was often mistaken for the real thing. In what is called cognitive warfare, the goal is to shape how people see and judge events without using physical force, and ordinary users often carry the message further without knowing it. They are not trying to join an information war. They simply share what looks interesting, urgent, or familiar. This conceptual paper reviews existing research and argues that media and information literacy (MIL) should treat users as actors, not just audiences. It points to three reasons why everyday sharing becomes participation. First, people make quick, low-effort decisions, especially when they are distracted, overloaded, or anxious, so they share before checking. Second, they struggle to spot AI-generated content, yet feel confident they can, which makes simple awareness campaigns less protective than expected. Third, after seeing such content again and again in their feeds, they may stop caring whether it is real, so no one verifies or reports it. The paper applies these ideas to Iran, where research has looked at fake news and media literacy but little has asked how users deal with AI-generated content. It suggests seeing users as active gatekeepers of information, and it discusses what this means for MIL programs. These could teach everyday verification habits, build awareness of how AI content is made and recommended, and challenge the belief that "my share doesn't matter." Finally, the paper proposes questions for future studies of how Iranian users check what they see online.

Keywords
#cognitive warfare #AI-generated disinformation #media and information literacy #ordinary users #unverified information sharing

Blaming the Machine: AI and the Minab School Strike on Persian Social Media

Mostafa Zeinvand Lorestani
MA, Department of Social Communication Sciences, Sooreh University, Tehran, Iran | ORCID: 0009-0008-5659-8124
mostafalorestani90@gmail.com

Mohammadreza Gharghani
MA, Department of Social Communication Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran | ORCID: 0009-0005-5475-0098
mr.gharghani@ut.ac.ir

Ehsan Shahghasemi
Professor, Department of Communication, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran | ORCID: 0000-0002-8716-5806
Shahghasemi@ut.ac.ir

Within hours of the start of the US-Israeli war on Iran on 28 February 2026, a US missile destroyed the Shajareh Tayyebeh elementary school in Minab, killing more than 150 people, most of them children. Artificial intelligence soon became central to how the attack was explained and disputed. A Pentagon review later linked the strike to heavy reliance on an AI targeting system, while the US president suggested that the images of the dead might themselves be AI-generated. This article asks how Persian-language social media users made sense of AI's role in the killing. It analyses 2,944 posts from X, Telegram and Instagram that mentioned both Minab and AI between February and October 2026, using inductive thematic coding and frame analysis. Four frames emerged. AI appeared as a killer, as a fabricator of evidence, as a medium of mourning, and as an arbiter consulted to settle disputes over what had happened. The platforms carried these frames in different ways. Denial of the strike was almost entirely confined to small accounts on X, where users also argued most sharply over whether "AI error" was an excuse. Telegram channels rebutted the denial and relayed reports on AI targeting in near-identical texts, and Instagram turned the children into subjects of synthetic commemoration. Across all three platforms, invoking AI tended to move responsibility away from the people who planned and carried out the attack. Iranian users largely resisted that move, insisting that the children were real and that their deaths had to be answered for by people, not machines.

Keywords
#military artificial intelligence #Minab school strike #synthetic media #Persian social media #accountability

Generative AI, Linguistic Marginality and the Next Frontier of Cognitive Warfare

Mujeeb Rahman Ziarmal
Department of Public Relations, Faculty of Communication and Journalism, Kabul University, Kabul, Afghanistan | ORCID: 0009-0002-0253-1094
Ziarmal.M.R@ku.edu.af

Generative AI has made it cheap to produce convincing text, images, audio and video, and it is quickly finding its way into cognitive operations around the world. For societies on the edges of the global technology economy, the worry takes a particular shape. The models behind these tools learn mostly from material in dominant languages and cultures, and they carry the stereotypes and hierarchies of that material with them. Dari and Pashto are thinly represented, and two consequences follow. What these systems produce about Afghans is often distorted. The tools meant to detect or moderate synthetic content also work poorly in our languages, so local audiences are left more exposed. We read this situation through postcolonial theory and treat generative AI as a new infrastructure through which centres of technological power describe, and to some extent define, the periphery. Media and information literacy, we argue, now needs an AI component designed for linguistically marginalised communities. People should understand in broad terms how these systems work, learn some of the signs of synthetic content, and know what biases the systems tend to carry. The challenges are not limited to external sources. Generative AI tools may be used in different contexts to influence public narratives, shape interpretations of historical events, or affect how individuals and groups understand information. AI literacy therefore needs to help people recognize and critically assess these potential uses across different contexts. We conclude with a call for local-language datasets, AI literacy work led by communities themselves, and closer cooperation among countries of the South, so that societies like Afghanistan can help shape generative AI instead of only being shaped by it.

Keywords
#generative AI #cognitive warfare #linguistic marginality #AI literacy #South–South collaboration

Whose Inoculation? Rethinking Prebunking from a Postcolonial Standpoint

Mujeeb Rahman Ziarmal
Department of Public Relations, Faculty of Communication and Journalism, Kabul University, Kabul, Afghanistan | ORCID: 0009-0002-0253-1094
Ziarmal.M.R@ku.edu.af

Prebunking has become one of the most popular answers to misinformation. The idea, taken from inoculation theory, is that people who are shown a weakened version of a manipulation technique become better at resisting the real thing, and a good deal of experimental work supports it. Almost all of that work, though, was designed and tested with audiences in Europe and North America. Its examples, its threat models and even its working definition of misinformation carry the marks of that origin. When these interventions are brought to countries like Afghanistan, they can arrive with quiet judgements about which sources are reliable and which narratives are dangerous. Those judgements often line up with the interests of whoever paid for them. We offer a postcolonial reading of prebunking, but we do not reject it. What we find most useful in inoculation theory is that it targets techniques rather than sources. Someone who can spot emotional exploitation, false choices, scapegoating or an old photograph passed off as new is protected wherever the message comes from: a foreign ministry, an international broadcaster, a transnational movement or their own government. We look at how Afghan proverbs, storytelling and religious teachings on truthful speech could supply the material for inoculation messages, since people tend to trust and remember lessons framed in their own moral language. We also emphasize the importance of ensuring that prebunking approaches are applied in ways that respect diverse perspectives and avoid unfairly dismissing differing viewpoints. The paper ends with design principles for prebunking that is locally owned, focused on techniques, and fair to all sides.

Keywords
#prebunking #inoculation theory #postcolonial critique #Afghanistan #cultural adaptation


MIL
2026